



یاسمین مقبلی

سی عادت ناپسند اجتماعی!

- ۱- خیره شدن به دیگران
- ۲- با دهان پُر حرف زدن
- ۳- قطع کردن صحبت دیگران
- ۴- اظهار فضل و دانایی کردن بیش از اندازه
- ۵- بلند صحبت کردن
- ۶- خیلی محکم یا شُل دست دادن
- ۷- پرخوری در میهمانی‌ها
- ۸- گذاشتن آرنج روی میز
- ۹- پیچ پچ کردن و خندیدن مرموز در حضور دیگران
- ۱۰- دراز کردن دست از سوی آقایان و اصرار برای دست دادن با خانم‌هایی که به هر دلیلی مایل به دست دادن نیستند
- ۱۱- جویدن یا صدا در آوردن با آدامس
- ۱۲- استفاده بی‌اندازه از تلفن همراه بین جمعیت
- ۱۳- تظاهر به احساساتی بودن در حضور دیگران
- ۱۴- توهین، کنایه و طعنه زدن به دیگران
- ۱۵- عدم رعایت بهداشت شخصی در حضور دیگران، مانند: خلال کردن دندان، تمیز کردن بینی و شانه کردن مو
- ۱۶- بی‌احترامی و حمله به حریم شخصی و باورهای افراد
- ۱۷- بی‌نظمی و زرنگی در نوبت
- ۱۸- ریختن آشغال روی زمین حتی در جاهای کثیف
- ۱۹- پوشیدن لباس نامناسب، یا آراسته نبودن
- ۲۰- خندیدن به خطاها، آسیب دیدن و یا مشکل دیگران
- ۲۱- به‌کار بردن کلمه‌های زشت و بی‌ادبانه
- ۲۲- هنگام گفتگو، نگاه کردن به‌جایی غیر از چهره مخاطب
- ۲۳- بحث در مورد مشکلات خانوادگی با اعضای خانواده (فرزند، همسر...، یا پدر و مادر) با حضور دیگران
- ۲۴- کشیدن سیگار در اجتماع و باحضور افراد غیرسیگاری
- ۲۵- سکوت و کم‌حرفی غیر عادی یا عبوس بودن در جمع
- ۲۶- مسخره کردن لهجه‌ها یا شوخی‌های تحقیرآمیز جنسیتی
- ۲۷- افراط و تفریط در سلام و احوالپرسی
- ۲۸- غیب کردن و بدگویی از دیگران
- ۲۹- فضولی و دخالت کردن در امور شخصی دیگران
- ۳۰- بی‌توجهی به قول و قرارها



نه به حجاب اجباری



شماره ۲۲۹، سال سی و چهارم، مرداد ۱۴۰۲

No. 229, July/August 2023

« تنها راه رهایی، آگاهی است »

مجله پژوهش زیر نظر شورای نویسندگان منتشر
و بتمام گروه‌های ملی و آزادی‌خواه وابسته است

هم آهنگ کننده:

دکتر مصطفی عرب

صاحب امتیاز:

فاطمه عرب (M.B.A - M.A.)

مشاورین فنی:

مهندس امیر و علی عرب

روابط عمومی: زهرا و دکتر لیلی عرب

دستیاران: پربنستون، عالیا و سوفیا

پژوهشگران و نویسندگان شخصاً مسئول

نظرات و نوشته‌های خود هستند

آدرسی و شماره تلفن مجله:

9008 Caminito Vera
San Diego, CA 92126

(858)566-5566

Email:

arya5@aol.com

سرگرد مقبلی، از سال ۲۰۰۸ خلبانی هواپیماهای جنگنده را شروع کرد. او بیش از دو هزار ساعت پرواز با ۲۵ نوع هواپیمای مختلف را در کارنامه‌ی خود دارد. مقبلی طی دوران خدمت خود در ارتش آمریکا، در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ در عملیات‌های نظامی آمریکا در افغانستان شرکت داشته‌است.

فعالیت در ناسا

در ژوئن سال ۲۰۱۷، مقبلی یکی از دوازده نفری بود که به عنوان عضو «گروه ۲۲ فضانوردان ناسا»

(NASA Astronaut Group 22)

ملقب به «لاکپشت‌ها» انتخاب شد و دوره‌ی آموزشی ۲ ساله خود را آغاز کرد. شایان ذکر است که وی به همراه چهار زن و هفت مرد دیگر از میان ۱۸ هزار فرد داوطلب برای شرکت در این دوره، برگزیده شده بودند.

در دسامبر سال ۲۰۲۰ ناسا اعلام کرد که سرگرد مقبلی یکی از فضانوردانی خواهد بود که نامزد حضور در برنامه فضایی «آرتمیس» ناسا هستند و در صورت قبولی، در آینده به کره ماه و احتمالاً «مریخ» فرستاده می‌شود. همچنین اگر او از بین ۹ زن نامزد سفر به ماه انتخاب شود، اولین زنی خواهد بود که به ماه می‌رود.

همچنین ناسا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که مقبلی به‌طور رسمی به‌عنوان فرمانده هفتمین مأموریت اعزام فضایی «اسپیس اکس» به ایستگاه فضایی بین‌المللی انتخاب شده و «آندریاس مورگنسن» (فضانورد اروپایی)، خلبانی این عملیات را برعهده خواهد داشت. این مأموریت قرار است در سال جاری (۲۰۲۳) از مرکز فضایی کندی در فلوریدا انجام شود.



سرگرد مقبلی همراه با همسر و دو فرزند دوقلویشان



سرگرد یاسمین مقبلی؛

یک مادر، یک ورزشکار، یک خلبان.... و یک فضانورد

یاسمین مقبلی زاده ۲۴ ژوئن ۱۹۸۳، خلبان آزمایش سپاه تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا و فضانورد آمریکایی ناسا است. وی سابقه بیش از دو هزار ساعت پرواز با ۲۵ نوع هواپیمای مختلف و ۱۵۰ مأموریت از جمله چند سورتی پروازی در افغانستان را دارد.

یاسمین مقبلی، فرزند فرشته و کامی مقبلی، در ۲۴ ژوئن ۱۹۸۳ (۳ تیر ۱۳۶۲) در آلمان به دنیا آمد.

والدین او بعد از شورش سال ۱۳۵۷ از ایران خارج شدند و پس از مدتی سکونت در آلمان، در شهر «بالدوین»، (ایالت نیویورک آمریکا) ساکن شدند.

یاسمین مقبلی در دبیرستان بالدوین تحصیل کرد و در دوران دانش‌آموزی، در دوره آکادمی پیشرفته فضایی در کمپ فضایی «هانتسویل» (آلاباما) نیز شرکت کرد.

یاسمین مقبلی کارشناسی مهندسی هوافضا خود را از دانشگاه «ام‌آی‌تی» اخذ کرده و مدتی نیز عضو تیم بسکتبال این دانشگاه بوده است.

سرگرد مقبلی به‌عنوان افسر سپاه تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا و خلبان بالگرد بل ای‌اچ-۱ سوپرکبرا آموزش دید و در این دوره ۱۵۰ مأموریت جنگی از جمله چند سورتی در افغانستان را به انجام رساند. او مدرک کارشناسی ارشد مهندسی هوافضا را از مدرسه عالی نیروی دریایی ایالات متحده دریافت کرد. او همچنین دوره آموزشی خلبانی را در پایگاه نیروی هوایی-دریایی یوما گذرانده است.

خیانت مجدد روسیه به ایران؛

استفاده از واژه جعلی «خلیج...!» به جای «خلیج فارس»

پس از حمایت جنجالبرانگیز روسیه از ادعای شورای همکاری خلیج فارس در خصوص مالکیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس، استفاده اکانت رسمی وزارت خارجه روسیه به عربی از واژه جعلی «خلیج...!»، با اعتراض کاربران ایرانی در فضای مجازی مواجه شد.

چندی پیش وزیران خارجه روسیه و شش کشور حوزه خلیج فارس در نشست مشترک در مسکو اعلام کردند که حامی «ابتکار امارات متحده عربی و کوشش‌های آن در دستیابی به راه‌حلی صلح‌آمیز در خصوص سه جزیره... از طریق مذاکرات دو جانبه با دیوان بین‌المللی دادگستری هستند.

مواضع روسیه در شرایطی اتخاذ شده که جمهوری اسلامی از آغاز لشکرکشی مسکو به اوکراین به حامی تسلیحاتی این کشور در این جنگ تبدیل شده و به این دلیل هدف انتقادهای شدید و تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته است.

در واکنش به موضع روسیه درباره مالکیت جزایر سه‌گانه ایران، وزیر خارجه دولت ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه در توییتر در واکنش به موضع روسیه و امیرنشین‌های خلیج فارس در خصوص جزایر سه‌گانه ایران نوشته بود: «برسر استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی ایران، با هیچ طرفی تعارف نداریم».

با این حال، عدم استفاده از نام روسیه در این توییت «حسین امیرعبداللهیان»، انتقادهایی را در پی داشت. ساعاتی پیش از آن، وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که سفیر روسیه در تهران را در ارتباط با موضع اخیر مسکو، «احضار» و سپس «اعتراض رسمی» ایران را به او ابلاغ کرده است.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس، در انتقادی تند ایستادن مسکو در کنار امیرنشین‌های خلیج فارس در ارتباط با جزایر سه‌گانه را نکوهش کرد و آن را «ادامه بازی پوتین با منافع ملی ایران» خواند.



خبرهایی از ایران و جهان

شکاف عمیق بین سطح رفاه مردم ایران

و رفاه مردم کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

سرانه تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید، یکی از معیارهای بهینه برای مقایسه سطح رفاه شهروندان هر کشور با مردمان دیگر است. همه ما می‌دانیم چه شکاف بزرگی بین ما و دیگر کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد، اما شاید مطلبی که همگان به آن آگاه نباشند، اختلاف فاحش و درآورد بین ملت ایران و کشورهای همسایه به‌ویژه در حوزه خلیج‌فارس است.

آمار بانک جهانی از این شاخص نشان می‌دهد وضع شهروندان عمانی ۳/۲ برابر، عربستانی‌ها ۳/۳ برابر، بحرینی‌ها ۴/۳ برابر، اماراتی‌ها ۸/۴ برابر و قطری‌ها ۳/۶ برابر بهتر از ما هستند.

برای اینکه برداشتی صحیح‌تر از این ارقام دهشتناک داشته باشیم، اگر فرض کنیم جمعیت ایران ثابت باشد (که نیست) با رشد اقتصادی ۴ درصد (که متأسفانه در دهه گذشته نتوانسته‌ایم آن را محقق کنیم) نزدیک ۱۸ سال زمان نیاز است تا رفاه ایرانیان دو برابر وضعیت فعلی شود.

به عبارت دیگر اگر فرضاً بخواهیم وضعیت رفاهی ایرانیان حداقل به میزان مردم عمان باشد و فرض کنیم آنان هر سال در جا بزنند تا ما به آنها برسیم، بیش از ۲۰ سال زمان نیاز است!

لازم به ذکر و ارائه آمار نیست که مثلاً چهار دهه گذشته اختلاف چگونه بوده است. بگذارید رو به آینده سخن بگوییم. این اختلاف فاحش پیشرفت، ناشی از عملکرد این دولت و آن دولت نیست؛ مسأله رویکردی است که کشور اتخاذ کرده و باعث شده است چنین شکافی با همسایگان ایجاد شود. البته به لحاظ تطور تاریخی، این کشورها حرکت‌های جمعی را برای محدودسازی قدرت مرکزی تجربه نکرده‌اند و از این منظر احتمالی هرچند کوچک، برای ایجاد بی‌ثباتی وجود دارد، اما در حال حاضر شاهد یک وضعیت باثبات همراه با اقتصادی مرفه و هماهنگ با تجارت جهانی از سوی این کشورها هستیم.



**یاسمین مقبلی ، فضاورد ایرانی_ آمریکایی ،
فرمانده ماموریت ناسا شد...
خانم مقبلی قرار است ماه آینده میلادی برای
نخستین بار و به عنوان فرمانده راهی ماموریت
فضایی ناسا شود...**

تلاش سناتورهای آمریکایی

برای افشای اطلاعات مربوط به بشقاب پرنده‌ها

انتظار می‌رود سنای آمریکا در روزهای پیش رو به بررسی اقدامی دوحزبی با هدف وادار کردن دولت به انتشار عمومی اسناد مربوط به مشاهده بشقاب پرنده‌ها بپردازد. دولت ایالات متحده دهه‌ها است از انتشار چنین اسنادی خودداری می‌کند. چاک شومر، سناتور جمهوری‌خواه و رهبر اکثریت سنای ایالات متحده با همکاری مایک راندز، سناتور جمهوری‌خواه اقدامی را سازماندهی می‌کنند که دولت را به افشای اطلاعات مربوط به آنچه به طور رسمی «پدیده‌های غیرعادی ناشناس» نامیده می‌شود وادار می‌کند.

لایحه پیشنهادی ۶۴ صفحه‌ای آن‌ها بر اساس «قانون جمع‌آوری سوابق ترور جان اف کندی، رئیس جمهوری پیشین آمریکا» تنظیم شده است.

قانون مزبور که در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید، نحوه بررسی و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به قتل «جان اف کندی» در سال ۱۹۶۳ را مشخص می‌کند.

چاک شومر در بیانیه‌ای گفت: «بسیاری از آمریکایی‌ها برای دهه‌ها مسحور اشیاء مرموز و توصیف‌ناپذیر بودند و زمان بسیاری گذشته و همچنان پاسخی دریافت نکرده‌اند. مردم حق دارند راجع به فناوری‌هایی که از منابع نامشخص می‌آیند، اذهان غیربشری و همچنین پدیده‌های توصیف‌ناپذیر بدانند.»

تلاش برای ربودن یک خلبان سابق ارتش ایران در ترکیه

یک رسانه در ترکیه روز جمعه ۲۳ تیرماه، خبر داد دادگاهی در شهر «وان» این کشور، افراد متهم به تلاش برای ربودن یک خلبان سابق ارتش ایران را به زندان محکوم کرده است. این سه متهم که به‌نوشته‌ی رسانه «خبرترک» یکی از آنها مامور امنیتی جمهوری اسلامی است، در مجموع به «شش سال و هشت ماه» حبس محکوم شدند.

۲۱ مهر ۱۴۰۰ دولت ترکیه از «انهدام یک شبکه جاسوسی» جمهوری اسلامی خبر داد و گفت چند نفر به اتهام جاسوسی و طراحی آدم‌ربایی در این کشور بازداشت شدند.

مهرداد آبدارباشی، خلبان سابق ارتش ایران، دو روز بعد خبر داد عملیات آدم‌ربایی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با هدف بیهوش کردن او و انتقال‌اش به ایران برنامه‌ریزی شده بود و یک زن ایرانی ساکن ترکیه نیز همکار نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی بوده است.

به‌نوشته «خبرترک»، مقام‌های دادگاه نام متهمان را به دلایل امنیت ملی فاش نکرده‌اند و هویت این سه محکوم محرمانه باقی مانده است.

مهرداد آبدارباشی در سال ۹۷ از ایران خارج و به ترکیه رفت و از آن زمان در این کشور به‌عنوان پناهجو زندگی می‌کند. او دو سال پیش بعد از ناکام ماندن عملیات ربودنش به‌صدای آمریکا گفت در سال ۹۷ قرار بود از طریق نیروی قدس به‌فرماندهی قاسم سلیمانی به‌سوریه اعزام و پس از مخالفت او با رفتن به سوریه، توسط سازمان اطلاعات سپاه بازجویی شد.

به‌گفته این خلبان سابق ارتش ایران، او پس از چند مرحله بازجویی از مقام‌های سپاه پاسداران درخواست مهلت برای آماده شدن و رفتن به سوریه کرد و در بازه زمانی دو هفته‌ای موفق به خروج از ایران و اعلام پناهندگی در ترکیه شد.

طی سال‌های اخیر شماری از مخالفان حکومت جمهوری اسلامی در ترکیه و سایر کشورهای همسایه دستگیر و به داخل ایران منتقل شده‌اند.

آبان سال ۹۹ «جنبش مبارزه عربی آزادی‌بخش الأحواز» اعلام کرد جمهوری اسلامی حبیب فرج‌الله چعب معروف به «حبیب اسبوند» رهبر پیشین این گروه را در ترکیه ربود. وی در ۱۶ اردیبهشت امسال به‌اتهام «افساد فی‌الارض» در ایران اعدام شد.



مهرداد آبدارباشی



خطرناک ترین طرح علمی آمریکا:

ناسا قصد دارد کره زمین را جابجا کند!

دانشمندان «ناسا» یک روش غیرمعمول برای غلبه بر گرمای کره زمین یافته‌اند و آن هم این است که کره زمین را به یک مدار دورتر از خورشید یعنی یک منطقه خنک‌تر حرکت بدهند!

این ایده عجیب زائیده‌ی ذهن مهندسان ناسا و یکسری از اخترشناسان آمریکایی‌ست که معتقدند این روش حدود ۶ بیلیون سال به‌عمر سیاره ما اضافه می‌کند؛ به‌عبارت دیگر عمر مفید زمین ۲ برابر خواهد شد!

جالب است بدانید برای این کار نیاز به نیروی عظیمی برای حرکت دادن کره زمین نیست، فقط کافی‌ست یک ستاره‌ی دنباله‌دار را به سمت زمین هدایت کنند.

دکتر Laughlin که در مرکز تحقیقات ناسا در کالیفرنیا کار می‌کند گفته است برای این کار فقط لازم است یک ستاره‌ی دنباله‌دار و یا شهاب آسمانی را به‌سمت زمین هدایت کنیم به‌طوری‌که با سرعت از کنار و نزدیک زمین رد به‌شود و به‌این طریق می‌توان از نیروی گرانشی شهاب که روی زمین اثر خواهد گذاشت استفاده کرد.

در نتیجه‌ی اینکار سرعت مداری زمین افزایش پیدا می‌کند و به‌یک مدار بالاتر می‌رود که از خورشید دورتر است و به‌این ترتیب به‌یک منطقه‌ی خنک‌تر هدایت می‌شویم.

همچنین این مهندسان گفته‌اند پس از این کار، باید این ستاره‌ی دنباله‌دار را به‌سوی زحل یا مشتری هدایت کرد تا روند رو به عقب اتفاق بیفتد و انرژی‌اش را از یکی از این ۲ سیاره غول‌آسا بگیرد.

بعدها مدارش آن را دوباره به‌سمت زمین برخواهد گرداند و این روند همچنان تکرار خواهد شد!

این گروه گفته‌اند هدفشان در نجات کره زمین کاملاً جدی‌ست و تنها چیزی که احتیاج دارند پرتاب موشک شیمیایی به‌یک شهاب آسمانی یا ستاره‌ی دنباله دار است که در زمان مقرر باعث آتش گرفتن‌اش به‌شود.

این طرح جنبه‌های نگران کننده‌ی زیادی دارد؛ مهندسين هوافضا باید برای هدایت شهاب و یا ستاره‌ی دنباله‌دار به‌سمت زمین، نهایت دقت را به‌کنند، زیرا کوچکترین اشتباهی در این زمینه، کره زمین را به مداری جلوتر خواهد برد (مدار آتش) و عواقب ویرانگری را در پی خواهد داشت. کباب شدن محیط زیست زمین کم‌ترین آن‌ها خواهد بود.

خودکشی برای وطن

در آیین‌نامه امور نظامی قرارداد ۱۹۱۹ مقرر بود ترفیع افسران ایرانی زیر نظر فرمانده انگلیسی باشد! بنابر تجربه هندوستان و مصر مسلم بود همه افسران ارشد از میان انگلیسی‌ها انتخاب می‌شدند. موضوع در کمیسیون مختلط انگلیسی-ایرانی مطرح شد، ولی دو افسر با شرف ایرانی مخالفت کردند.

یکی از آن دو افسر «سرهنگ فضل‌الله خان آق‌اولی» بود که اتفاقاً در انگلستان درس نظام خوانده بود. او حاضر به‌امضای آن سند خیانت نه‌شد، لذا سخت مورد توهین و عتاب وزیر جنگ (سردار منصور رشتی) قرار گرفت.

سرهنگ آق‌اولی وقتی دید با وجود مقامات بی‌کفایت کشور، این قرارداد ننگین منعقد خواهد شد، درد وطن‌پرستی به او امان نداد و در اول فروردین ۱۹۱۹ با شلیک اسلحه کم‌ری‌اش خودکشی کرد و پیش از خودکشی، شرح مخالفت خود با قرارداد ۱۹۱۹ را در نامه‌ای خطاب به‌وزیر جنگ فرستاد.

این سرباز وطن‌پرست با شهادت خود، هموطنانش را از دسیسه انگلستان و سرسپردگانش آگاه کرد.

گزارش جرایم وقت از این واقعه:

«کنل فضل‌الله خان روز یکشنبه اول فروردین ماه در منزل کنل منوچهرخان دعوت داشت و پس از صرف ناهار و بازگشت به‌منزل، به اندرون خودشان رفته، خانواده‌اش را ملاقات می‌کند و مبلغی بعنوان عیدی به‌آنها داده و آنها را از اتاق خارج می‌نمایند و در این موقع که یک ساعت و نیم از ظهر گذشته بود برونینگ را پشت گوش خود گذارده گلوله را خالی که از طرف چپ صورت خارج شده و فوراً دارفانی را وداع می‌گوید.»

مقاومت مردم

همزمان با راه‌اندازی دوباره گشت ارشاد در شهرهای ایران، شامگاه یکشنبه ۲۵ تیر و پس از آن‌که مأموران حکومتی بر سر موضوع حجاب اجباری قصد بازداشت سه تن از زنان در میدان شهرداری این شهر را داشتند با مقاومت مردم مواجه شده‌اند.

برخی گزارش‌ها حاکی است در پی فشار مأموران برای بازداشت زنان در خیابان‌ها، مردم با اعتراض، شعار «مرگ بر خامنه‌ای» سر می‌دهند.



مهسا امینی

من هرگز برای رفتن به مدرسه بلیط اتوبوس نه خریدم و در شلوغی، بدون بلیط سوار شدم!

من دروغ گفتم و در مدرسه تقلب کردم تا قبول شدم!
من ایرانی، امروز بعد از سالها به جایگاهی رسیده‌ام که می‌دانم اگر کلاه کسی را بر ندارم، کلاه من را بر می‌دارند، من کلاهبردار شده‌ام!

من در خیابان یکطرفه رانندگی می‌کنم تا زودتر به مقصد برسم!
من برای یک کیک و ساندیس هر چه از دهانم در می‌آید نثار همه کس می‌کنم!

من در ظهر عاشورا با اینکه تنها بودم، ۴ قابلمه چلوخوردن قیمه گرفتم؛ دو هفته، دو قابلمه را خوردم و بقیه‌اش یخچالم را متعفن کرد و برای پاک کردن آن بزحمت افتادم!

من، من...، من ایرانی بودم و ماندم و او که رفت.
او برای من ایرانی ۲۰۰ سال زود آمده بود!؟

من حتی آنقدر بزرگ شده‌ام که یادم رفته باید معرفت داشته باشم، من هنوز یک ایرانی‌ام، اما او رفت...

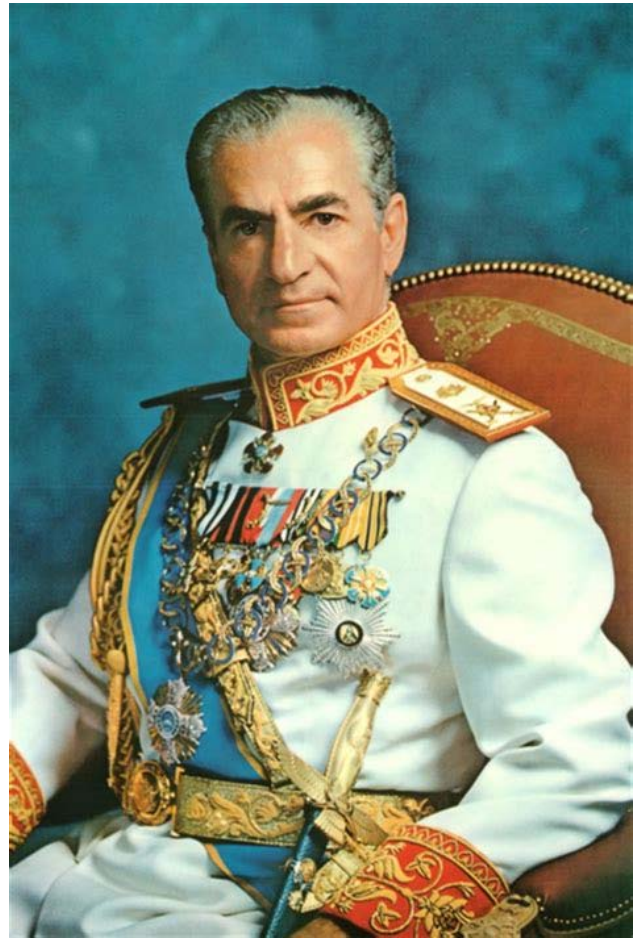
این حقیقت زندگی همه ماست؛ از خودم شروع کردم که به کسی بی‌احترامی نکرده باشم. من امروز چندین بار دروغ گفتم تا به‌شب رسیدم، این ساختار فکری امروزین من ایرانی است!؟
آنکه حقیقت را می‌گوید در بین ما جایگاهی ندارد!؟

عزیزانم....

زمانیکه اسکندر مقدونی وارد تخت جمشید شد و دید مردم هیچ چیز از خزانه بر نداشته‌اند، پرسید:

شاه کشته شده خزانه را خالی نکرده‌اند؟

گفتند: ایرانیان با دزدی و غارت بیگانه‌اند و هیچکس در این سرزمین دزدی نمی‌کند... آیا این روزها ایرانی‌ها از اصالت افتاده‌اند؟ یا دزدان اصلا ایرانی نیستند؟



پادشاهی با تعلیم و تربیت سوئسی

شاهین فاتحی

«محمدرضا شاه پهلوی» در ۷ سالگی به سوئیس رفت؛ وقتی که در ۲۰ سالگی به ایران بازگشت یک ایرانی بود، اما با فرهنگی بیگانه از مردم ایران!

شاه یک سوئسی شده بود، راه رفتن‌اش، نگاه کردن‌اش، دست دادن‌اش؛ کسی صدای بلند شاه را هرگز نشنید؛ او آرام حرف می‌زد.

او سواد داشت و می‌خواست همه با سواد شوند؛ سپاه دانش را به‌وجود آورد؛ او بهداشت را دوست داشت، سپاه بهداشت را به‌روستاها فرستاد!

شاه کشتی‌گیر نبود، تنیس بازی می‌کرد.

او زور خانه نمی‌رفت، اسکی می‌کرد.

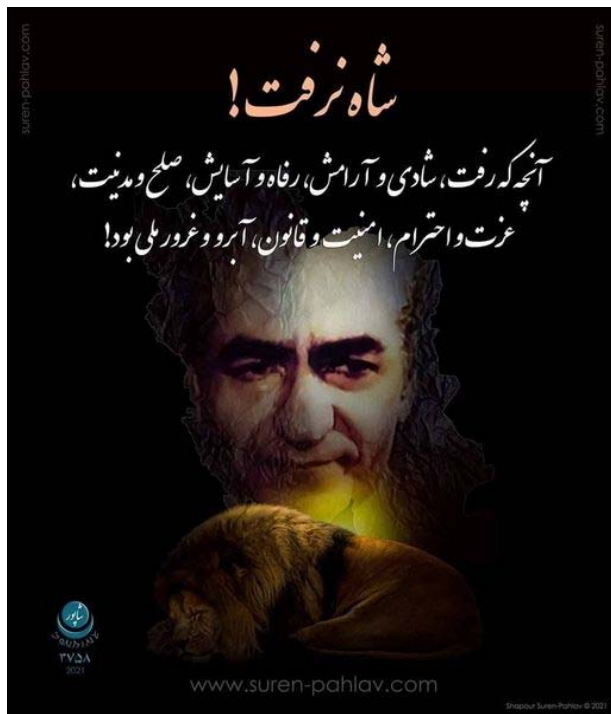
شاه دروغگو نبود؛ کلاهبردار نبود... او حتی وقتی که از ایران رفت به کسی توهین نکرد!؟

سوئسی‌ها اهانت نمی‌کنند، آرام از کنار هم می‌گذرند؛ شاه با وقار رفت.

شاه یک صفت دیگر هم یاد گرفته بود، او قدرشناس بود؛ از کوروش می‌گفت، از شاه شاهان! او از پدرش می‌گفت که برای ملت ایران و من و تو چه کرد.

شاه هرگز «من» نگفت، همیشه «ما» می‌گفت!

و او رفت؛ اما من که بودم!؟



شاه زرفت!

آنچه که رفت، شادی و آرامش، رفاه و آسایش، صلح و امنیت، عزت و احترام، امنیت و قانون، آبرو و غرور ملی بود!



www.suren-pahlav.com

©2001 Suren Pahlav

در سرزمین شاهان شاه برگزینی می‌برد



چهارم و پنجم امرداد ماه

آسمانی شدن دو ابر مرد تکرار نشدنی تاریخ

آیا وطن‌پرستی گناه بزرگی است که رضاشاه کبیر و فرزند برومندش اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی فقید بدان اصرار می‌ورزیدند؟!

آیا عشق ورزیدن به مرز و بوم آباء و اجدادی که این دو میهن‌پرست اصیل سرلوحه همه برنامه‌های ایران‌ساز خویش قرار داده بودند، جرمی نابخشودنی بوده است؟!

آیا داشتن عرق ملی و مبارزه با دشمنان خانگی و خارجی یک سرزمین توسط پادشاهان سرافراز پهلوی نیز خطای آشکاری بوده است؟!

آیا مبارزه با دزدان سرگردنه‌ها، راهزنان شهرها و میان جاده‌ها و ایمن نمودن مسیر عبور و مرور مسافرانی که از بیم این افراد خبیث، جان و مالشان در خطر بود گناه بوده است؟!

آیا احداث جاده‌های شوسه و قابل استفاده، به‌جای آن کوره‌های راه‌های صعب‌العبور روی کوه‌ها و دره‌ها، برای سرعت بخشیدن به انجام یافتن صحیح‌تر کارهای مردم و مملکت و سریع‌تر به مقصد رساندن مسافران ساکن در روستاها و شهرستانهای دور و نزدیک، خبط و خطائی غیرقابل چشم‌پوشی بوده است؟!

آیا ایجاد تونل‌های چندین کیلومتری در زیر کوه‌های کشور جهت استفاده بهینه از مناطق کوهستانی مرتفع کشور و کوتاه‌تر نمودن مسیر مسافران بین شهرها نیز اشتباهی جبران ناشدنی بوده است؟!

آیا ریشه‌کن نمودن بیماری‌هایی که اپیدمی مرگ را برای ساکنان میهن‌آمان به‌ارمغان می‌آوردند و باعث گرفتار شدن مردم به‌آن بیماری‌های مهلک و درمان‌ناپذیر می‌گردیدند و مرگ و میر زورس آنان را موجب می‌گشتند هم گناهی عظیم بوده است؟!

آیا از اینکه دیگر کسی آبله، تراخم، تیفوئید (حصبه)، جرب (گال)، دیفتری، ذات‌الریه (سینه‌پهلو)، سالک، سل، سیاه‌زخم، سیاه‌سرفه، کچلی، کزاز، مالاریا، سفلیس... و تعدادی دیگر از بیماری‌های واگیردار و خطرناک دیگر را نمی‌گیرد، باید غمگین باشیم و افسوس به‌خوریم؟!

آیا ایجاد یکی از بهترین، بزرگترین، وسیع‌ترین و کامل‌ترین دانشگاه‌ها در منطقه خاورمیانه در کشورمان جرمی جبران ناشدنی بوده و ما نمی‌دانستیم؟!

آیا خارج نمودن مردم ایران از خلسه و خمودگی ناشی از عقب ماندگی‌های علمی و فرهنگی مصنوعی که عدم لیاقت و کفایت سلسله‌های قبلی و نیز مقاصد عمدی بدخواهان بین‌المللی بر آنان تحمیل گردانده بود و سوق دادن ایشان به‌سوی مدرنیته‌ای، کاری عبث و بیهوده بوده است؟!

آیا تدبیر راه‌اندازی یک زیرمجموعه ارزشمند در حوزه وزارت آموزش و پرورش کشور به‌نام سازمان «پیکار با بی‌سوادی» و نجات دادن بسیاری از محرومان بی‌سوادی میهن‌آمان که علاقمندی زیادی به‌رها شدن از زنجیرهای زندان تاریک جهل ناشی از بی‌سوادی و دارا گشتن نعمت خواندن و نوشتن را داشتند، اشتباهی محض بوده و نمی‌بایست انجام می‌گرفت؟!

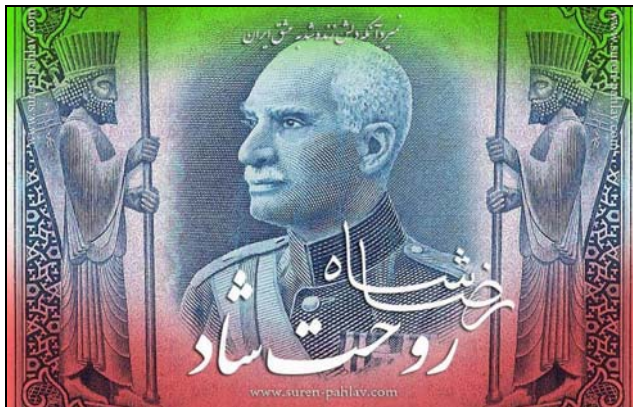
آیا کوتاه کردن دست مشت‌فروشان جبار از به‌اسارت خویش درآوردن عده‌ای روستائی کشاورز و زحمتکش و نجات دادن آنها از فرمایشات دور از منطق و گاه و بیگاه خان‌های خودمختار و زورگو که عمر نازنین آن مردمان دلپاک را به‌نوکری خودشان تباه می‌نمودند و با وقاحت تمام زنان و دختران آن مردان با ناموس و شرف را با تهدید و زورمداری به‌تصرف خویش درمی‌آوردند و شرمساری را نصیب مردان غیرتمند آنان می‌نمودند، اشتباهی بس بزرگ بوده است؟!

آیا تأسیس ادارات دولتی پیشرفته، ایجاد و دادن امکانات کافی به کسانی که مایل بودند تا از سرمایه‌هایی که داشتند جهت ایجاد بهبود در صنایع داخلی مملکت استفاده بکنند و در بخشهای خصوصی فعالیت‌های سازنده‌ای را داشته باشند نیز خطائی آشکار بوده است؟!

آیا رساندن آب تصفیه شده و بدون آلودگی به‌شهروندان ایرانی و نجات‌دادن آنها از استفاده از آبهای جوی‌های آلوده به انواع میکروب‌های همان بیماری‌هایی که در بالا نام بردم، معنایش مرتکب شدن جرمی انکارناپذیر از سوی پادشاهان رادمرد و میهن‌پرست پهلوی بود؟!

آیا ایجاد شبکه سیستم برق‌رسانی به‌سراسر کشور و ایجاد امکانات استفاده از این روش نوین به ملت ایران در اقصی نقاط مملکت نیز خبط و خطائی آشکار بوده است؟!

آیا پاکسازی گذرگاه‌های محله‌های کوچک و بزرگ شهرها از وجود مشت‌لات بی‌سر و پا که جز باج‌گیری و ایجاد مزاحمت و ناامنی برای ساکنان در کوی و برزن آن مناطق و ایمن ساختن



تعدادی از اقدامات سازنده رضاشاه در دوران حکومت

از جمله آثار سازنده رضاشاه بزرگ که در زندگی ملت ایران

تأثیرگذار بوده است، می‌توان موارد زیر را نام برد:

- *- بنیان‌گذاری بانک سپه
- *- ساخت فرودگاه مهرآباد
- *- بنیان‌گذاری بیمه ایران
- *- بنیان‌گذاری ثبت اسناد
- *- بنیان‌گذاری رادیو ایران
- *- بنیان‌گذاری بانک ملی ایران
- *- بنیان‌گذاری فرهنگستان ایران
- *- بنیان‌گذاری و ساخت دانشگاه تهران
- *- تهیه و تصویب نخستین قانون مدنی ایران
- *- لغو کاپیتولاسیون: مربوط به معاهده ترکمانچای
- *- بنیان‌گذاری بانک فلاحی: بانک کشاورزی کنونی
- *- بنیان‌گذاری خبرگزاری پارس: خبرگزاری ایرنا کنونی
- *- راه‌سازی سراسری در کل کشور
- *- تأسیس نخستین موزه ایران با نام موزه ایران باستان
- *- ساخت جاده مخصوص پهلوی، (ولی عصر کنونی)
- *- ساخت راه آهن سراسری از دریای خزر تا خلیج فارس
- *- بنیان‌گذاری ثبت احوال و اجباری کردن برگزیدن نام خانوادگی و صدور شناسنامه
- *- متحدکردن نیروهای نظامی و تشکیل ارتش ایران و تصویب قانون نظام وظیفه عمومی
- *- کشف حجاب اجباری، تغییر لباس زنان از پیچه و روبند به لباس و کلاه فرنگی و بازکردن صورت
- *- اجباری کردن پوشیدن کت و شلوار و کفش مردانه به‌جای لباس‌های سنتی در سال ۱۳۰۳ خورشیدی
- *- تغییر نام رسمی کشور در زبان‌های خارجی و مجامع بین‌المللی از «پرشیا» به «ایران» در سال ۱۳۱۴
- *- تغییر تقویم رسمی ایران از تقویم هجری قمری به تقویم خورشیدی جلالی؛ شامل تغییر ماه‌های برجی مانند عقرب و سرطان به ماه‌های اوستایی مانند فروردین و اردیبهشت
- *- دستور به حفظ، بازسازی و مرمت آثار تاریخی ایران؛ بازسازی مکان‌های تاریخی ایران از جمله آرامگاه فردوسی، آرامگاه خیام و موافقت با ورود باستان‌شناسان خارجی برای بررسی و کشف آثار باستانی در ایران.

محل عبور و مرور مردم آن نقاط به‌ویژه زنان و دختران آنجا با سخت‌گیریهای پلیس محلات نسبت به آن ارادل و اوباش هم‌کاری اشتباه بوده است؟!

آیا دادن حق رأی به زنان کشور و عطا نمودن آزادیهای مدنی به نیمی از شهروندان کشور و ایجاد امکانات جهت تولید مشاغل فرهنگی و آموزشی در کشور برای فعالیت‌های اجتماعی زنان میهنمان نیز خبط و خطا بوده است؟!

چگونه رویمان به‌شود که اینهمه خدمات شایسته و اقدامات میهن‌پرستانه را به‌بینیم و کتمان کنیم؟!

چگونه به‌خودمان اجازه بدهیم که با وجود تمام این خدمات شایان توجه و تقدیر که توسط آن دو ابرمرد تاریخ ایران به انجام رسیده‌اند را بنگریم، اما نفهمیم و قدر ندانیم؟!

آنانیکه با دشمنی‌های کور و بی‌دلیل خودشان چنین رویدادهای افتخارآمیزی را با چشمان جسم خویش نمی‌بینند، نابینایانی در بینش صحیح و کوردلانی در بصیرت وجدانهای خفته خویش هستند که به‌عمد چشم دل و عقلشان را بر روی این حقایق آشکار بسته‌اند و خود را به‌حمافت زده‌اند! در چهارم و پنجم امرداد ماه هر سال که روزهای از دست رفتن این دلاوران عاشق ایران و ایرانی‌است، کمترین وظیفه میهن‌پرستانه هر ایرانی واقع بین، رساندن آگاهی از خدمات شایسته تقدیر پادشاهان سرفراز پهلوی، به ویژه به نسل جوان مملکت است تا بشنود و دریابد که نسل قبل از خودش نسبت به‌چه جوانمردان غیوری از تاریخ مملکتش بی‌مهری ورزیدند و نابخردانه به‌ناسپاسی نمودن به‌انان پرداختند و ایرانی را که به‌دست توانای آن گرامیان آباد شده بود را چگونه مفت و رایگان به‌مشتی ایران‌ستیز و نازیان پیشکش نمودند! روان دو ابرمرد شاد و نامشان جاودان باد.



متعدی از قانون اساسی از جمله آزادی و حاکمیت قانون مخالفت کردند.

در سال ۱۲۸۶، تعدادی از علمای تهران و در راس آنها شیخ فضل‌الله نوری در نامه‌ای به محمدعلی شاه نوشتند که مجلسی که با الگوبرداری از قوانین پارلمان‌های اروپایی تشکیل شده‌است، با قواعد اسلامی منافات دارد و ممکن‌الجمع نیست. پس از چند بار اقدام ناموفق برای انحلال مجلس، محمدعلی شاه که در ۹ اسفند ۱۲۸۶ از یک سوءقصد جان‌بهر برده بود، در روز دوم تیر ۱۲۸۷ دستور حمله‌ی نظامی به مجلس و دستگیری سران مشروطه‌خواه در تهران و شهرهای دیگر را صادر کرد.

اگرچه او در بیانیه‌ی اعلام کرد که قصد دارد در آینده مجلس جدیدی را تشکیل دهد، اما این وعده به‌نظر بسیاری از مشروطه‌خواهان واقعی نبود و مقاومت‌های جدی در تبریز، گیلان و اصفهان شکل گرفت که با حمایت مراجع تقلید در نجف و روشنفکران تبعیدی در اروپا و عثمانی همراه شد. مشروطه‌خواهان عاقبت توانستند با فتح تهران، محمدعلی شاه را برکنار و نظام مشروطه را احیا کنند.

همزمان با وقوع انقلاب مشروطه در ایران، موج ادبی جدیدی در زبان فارسی شروع شد که بر تحولات سیاسی و اجتماعی وقت متمرکز بود. موج ادبی جدید، رنگ‌بوی سیاسی داشت و در آثار شاعران و نویسندگان این دوره، مفاهیمی مانند وطن‌پرستی، مبارزه با استبداد، عدالت‌خواهی و حکومت مبتنی بر قانون مطرح می‌شد. بعضی از واژه‌ها، که کاربرد آنها در ادبیات فارسی کهن سابقه داشت، در ادبیات مشروطه، رنگ‌بوی جدیدی گرفتند. در این دوره روزنامه‌نگاری رواج زیادی یافت و تعدد و آزادی مطبوعات به‌حدی بود که چاپ کتاب‌های مستقل تا حد زیادی کساد شد.

بعضی از این نشریات موضع‌گیری‌های تند علیه استبداد سیاسی و تعصبات دینی داشتند و طرفداران و مخالفان زیادی پیدا کرده بودند. علاوه بر جراید و مطبوعات، در این دوره معمولاً روزنامه‌های مخفی هم منتشر می‌شدند که به شب‌نامه معروف بودند. بانی انتشار این شب‌نامه‌ها عمدتاً انجمن‌های سیاسی بودند؛ انجمن‌ها همچنین با برگزاری اجتماعات و مراسم سخنرانی، مواضع سیاسی خود را تبیین و ترویج می‌کردند. این جنبش تأثیر قابل توجهی در رویدادهای بعدی در تاریخ معاصر ایران داشت و پس از گذشت سال‌ها، هنوز مراسمی به‌منظور بزرگداشت آن برقرار می‌شود.

غیر از نسخه‌های نشریه‌های بازمانده از آن دوران، منابع متعددی از این رویدادهای تاریخی در دست است که ماحصل وقایع‌نگاری روزانه بعضی از معاصران آن می‌باشد. یکی از مشهورترین این کتاب‌ها، تاریخ بیداری ایرانیان از ناظم‌الاسلام کرمانی است. بعضی از معاصران مشروطه، مانند مهدی ملکزاده و احمد کسروی نیز سال‌ها بعد دست به‌نگارش وقایع زدند. با این حال، تحلیل تاریخی رویدادهای جنبش مشروطه، از دهه ۱۳۳۰ به‌بعد، با ظهور پژوهشگران تاریخ شروع شد؛ چنان‌که فریدون آدمیت در آثار خود به انجام نوعی تحلیل تاریخی در این زمینه پرداخته‌است.



جنبش مشروطه ایران

مجموعه کوشش‌ها و رویدادهایی در نظر و عمل است که برای محدود شدن اختیارات پادشاه در نظام سلطنتی ایران و نهادینه‌سازی حقوق اساسی مانند آزادی فردی، عدالت قضایی و حاکمیت قانون آغاز شد و به تغییر نظام سیاسی ایران از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه منجر شد.

این جنبش از نیمه دوم سده‌ی سیزدهم خورشیدی شروع شد و می‌توان مرداد ۱۲۸۸ را زمان پایان آن دانست.

با وجودی که جنبش مشروطه موفق شد نظام سیاسی ایران را برای مدت طولانی تغییر دهد، اما به‌اعتقاد سهراب یزدانی تغییر بنیادینی در نهادهای سیاسی و اجتماعی به‌وجود نیاورد؛ چرا که اقتدار سیاسی و اقتصادی طبقه حاکم، همچنان بر جای ماند و اداره‌کنندگان کشور، جز در چند مورد محدود و استثنایی، همان وابستگان به نظام کهن بودند.

اگرچه ریشه‌های فکری مشروطه‌خواهی به‌سال‌های قبل بازمی‌گردد که ایرانیانی به‌واسطه‌ی تحصیل یا تجارت در اروپا، با مظاهر پیشرفت در غرب آشنا شدند و تلاش کردند به‌نحوی حاکمان ایران را مجاب به‌اصلاحات و مردم ایران را بیدار نمایند، اما نخستین جرقه‌ی این جنبش در ۲۱ آذر ۱۲۸۴ زده شد که علاءالدوله، حاکم تهران چند تن از تاجران خوشنام تهران را به‌خاطر افزایش قیمت قند، مجازات بدنی کرد. در پی این جرقه، سلسله‌ای از اعتراضات و بست‌نشینی‌ها به‌رهبری دو مرجع تقلید سرشناس تهران، سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی شکل گرفت که به‌نام انقلاب مشروطه شناخته می‌شود. دستاورد این انقلاب، امضای فرمان مشروطیت به‌دست شاه وقت ایران، یعنی مظفرالدین شاه، تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه بود. پیروزی انقلاب مشروطه، فضای آزادی ایجاد کرد که در آن روزنامه‌نگاران و واعظان مشروطه‌خواه، احزاب و انجمن‌ها نقدهای تند به‌سنت‌های قدیمی، اصحاب قدرت و شخص محمدعلی شاه (که با درگذشت پدرش به مقام شاهی رسیده بود) وارد می‌کردند. در مقابل، گروهی از روحانیون شیعه که به‌مشروع‌خواهان شهرت پیدا کرده بودند، با اصول

از جلوه‌های این ماه، طبیعت سبز، بی‌مرگی طبیعت، وفور نعمت، وفور میوه، فراوانی آب رودها، آبشارها و رودخانه‌ها، گل‌های بسیار زیبا با رنگهای شاد و فرحبخش و آسمانی صاف پر از ستاره می‌باشد.

این جشن متعلق به امشاسپند مرداد که مظهر جاودانگی و تندرستی و دیر زیستن است، می‌باشد و فرشته امشاسپندان، نماینده آبادی زمین و پاکی و نظافت است. ایرانیان این روز را جشن می‌گرفتند و خود را برای پیروی از فرشته مذکور آماده می‌ساختند.

مراسم جشن باستانی مردادگان

در این روز، ایرانیان به کنار چشمه و باغ و مزارع می‌رفتند و پس از شادی و جشن، به پرستش و نیایش خداوند می‌پرداختند. درباره چگونگی اجرای مراسم اطلاعات چندانی در دست نیست، اما ایرانیان امروزه با سرود و نیایش و سخنرانی درباره شناخت و نزدیک شدن به خداوند، جشن را برگزار می‌کنند. ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه در باره نگاهیانی امشاسپند مرداد از گیاهان می‌گوید:

«مرداد ماه که روز هفتم آن مرداد روز است و آن روز را به انگیزه‌ی پیش آمدن دو نام با هم جشن می‌گرفتند. معنای مرداد آن است که مرگ و نیستی نداشته باشد و مرداد فرشته‌ای است که به حفظ گیتی و اقامه‌ی غذاها و دوابی که اصل آن نبات است و مزید جوع و ضرر و امراض هستند، موکل است.»
خیام در نوروز نامه می‌نویسد:

«مرداد ماه یعنی خاک، داد خویش بداد از برها و میوه‌های پخته که در وی به کمال رسد و نیز هوا در وی مانند غبار خاک باشد و این ماه میانه تابستان بود و قسمت او از آفتاب، مر برج اسد را باشد.»

در این باره در زراتشت‌نامه چنین سروده شده است:

چو گفتار خرداش آمد به سر

همان گاه مرداد شد پیش تر

سخن گفت درباره رستنی

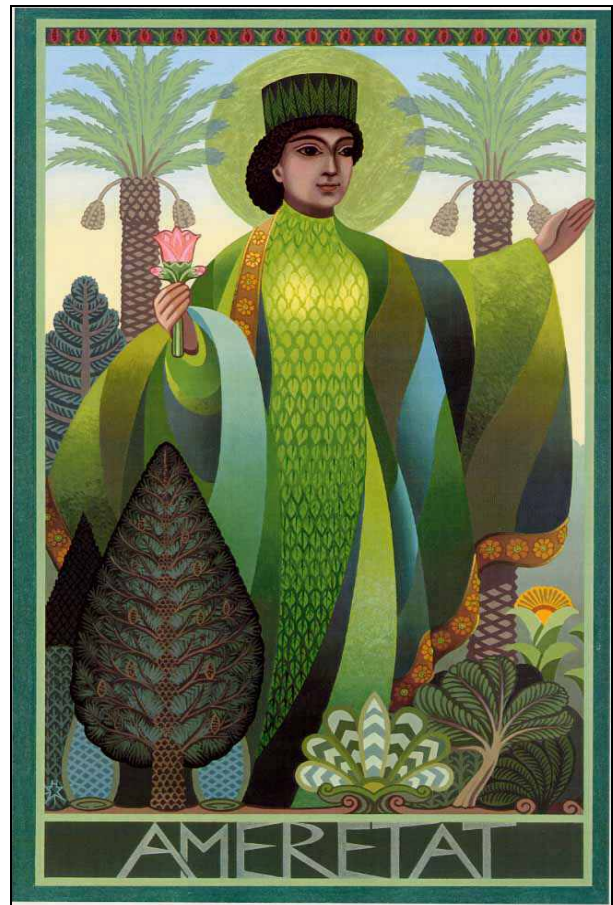
که زرتشت گوید ابا هر تنی

نبايد به بیداد کردن تباه

به بیهوده بر کردن از جایگاه

کز و راحت مردم و چارباست

تبه کردن او، نه راه خداست



تاریخچه و مراسم جشن باستانی مردادگان

روز هفتم مرداد در گاهشمار ایران باستان و سوم مرداد در تقویم ایران کنونی، روز جشن مردادگان است.

دلیل این اختلاف زمان برگزاری دیروز با امروز، تغییر سال‌شمار نیاکانمان در امروز است. زیرا در دوره باستان سال به دوازده ماه و هر ماه به سی روز تقسیم می‌شد. اما امروز شش ماه اول سال به سی و یک روز و پنج ماه بعدی به سی روز و ماه آخر سال به بیست و نه روز و اگر سال کبیسه باشد به سی روز تقسیم می‌گردد. به همین دلیل جشن مردادگان، نسبت به سال شمار کهن، چهار روز جلوتر، یعنی سوم مرداد ماه برگزار می‌شود که این روز منطبق با روز هفتم مرداد ماه، در دوران نیاکانمان است.

امرداد در فارسی، در اوستا، امره تات و در پهلوی آمردات، به معنای جاودانگی و بی‌مرگی است.

امرداد در باورهای ایرانی، نگهبان و سرپرست گیاهان و رستنی‌ها در جهان خاکی بشمار می‌رود. این نام در اوستا بویژه در گات‌ها، صفتی است که برای زوال ناپذیری و پابندگی خداوند بکار می‌رود. این جشن سزاوار شادمانی و نشاط و بی‌مرگی، امروز به غلط تحت نام مردادگان، در بین مردم رایج است. زیرا مرداد به معنی نیستی و مرگ است، اما وقتی که حرف «الف» در اول آن قرار می‌گیرد آنرا نفی و به بی‌مرگی و جاودانگی، تغییر معنی می‌دهد.

**زیاد در فکر عبادت خدایت که نمیدانی
خواست او چیست نباش بلکه در خدمت
مردمی باش که میدانی مشکلاتشان
چیست و چه می‌خواهند.**

* کنفوسیوس *

نفتی را به هیچ وجه امضا نمی‌کند و قصد دارد انرژی کشور را از طریق اتمی تامین کند.

ملک فیصل در سال ۱۹۷۵ میلادی ترور می‌شود! و جایش را به یک مشت سیاستمداران «آل سعود» می‌دهد.

حکومت شاه نیز سرنگون می‌شود! و خودش نیز به طرز مشکوکی از دنیا می‌رود! و جایش را به آخوندهای مذهبی و بی‌سیاست می‌دهد!

ای کاش دلسوزی پیدا شود و کتاب «شاهان نفت» را بدون تحریف به پارسی ترجمه کند. آن وقت فارسی زبانان متوجه می‌شدند چه کلاهی ۴۴ سال قبل سرشان رفت!؟

چرا او باید می‌رفت؟

۱- ایران چهارمین قدرت نظامی مدرن جهان را در اختیار داشت و هلیکوپترهای «کبری» «پل» و «شینوک» و هواپیماهای اف ۱۴ و هاورکرافت‌های کل سران اعراب خلیج فارس را به دستبوسی واداشته بود.

۲- برترین خطوط هواپیمایی مسافری جهان «هما» به نام ایران ثبت شده بود.

۳- اعتبار پول و پاسپورت دولت شاهنشاهی ایران به معتبرترین‌های جهان تبدیل شده بود.

۴- همکاری و تبادلات علمی دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های برتر جهان، دانشگاه‌های دولتی ایران به یکی از معتبرترین مراکز علمی آسیا مبدل شده بود.

همچنین اعطای بورسیه دولتی به دانشجویان نخبه جهت ادامه تحصیل در دانشگاه‌های برتر اروپا و خصوصاً آمریکا و عدم علاقه آنها به ترک وطن و اقامت در خارج باعث شده بود ترکیبی از هوش بالای ایرانی‌ها با علم روز جهان پدید آید که به ادامه این روند رو به رشد و پیشرفت کشور در آینده کمک شایانی می‌کرد.

۵- ایران پُر از کارخانه‌های صنعتی مدرن شده بود. اطراف تهران کارخانه‌های پارس، ارج، آزمايش، ایران ناسیونال، رنو، کفش ملی، صنایع غذایی مختلف و همچون پاک و مینو و زمزم و ... و شهرهای صنعتی تیریز، شیراز، اصفهان، اراک، اهواز و ... ایران را بعد از ژاپن به «قدرت دوم صنعتی آسیا» تبدیل و پیش‌تاز تولید خودرو، واگن، ماشین آلات راه‌سازی و کشاورزی و صنایع مادر همچون ذوب آهن، فولاد، مس و آلومینیوم کرده بودند و برخی حتی به بازار شوروی و آمریکا صادر می‌شدند!

۶- ثروت ایران همراه با «آینده نگری» مسئولان‌اش باعث شده بود تا این کشور سهام بسیاری از کارخانجات مهم و کلیدی از جمله صنایع فولاد کروپ و مرسدس بنز را خریداری کند و در قلب بورس و اقتصاد جهان (خیابان منهتن) صاحب برج شود! حتی برخی از قدرتها و کشورهای اروپایی از ایران وام گرفته و عملاً مقروض حکومت شاه شده بودند.

۷- این آینده‌نگری به اینجا ختم نشده و در شرایطی که همه جهان وابسته به نفت بودند و ایران ژاندارم و فرمانروای خلیج فارس سرشاز از نفت بود، شاه ایران به فکر دستیابی و استفاده از انرژی نوینی بنام «انرژی اتمی» بود.



چرا ملک فیصل در سال ۱۹۷۵ کشته شد؟

چرا شاه در سال ۱۹۷۸ مجبور به ترک ایران شد؟

هنری کیسینجر داشت شاه ایران و ملک فیصل عربستان، سر نفت رایزنی می‌کرد؛ هیچ یک کوتاه نیامدند.

ملک فیصل با یک گلوله در سرش کشته شد تا درس عبرتی شود برای همه اعضای اوپک تا دیگر کسی نفت را مانند اسلحه به کار نگیرند!

ملک فیصل از غرب خواسته بود تا میان پشتیبانی از اسرائیل و نفت، یکی را انتخاب کند؛ غرب با کشتن او هر دو را انتخاب کرد!

محمدرضا شاه نه تنها از ملک فیصل حمایت کرد، بلکه نفت را گران‌تر هم کرد. در آمریکا، کانادا، ژاپن و انگلیس و ... غوغایی شد، در آمریکا و انگلیس، مردم به نشانه اعتراض با اسب و گاری رفت و آمد می‌کردند، مردم انگلیس و کانادا از سرما می‌لرزیدند و کارخانه‌های ژاپنی خوابیده بود! ولی شاه کوتاه نمی‌آمد.

او را سرنگون کردند تا اوپک بی‌صاحب شود و خودشان قیمت نفت را تعیین کنند!

چرا جمهوری اسلامی این بخش از تاریخ را سانسور می‌کند؟ چرا اپوزیسیون خارج، این بخش از تاریخ را عمداً زیر فرش پنهان می‌کنند؟

چرا چپی‌ها و کمونیست‌های سابق که رادیو تلویزیون‌های دولتی آمریکا و انگلیس (رادیو فردا، بی بی سی، صدای آمریکا، ایران اینترنشنال و ...) را اشغال کرده‌اند، این بخش را کلاً انکار می‌کنند؟

در کتاب «شاهان نفت» (اثر اندرو اسکات کوپر) توضیح داده می‌شود که چطور شاه ایران و ملک فیصل پادشاه عربستان، معادلات نفتی غرب را به هم زدند و چاره‌ای جز سرنگونی هر دو برای آمریکا نماند!

شاه و ملک فیصل، اوپک را به هم ریختند و فیصل برای دهن کجی به اسرائیل، صدور نفت را به غرب دچار مشکل کرد و باعث بحران نفتی سال هفتاد و سه میلادی شد. او خواست آمریکا بین نفت یا حمایت از اسرائیل یکی را انتخاب کند.

حتی شاه ایران پا فراتر گذاشت و تهدید کرد که قراردادهای



چنگیز و اسلام

تنها راه رهایی، همبستگی و آگاهی است

وقتی چنگیز خان مغول بخارا را فتح کرد، هیچ حرمتی برای مسلمانان قائل نشد و با اسب به مسجد جامع شهر وارد و مشاهیر شهر از ائمه و مشایخ و قضات گرفته تا سادات و علما و مجتهدان (مُلايان و آخوندها) با تحقیر شاهد این ماجراها بودند، زیرا آنها را به مسجد آورده و محافظت از اسبها را به آنها سپرده بودند!

در این میان یکی از سادات که از این نادیده‌ها در عجب شده بود از خردمندی پرسید: این چه حالی است؟ خردمند پاسخ داد: خاموش باش، باد بی‌نیازی خداوند است که می‌وزد!

احتمالاً این سخن بدین معنا است که خداوند نه به این جماعت علما و سادات و قضات و ائمه نیاز دارد و نه به قرآن‌هایی که در صندوق‌ها بود.

این حکایت تاریخی کنایه‌ای به وضعیت امروز جهان و به‌ویژه جامعه غرق در خرافات‌زده‌ی ایران ما می‌باشد، گویی دوباره باد بی‌نیازی خداوند وزیدن گرفته است تا چهره واقعی دین‌فروشان برملا شود!

اگر به اصطلاح روحانیت (آخوند و مُلا و...) به عنوان واسطه بین خدا و آدمیان نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و آیا اساساً انسان برای ارتباط با خداوند، احتیاج به واسطه دارد؟

روحانیون (آخوند و مُلا) که در چهل و اندی سال گذشته بر اریکه قدرت مطلق نشسته و همه ارکان نظامی و سیاسی و تبلیغاتی و پول و... سرمایه و را در اختیار داشته‌اند چه دستاوردی برای ایران و ایرانی به‌ارمغان آورده‌اند؟

آیا اخلاق ایرانیان بهتر از قبل شده است؟ آیا فقر و فحشا و بزه‌کاری و بی‌کاری کمتر از قبل شده است؟ آیا فساد و غارت منابع ملی کمتر شده است؟

آیا روحانیون بنا بر ادعایی که دارند، ساده‌زیست و بی‌رغبت به حکومت و حکمرانی و قدرت و ثروت بوده‌اند؟

آیا روحانیون موجب گسترش و توسعه علم و دانش، فرهنگ و هنر و اخذ آبرو برای ایرانیان در جهان شده‌اند؟

آیا روحانیون اقتصاد و معیشت ایرانیان را بهتر کرده‌اند؟

چرا مشکلات روانی مردم ایران در رده اول جهانی است؟

آیا قوه قضاییه ایران، ملجأ و پناهگاه مردم برای برقراری عدل و انصاف شده است؟

آیا مسئولان حکومت آخوندی که از فیلترهای متعدد تفتیش عقاید حکومتی رد شده‌اند، اهل مافیا و فساد نیستند و همگی کارآمدند؟ آیا وضعیت محیط زیست ایران در دوران حاکمیت آخوندها به‌فقر نرفته است؟

آیا ایرانیان در چهل و اندی سال حکومت واپس‌گرایی ملایان ایران‌ست‌یز مرگ‌ز فری‌ادی را از آنان در پاس‌داری و برای احقاق حقوق خود شنیده‌اند؟

ثمره‌ی صدها نهاد فرهنگی و هزاران روحانی که از هزاران میلیارد بودجه ملی می‌خورند و می‌نوشند و زاد و ولد می‌کنند چه بوده است؟

آیا دستاوردی هم در جهت ارتقای معنویت و مادیات مردم ایران داشته‌اند؟

حاصل خون ۲۵۰/۰۰۰ جان باخته و نزدیک به یک میلیون جان‌باز و آزاده و خانواده‌های متلاشی شده آنان تاکنون چه بوده است؟

روحانیون بلندپایه در کجا و چگونه زندگی می‌کنند و فرزندان آنها در چه حالی هستند؟

چنانچه از دین برمی‌آید، جیره‌خوری و کسب درآمد از راه دین مکروه و شاید حتی حرام است، پس روحانیون چگونه و با چه درآمدی زندگی خود را می‌گذرانند؟

آیا آنها تولیدکننده هستند؟

آیا آنها کار می‌کنند؟

در ایران بین سیصد تا هشتصد هزار آخوند وجود دارد؛ به‌راستی اگر آنان نه‌باشند، چه اتفاقی برای ملت ایران می‌افتد؟

چندی است تمامی حوزه‌ها و زیارتگاه‌ها و مراسم عبادی و... مرتبط با روحانیت (آخوند و مُلا) تعطیل شده است، چه کسی کمبود آن را حس کرده است؟

چرا ادعاهای آنان و درس‌های ۱۴۰۰ ساله‌شان کارساز نیست؟ تصور کنید اگر امروز ما فقط پرستاران و پزشکان را نداشتیم، چه می‌شد؟

نتیجه اینکه حضور روحانیون (آخوند و مُلا) در همه جا موجب ویرانی و فساد و بدبختی بوده، ولی عجیب اینجاست که ما مردم نمی‌خواهیم حقیقت را ببینیم و کماکان می‌خواهیم در منجلاب خرافات دست و پا بزنیم!؟

تاریخ نشان می‌دهد بدون حضور روحانیون و دین و مذهب، بشر می‌تواند بسیار آسوده‌تر و زیباتر زندگی کند و جوامع به‌رشد و تکامل بیشتری دست یابند.

کمی بیشتر بیاندیشیم!

برای رفع کرونا هم در ایران، شستن دستها جواب نمی‌دهد؛ باید مغزهایمان را نیز بشوییم.

یابنده ایران

در حالیکه سینه‌خیز رفتن با نظارت فرمانده دسته ادامه داشت، یکی از پرسنل تحت فرماندهی من به دفترم آمد و گفت: «جناب سروان، سرباز تنبیه شده (افشاریاد) به شما ناسزا و فحش بد داد!»

در این زمان با خود اندیشیدم اگر از این پس به تنبیه این سرباز ادامه دهم، ممکن است ناخودآگاه در صدی از آن بخاطر فحاشی او نسبت به من باشد، لذا دستور دادم تنبیه «سینه‌خیز» متوقف و همچنین ادامه زندان او را نیز بخشیدم.

.....
سیزده هفته دوره آموزشی سربازان خاتمه یافت و آنان به دریافت سردوشی نایل و قرار شد بنا به نیاز نیروی هوایی، به پایگاهها و قسمتهای مربوطه اعزام شوند.

در این زمان سرباز یاد شده را به دفترم احضار، محل خدمت مورد علاقه‌اش را سؤال و طبق نظر وی عمل کردم.

در آخرین جلسه خداحافظی با سربازان تحت فرماندهی‌ام، چگونگی رویداد بین خود و سرباز «افشاریاد» را با زبانی که برای دیگر سربازان قابل درک و فهم باشد تعریف کردم.

بیاد دارم اشک در چشمان تعدادی از آنها جمع شده بود و بعد از آن هم تا زمانیکه در آن شغل خدمت میکردم، «افشاریاد» تا انتهای دو سال خدمت سربازی، رابطه‌ی دوستی‌اش را با من حفظ و هرگاه نیازی داشت، به من مراجعه می‌کرد.



«سینه‌خیز»

«تأثیر زبان خوش و گذشت»

نورستانی از سرکار سرهنگ ایرج غفاری

در سال ۴۱- ۱۳۴۰، پس از اتمام دوره‌ی پیاده در شیراز، به نیروی هوایی شاهنشاهی منتقل و به‌عنوان فرمانده گروهان سربازان وظیفه، در فرماندهی مرکز آموزشهای هوایی مشغول خدمت شدم.

در دوران خدمت اتفاق می‌افتاد سربازان گاه‌آ مرتکب بی‌انظباتی از جمله غیبت شده و لازم بود برای جلوگیری و اشاعه بی‌انظباتی آنان در گروهان، به نوعی از جمله بازداشت، تنبیه می‌شدند.

پادگان محلی برای بازداشت اینگونه افراد داشت، ولی بازداشتگاهها بسیار محدود و جوابگوی نیازها نبودند.

این مسئله مرا بر آن داشت تا با کمک نجار پادگان، قسمتی از یک خوابگاه چوبی را که استفاده نمی‌شد، به بازداشتگاه افراد خاصی اختصاص دهم که مورد پذیرش زنده یاد تیمسار سرلشکر فتاحی (فرمانده پادگان) قرار گرفت.

چندی بعد یکی از سربازان غیبت و برای تنبیه، او را در همان محل ایجاد شده بازداشت کردم.

دو روز بعد به من اطلاع دادند سرباز یاد شده که نامش «افشاریاد» بود، به طریقی «ودکا» (نوعی مشروب الکلی) وارد بازداشتگاه کرده و آنرا در سقف اتاقک یادشده جاسازی کرده است!

لازم بود برای بی‌انظباتی جدید، تنبیه شدیدتری برای او در نظر بگیرم، لذا او را به محوطه خارج از بازداشتگاه برده و او را وادار به «سینه‌خیز» کردم.

از آنجاییکه خانه‌های سازمانی پرسنل نیروی هوایی مشرف بر محوطه پادگان بود و از طرفی خانواده‌های یاد شده با تنبیهات انظباتی آشنایی نداشتند، با مشاهده سینه‌خیز رفتن سرباز خاصی تصور کردند وی مورد اذیت و شکنجه قرار گرفته است، لذا داد و فریاد به راه انداختند!

من در این لحظه، به دفتر خود رفتم و مآوقع را تلفنی برای افسر نگهبان پادگان بازگو و از او خواستم دو نفر دژبان به‌محل خانه‌های سازمانی فرستاده و اهالی را از چگونگی اوضاع آگاه کنند.

**ما ایرانی هستیم
تازی نمی‌پرستیم**

**نقش رستم، تخت جمشید خاک شد؛
کربلا و کاظمین آباد شد؛**

**ای عزیزان جملگی همت کنیم؛
سنت اعراب خاکستر کنیم**



سید جیکاک!

مأمور اطلاعاتی بریتانیا

سرهنگ «جیکاک» مأمور اطلاعاتی بریتانیا، طی جنگ جهانی دوم و پس از آن در ایران نقش زیادی را در جهت منافع کشورش ایفا نمود.

جیکاک با خاتمه جنگ جهانی دوم به استخدام شرکت نفت ایران و انگلیس درآمد؛ میگویند حکومت واقعی مناطق نفت خیز در دست او بود.

جیکاک اغلب اوقات خود را در میان عشایر بختیاری میگذراند و با توجه به استعداد خارق العاده‌اش در یادگیری زبان در مدت بسیار کوتاهی توانست زبان فارسی و از آن مهمتر گویش بختیاری را همچون زبان مادری خود یاد بگیرد بحدی که تشخیص او از غیر بختیاریها بسیار مشکل بود؛ خصوصاً اینکه با شگردهای خاص تفاوت ظاهری خود را نیز بوسیله گریم‌های مداوم با چهره بختیاریها بحداقل میرساند و البته چنانچه حکایت میکنند آنقدر بر زبان و گویش و تاریخ و فرهنگ بختیاری مسلط بود که چنانچه کسی نیز میخواست از ظاهر او به خارجی بودنش مشکوک شود با صحبت کردن و روبرو شدن با اطلاعات او یقین پیدا میکردند که وی بختیاری است! جیکاک علاوه بر قدرت فوق العاده اش در زمینه یادگیری و تطبیق با محیط برگ برنده دیگری نیز داشت و آن شوخ طبعی ذاتی وی بود.

نام جیکاک برای مردم مناطق نفت‌خیز جنوب، خصوصاً مردم مسجد سلیمان و عشایر بختیاری نامی آشناست؛ نامی که به نمادی در نیرنگ و حيله گری آنها از نوع انگلیسی تبدیل شده

و حتی امروز نیز معمولاً به کسانی که به نیرنگ و مکر و حيله از نوع خاص کلمه مشهورند، لقب «جیکاک» میدهند.

جیکاک در راه جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت تمام تلاش خود را بکار برد. او علاوه بر تشویق بختیاریها به بی‌توجهی به ملی شدن صنعت نفت، کوشش نمود تا در کار هیئت خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس خلل ایجاد نماید.

بگفته‌ی حسین مکی، به‌هنگام عزیمت هیئت خلع ید به آبادان، جیکاک تصمیم گرفت عده‌ای را تحریک کند تا اتومبیل اعضای هیئت را از روی پل «بهمن شیر» بداخل رودخانه بیاندازند، اما این توطئه ناکام ماند.

سرانجام دولت ایران که بکارشکنی و اخلال جیکاک در امر ملی شدن صنعت نفت پی‌برده بود، وی را از ایران اخراج کرد. حکایت‌های زیادی از حضور سرهنگ جیکاک که بعدها به «مستر جیکاک» و در اواخر حضورش در ایران به «سید جیکاک» معروف شد نقل میشود:

۱- جیکاک در اوایل حضورش در شرکت نفت ایران و انگلیس به‌عنوان سرپرست يك دکل حفاری مشغول بکار شد؛ یکروز یکی از کارگران محلی از بالای دکل به زمین افتاد و درجا مُرد. افراد محلی که از فوت وی به شدت عصبانی و «جیکاک» را مسئول این واقعه میدانستند بسوی او حمله کردند.

جیکاک که مرگ را در يك قدمی خود میدید، ناگهان به سمت دکل حفاری حمله‌ور شد و شروع کرد به زدن دکل با مشت و لگد. مردم محلی که شگفت زده بودند ناگهان ایستادند؛ جیکاک که مردد شدن مردم را دید و فهمید انگار نقشه‌اش گرفته، شروع کرد با سر کوبیدن به دکل و فحش دادن که « نامرد تو برادرم را از من گرفتی» و از این گونه صحبت‌ها...

نقل میکنند چند دقیقه بعد مردم دوباره به سمت جیکاک دویدند، ولی اینبار نه برای زدن و انتقام گرفتن، بلکه برای دلداری دادن به او و جلوگیری از کوبیدن سرش به دکل!

۲- از دیگر حکایات جیکاک، عصای معروف است که با آن معجزه میکرد و وقتی آنرا به بدن کسی میزد به آن شوک عجیبی منتقل میشد!

جیکاک مدعی بود عصای او بهترین وسیله برای تشخیص حلال زاده بودن افراد است و با همین شگرد بسیاری از کسانی را که به دلایل مختلف می‌خواستند از وجهه اجتماعی و قدرت بیندازند، تخریب میکرد!

بعدها فاش شد در عصای معجزه آسای مستر جیکاک جز يك پیل خشک الکتریکی و يك مدار ضعیف انتقال برق هیچ چیز دیگری وجود نداشته و جریان ضعیف برق باعث انتقال شوک الکتریکی به افراد نگون‌بختی میشد که مستر جیکاک هنگام تماس عصا با آنها، دکمه وصل جریان را فشار میداده.

۳- در مجلسی او حاضران را دروغگو معرفی کرد و هنگامیکه قرار بر اثبات شد، کبریتی روشن کرد و گفت:

«هر کس راست بگوید این کبریت ریشش را نمی‌سوزاند!»

اول کبریت را به‌ریش خود گرفت که نسوخت، سپس ریش تمام افراد ساده‌لوح را سوزاند و به‌آنها قبولاند که دروغ گفته‌اند؛ البته بعدها مشخص شد که ریش او مصنوعی و نسوز بود!



برای ایران دوست بودن، باید شرف ایرانی داشت

هم میهن:

۱۸ تیرماه، روز رستاخیز بابک خرم‌دین‌ها...

روز رستاخیز رستم و سهراب‌ها...

روز رستاخیز جهانبانی، رحیمی و خسرو دادها...

روز رستاخیز خسروان و دل‌اور مردان باغیرت ارتش شاهنشاهی ایران زمین تا همیشه خجسته و جاوید باد

سربازان، دلیر بانوان و دل‌اور مردان هم‌رمز میهن ایران...

به سوگندمان، سوگند می‌خوریم...

بنام خونهای گرانبهایی که بخاطر تو در دامانت ریخته شد و پرچمات را گلگون نمود، بخاطر اشک مادران و پدران و همسران و فرزندی که هنوز در غم از دست دادن عزیزانشان لباس غم از تن در نیآورده‌اند...

به قلبهای اندومبار و شکسته فرزندان که در سراسر ایران گسترده‌اند و با نام تمام آدمهای پاکی که بخاطر ایده‌ها و عقایدشان در اعماق خاک سردت استخوان برهنه کرده‌اند...

به روان فرشته دخترانت که در شب اعدام بنام خدا از آنان هتک حرمت شد...

به یاد پسران نیکات... که پرچم بیگانه بر اندامشان پوشاندند و اعدامشان نمودند...

به عظمت روح بانوان و دل‌اور مردان سلحشورت که بخاطر پاسداری از نام و عرضت جان پاک خود را فدایت نمودند....

ای مهد دلیران، ای سرزمینم، ای مادرم،

ای میهنم، انتقامت را خواهیم گرفت.

ترا از دست تازی‌زادگان پدرناشناس رها خواهیم ساخت و...

آبی آسمانت را ... خاک تفته‌ات را... شفق سرخات را...

آبروی از دست داده‌ات را... حرمت گذشته‌ات را... گوارایی

آب خالصات را... عظمت روح گمگشته‌ات را ... مرزهای

آبی و تمامیت مرزی از دست رفته‌ات را ... و نام پر فروغات

را... پس خواهیم گرفت. یابنده باشی ایران زمینم.

۴- اقدام بعدی «جیکاک» پوشیدن لباس روحانیت و عمامه‌گذاری وی بود!

جیکاک مجلس و عظم و منبر برپا میکرد و آخرش هم روضه امام حسین میخواند و وسط روضه موقعی که همه داغ میشدند، ناگهان عمامه خود را به درون آتشی که وسط مجلس بود پرتاب میکرد که نمی‌سوخت! البته همانطوری که قبلاً گفته شد، جنس عمامه از پارچه‌ی نسوز بود!

عمامه نمی‌سوخت و جیکاک آنرا بعنوان معجزه خود بیان کرده و ادعای سید بودن میکرد! در ضمن او هیچکس را هم به سیدی قبول نداشت، چون عمامه آنها در آتش میسوخت! از اینجا بود که او به "سید جیکاک" معروف شد

۵- به هنگام ملی شدن صنعت نفت، جیکاک یا به قولی «سید جیکاک» با گشت و گذار میان عشایر بختیاری این شعار را بگوش بختیاری برای آنها طرح نمود:

«تو که مهر علی من دلته/ نفت ملی سی چنته!»

یعنی «تو که مهر علی را در دل داری، برای چه بدنبال ملی شدن نفت هستی».

بعضی از عشایر بختیاری زندگی خود را رها کرده و با تشکیل دسته‌جات و درست کردن پرچم و علمهای گوناگون، علی‌علی گویان به امامزاده‌ها میرفتند و طلب عفو میکردند؟!



الاغها ؛ لحظه ای

فراغت از پالان را

"آزادی" میدانند...

برتولت برشت

بخاطر داشته باشیم،

هیچوقت به نوه و نتیجه‌هایمان چیزی نگوئیم.

به آنها نگوئیم در دوران ما جنگی بین ایران و عراق اتفاق افتاد و عراقی‌ها به کشور ما تجاوز کردند و خیلی از هموطنان ما را کشته و شهرهای ما را با خاک یکسان کردند!

آنها جسد دختران‌امان را بر نخلها آویزان و پاهای خلبانان اسیرمان را به دو ماشین بستند و در دو جهت مخالف کشیدند! و بسیاری از عزیزانمان را با دست و پاهای بسته زنده زنده در گورهای دسته جمعی دفن کردند!

آنها بسیاری از مردم ما را به اسارت بردند و تعداد زیادی هم جانباختند!.... بسیاری!

هرگز نگوئید رزمندگان و شیر مردان ایران چگونه در مقابل لشکریان صدام ایستادند و آرزوی فتح ایران را بر دل متجاوزان نهادند!

اصلا نگوئید خانواده‌هایی تمام جوانان‌اشان را در این جنگ فدا کردند تا ایران و مردم آن بهمانند!

اگر هم میخواهید، بگوئید ولی یک شرط بگذارید که دیگر نوادگان ما از ما نپرسند: «خب آخرش چه شد؟!» چون آنوقت یا باید به آنها دروغ بگوئیم و یا ما را سرزنش خواهند کرد که چه آدمهای بی‌خیال، بی‌وجدان، بی‌ایمان و بی‌عرضه‌ای بوده‌ایم!

اگر به آنها بگوئیم ما در انتها در عراق مدرسه، خیابان، فرودگاه، هتل، مسجد و گلدسته، حرم، فاطمیه، بیمارستان و ورزشگاه ساختیم و در همان ورزشگاه پرچم ایران‌امان را عراقی‌ها آتش زدند و گفتند ایرانی برو گمشو! مرگ ما را سزا است!

در مقابل، خاک کشور و اماکن مذهبی‌امان را برای همان نامردان عراقی عشرت‌تکده ساختیم و کشته‌های عراقی را شهید نامیدیم! و کمیته امداد ایران مرتب به خانواده عراقیان پول می‌داد و ما نظاره‌گر بودیم، درحالی‌که خودمان در فقر و تهیدستی دست و پا می‌زدیم!

متأسفانه فکرهای خیلی بدی در مورد ما میکنند.... پس هرگز چیزی نگوئیم بهتر است....

بگذارید فکر کنند ما شیران دوران بوده‌ایم!

زشت است جلو بچه‌ها، خودمان را تحقیر کنیم! بچه است و هزار فکر ناجور میکند!

از همه مهم تر ۱۰۰۰ میلیارد دلار غرامت جنگ را به عراق بخشیدیم و نگرفتیم و میلیاردها دلار و هزاران کیلو طلا از ایران بردیم و خرج مردگان عراقی کردیم درحالی‌که در بسیاری از مناطق محروم ایران، مردم سقف بالای سر و بچه‌ها مدرسه نداشتند و در چادر درس می‌خواندند و اکثر آنها بدون کفش و لباس بودند!

اینها بین خودمان باشد، به نسل‌های آینده چیزی نگوئید، بگذارید فکر کنند همان لطفعلی خان زندی که می‌گویند، ما بوده‌ایم!

سعیدی افضل (جانباخت ۵۱ درصد)

بزرگ‌ترین دشمن مردم ایران، بی‌تفاوتی است...



نوشتیم

.....گفتی سیاسی نیستم!

نوشتیم: نیمی از زن‌های که تن فروشی میکنند متاهل هستند،
گفتی: من سیاسی نیستم!

نوشتیم: دو سوم معتادها جوان هستند،

گفتی: من سیاسی نیستم!

نوشتیم: پسر کربوبی که اکنون در انگلیس سنگ مردم را به سینه می‌زند با پول همین مردم رفته و به عیش و عشرت مشغول است،
گفتی: من سیاسی نیستم!

نوشتیم: به دختران و پسران در زندان‌ها تجاوز میشود،

گفتی: من سیاسی نیستم!

نوشتیم: پدری برای جهیزه دختر کلیه اش را فروخت،

گفتی: من سیاسی نیستم!

نوشتیم: آمار اسید پاشی و کشتن دختران به بهانه عشق زیاد شده،
گفتی: من سیاسی نیستم!

نوشتیم: سن خودفروشی دختران از فقر به‌زیر چهارده سال رسید،
گفتی: من سیاسی نیستم!

نوشتیم: مردم کشورمان برای تفریح به بهشت زهرا می‌روند،

گفتی: من سیاسی نیستم!

نوشتیم: داروی بیماران خاص ده برابر شده و آمار مرگ بالا رفته
گفتی: من سیاسی نیستم!

گفتم:..... خانه‌ات را از تو گرفتند، پسرت معتاد شد، دخترت تن‌فروش، همسرت به فکر طلاق،.....

گفتی: سیاسی نیستم!

پاسپورت ایران بی‌ارزش شد، ناماش باعث ننگ شد، ورزشکارش از بدبختی پناهنده شد، نخبه‌اش بخاطر مدل مو از دانشگاه اخراج شد، اسطوره‌های عربی شد، شادی جُرم شد، تجمع بالای ده نفر غیر مجاز شد، صحنه اعدام تبدیل به سینما شد، ایرانی اسکار گرفت شبکه خبر از غزه گفت، در شهری آب نبود آب صادر شد، ارمنستان پول برق نداد برق تهران ساعتی شد، مخدر شیشه هم قیمت قلیان شد....

سیاسی نبودی ایرانی که بودی!

سیاسی نبودی انسان که بودی!

سیاسی نبودی پدر که بودی!

مادر که بودی، برادر و خواهر که بودی!؟



بهداشت و سلامتی

از خستگی قلب تا پیری پوست با مصرف این خوراکی‌ها

بدون شک مصرف متعادل و گاه به‌گاه مواد خوراکی زیر خطری ایجاد نخواهد کرد به‌خاطر اینکه حاوی ترکیبات مفیدی هستند که برای سلامتی مفیدند. اما زیاده‌روی در مصرف آنها باعث افزایش چین‌وچروک پوستی، خستگی، مشکلات قلبی و غیره می‌شوند. در این مطلب شما را با مواد غذایی مختلفی آشنا می‌کنیم که زیاده‌روی در مصرف آن‌ها بدن را در برابر پیری و خستگی قرار می‌دهد.

پنیر قلب را خسته میکند

مصرف متعادل پنیر باعث جذب کلسیم می‌شود، اما زیاده‌روی در مصرف آن باعث بروز مشکلاتی خواهد شد. توجه داشته باشید پنیر نیز مانند خامه‌ی تازه، گوشت‌های پرچرب و کره حاوی اسیدهای چرب اشباع‌شده‌ای است که خطر ابتلا به‌بیماری‌های قلبی عروقی را افزایش می‌دهند. چربی‌ها در اکثر مواد غذایی مصرفی ما وجود دارد، لذا افزایش میزان مصرف روزانه‌ی پنیر باعث افزایش میزان کلسترول خون شده و عروق را مسدود می‌کند.

قهوه باعث دهیدراته بدن میشود

اگر جزو افرادی هستید که نمی‌توانید روزتان را بدون نوشیدن قهوه آغاز کنید کمی بیشتر حواستان را جمع کنید. البته که مصرف یک تا دو فنجان قهوه در روز برای سلامتی مفید است اما زیاده‌روی در مصرف قهوه و همچنین مصرف دیگر نوشیدنی‌های حاوی این ماده مانند نوشابه‌ها و چای و غیره باعث افزایش کافئین مصرفی روزانه می‌شود و در نتیجه بدن را کم‌آب می‌کند؛ بخاطر اینکه کافئین خاصیت ادرارآوری دارد و مصرف زیاد و طولانی‌مدت آن ممکن است بدن را در معرض دهیدراته شدن (کم‌آبی) قرار دهد. اگر به اندازه‌ی کافی آب ننوشید بدن به زودی دهیدراته و خسته می‌شود و طولانی‌مدت آن نیز ممکن است بدن را در معرض دهیدراته شدن (کم‌آبی) قرار دهد.

نمک باعث بروز و افزایش چین و چروک پوستی میشود

یک نوک انگشت نمک همیشه مجاز است اما خالی کردن نمکدان داخل بشقاب غذا به‌هیچ‌عنوان توصیه نمی‌شود. زمانی که نمک زیادی مصرف می‌کنید سدیم آب موجود در سلول‌های شما را می‌مکد و این مسئله به دهیدراته شدن بدن یعنی کم‌آبی آن منجر می‌شود.

به‌مین دلیل است زمانیکه خوراک شوری مصرف می‌کنید مدام احساس تشنگی کرده و آب می‌نوشید. مشکل اینجاست زمانی که بدن دهیدراته می‌شود احساس خستگی بیش از اندازه‌ای می‌کند. بنابراین لازم است که با نوشیدن آب زیاد جبران مافات کنید. توجه داشته باشید زمانی که بدن دهیدراته می‌شود پوست بیشتر در معرض خشکی قرار می‌گیرد. فراموش نکنید که پوست خشک نیز زودتر دچار چروک و پیری می‌شود.

مرباهای رنگارنگ قلب را پیر میکنند

نتایج پژوهشی که در مجله‌ی علمی:

"The Journal of clinical Investigation"

به‌چاپ رسیده است نشان می‌دهد فروکتوز که در ترکیب شربت ذرت و مربا استفاده می‌شود باعث افزایش کلسترول بد خون می‌گردد.

مصرف بیش از اندازه‌ی مرباها و دیگر خوراکی‌های شیرین باعث افزایش چربی دور قلب می‌شود و با آسیب به آن خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی را نیز افزایش می‌دهد.

"نوتلا" علائم خستگی را بیشتر میکند

بدون شک خوردن یک عدد نان تست از نوع نوتلا با شکلات در صبحانه ضرری ندارد، اما اگر عادت دارید نصف شیشه را خالی کنید، مراقب سلامتی‌تان باشید.

این شکلات معروف و خوشمزه از روغن پالم ساخته می‌شود. این روغن گیاهی حاوی اسیدهای چرب است که نه تنها عروق را مسدود می‌کند، بلکه باعث گرفتگی عروق ریز موجود روی صورت نیز می‌شود؛ در نتیجه علائم خستگی روی صورت را بیشتر می‌کند.

گوشتی که زیاد کباب شود سرطان زا است

پیک‌نیک، جمع دوستان و هوای خوش بهترین زمان برای بیرون رفتن و کباب خوردن است. اما در حین طبخ گوشت و کباب کردن دقت کنید. به‌محض اینکه کباب بیش از اندازه روی آتش قرار بگیرد و شروع به سوختن بکند ترکیبات سمی آزاد می‌کند که باعث بروز "استرس اکسیداتیو" می‌شود. "استرس اکسیداتیو" بدن را نسبت به خستگی حساس‌تر کرده و روند پیری و مرگ سلول‌ها را سرعت می‌بخشد. توجه داشته باشید که خوردن بادام‌زمینی یا بادام‌های بوداده نیز باعث بروز چنین مشکلی می‌شوند.





قویترین لاغر کننده ها در دنیا

برای داشتن سلامتی کامل و اندامی متناسب، در انتخاب نوشیدنیها و خوراکیها دقت کنید

در فرآیند کاهش وزن، غذاها با مکانیسم های مختلف میتوانند تاثیرگذار باشند؛ برخی باعث کاهش اشتها، برخی موجب سوزاندن کالری بیشتر و بعضی خوراکیها هر دو نقش را ایفا میکنند.

خوراکیها براساس تاثیری که بر بدن دارند میتوانند بکاهش وزن کمک کنند. در اینجا برخی از خوراکیها و نوشیدنیهاییکه در سوزاندن کالری تاثیر بسزایی دارند، یادآور می شویم.

آجیل - آجیل با وجود اینکه دارای چربی است اما برای کاهش وزن بسیار مناسب است. این خوراکی دارای کربوهیدرات کم و اما فیبر زیاد است. گفتنی است پروتئین و چربی آجیل برای سلامتی مفید است.

آجیل بخاطر ساختاری که دارد حدود ده تا پانزده درصد آن جذب بدن میشود و همچنین به افزایش سوخت و ساز بدن کمک میکند و با خوردن مقدار کمی از آن احساس سیری خواهید کرد.

افرادیکه قصد کاهش وزن دارند با مصرف آجیل کاهش قابل توجهی در وزن خود خواهند داشت که بیشتر در سایز دور کمر نمود پیدا میکند.

در مطالعه ای نشان داده شده که رژیم غذایی کم کالری همراه با آجیل باعث کاهش شصت و دو درصدی وزن در مقایسه با سایر رژیم های غذایی مشابه همراه با قندهای پیچیده است.

روغن نارگیل - روغن نارگیل مانند دیگر روغنها نیست که اثرات منفی بر سلامتی داشته باشد. ساختار این روغن بگونه ای است که متابولیسم آن متفاوت است و اثرات بیولوژیکی قوی دارند.

مصرف روغن نارگیل باعث میشود بدن کالری زیادی دریافت نکند و تا صد و بیست کالری مازاد بدن بطور روزانه را نیز می سوزاند.

جالب توجه است که روغن نارگیل بیشتر به سوزاندن چربیهای اطراف شکم و کاهش سایز کمر کمک میکند.

سیب زمینی آب پز - سیب زمینی براساس نوع آماده سازی آن میتواند در کاهش و یا افزایش وزن تاثیرگذار باشد. سیب زمینی سرخ کرده و چپیس باعث اضافه وزن میشوند در حالیکه سیب زمینی آب پز در کاهش وزن تاثیر دارد و این امر به این دلیل است که با خوردن سیب زمینی، تمایل به خوردن سایر خوراکیها کاهش مییابد.

برخی یافته ها حاکی از آن است که سیب زمینی دارای پروتئین مهار کننده ای به نام «پروتئاز 2» است که روی اشتها اثر دارد. البته این یافته هنوز بطور قطع تایید نشده است.

قهوه - قهوه نوشیدنی است که برای سلامتی بسیار مفید و سرشار از آنتی اکسیدانها و مواد فعال زیستی است. کافئین، ماده فعال موجود در قهوه، میتواند به سوزاندن چربی و کنترل وزن کمک کند؛ البته شواهد بسیار کمی در این مورد وجود دارد. در واقع کافئین میتواند متابولیسم بدن را بین سه تا بیست درصد و همچنین سوزاندن چربی را بین ده تا بیست و نه درصد افزایش دهد.

بر اساس یک مطالعه، ششصد میلی گرم کافئین در روز (چهار تا شش فنجان قهوه) میتواند به سوزاندن اضافی هفتاد و نه تا یکصد و پنجاه کالری در روز کمک کند.

ماهی و گوشت بدون چربی - اگر قصد کاهش وزن دارید استفاده از رژیم دارای پروتئین انتخاب بسیار مناسبی است. ماهی و گوشت بدون چربی منبع غنی از پروتئین هستند. مطالعه ای نشان میدهد رژیم دارای پروتئین هشتاد الی یکصد کالری در روز را میسوزاند و مطالعه ای دیگر بیان میکند که این رژیم باعث کاهش وزن یک پوندی در طول یک هفته میشود.

گفتنی است پروتئین به کاهش اشتها در زمان رژیم غذایی کمک بسیاری میکند.

فلفل تند - برخی از انواع فلفل ها مانند فلفل قرمز، حاوی ماده ای به نام «کپسایسین» است. بسیاری از مطالعات نشان داده اند «کپسایسین» میتواند اشتها را کاهش و سوخت و ساز بدن را افزایش دهد.

بهمین دلیل، «کپسایسین» یک ماده بسیار محبوب در مکملهای کاهش وزن تجاری هم است. اگر شما به غذاهای تند تمایلی ندارید، مقدار کمی از آن را در غذاها برای کاهش وزن مصرف کنید.

نوشیدن آب - نوشیدن آب کافی می تواند مزایای بسیاری برای کاهش وزن داشته باشند. نوشیدن نیم لیتر آب می تواند سوخت و ساز بدن خود را تا سی درصد برای یک دوره زمانی یک تا یک و نیم ساعت افزایش دهد.

بهتر است از آب سرد استفاده کنید تا بدن برای گرم کردن آن انرژی مصرف کند.

بهترین زمان نوشیدن آب قبل از غذا میباشد، چرا که بدن احساس سیری پیدا میکند و بکاهش چربی اضافی هم کمک بسزایی خواهد کرد.

سرکه سیب - این ماده دارای خواص بسیاری است که باعث محبوبیت آن در رژیم های غذایی سالم شده است. سرکه سیب بطور قابل توجهی بکاهش قند خون هنگام مصرف زیاد مواد قندی کمک میکند. در مطالعه ای این مورد به اثبات رسید که مصرف پانزده تا سی میلی لیتر سرکه در روز منجر به کاهش وزن یک تا یک و نیم کیلوگرم در طی یک دوره دوازده هفته ای شده است.

چای سبز - چای سبز هم مانند قهوه از نوشیدنیهای موثر در کاهش وزن است. این نوشیدنی بدلیل کافئین میتواند تاثیر زیادی در افزایش متابولیسم بدن داشته باشد؛ هم چنین مواد آنتی اکسیدانی موجود در آن فعالیت «نوراپی نفری» را افزایش میدهد که در نتیجه ذخایر چربی بدن کاهش مییابد. بر اساس مطالعات، عصاره چای سبز میتواند سوخت و ساز بدن در حدود سه تا چهاردرصد و سوزاندن چربی را تا هفده درصد افزایش دهد.

تخم حیوانات و پرندگان - انواع تخمها مانند تخم مرغ جز مغذیترین مواد خوراکی محسوب میشوند. طبق مطالعات جدید، اثرات مثبت تخم مرغ در کاهش وزن، بر میزان کلسترول آن غلبه کرده است. خوردن تخم مرغ در وعده صبحانه در کاهش وزن بسیار موثر است. این مطالعات همچنین نشان میدهد مصرف تخم مرغ در صبحانه بجای مواد شیرینی حدود سی و شش ساعت احساس سیری در افراد ایجاد میکند. شایان ذکر است اگر شما نمیتوانید از تخم مرغ استفاده کنید، مواد غذایی سرشار از پروتئین و مواد مغذی را در برنامه صبحانه خود قرار دهید.

هر روز سیب بخورید، تا جوان بمانید!؟

محققان با انجام تحقیقی دریافتند که خوردن روزی یک سیب میتواند اثر معجزه بخشی داشته باشد و باعث شود انسان در میان سالی، هفده سال از هم سن های خود جوان تر به نظر برسد. محققان دانشگاه سلطنتی لندن این تحقیقات را با حضور زنان بیست و پنج تا چهل و پنج ساله ای انجام دادند که به توصیه آنها هر روز یک عدد سیب می خوردند.

محققان با مقایسه داده ها، وضع سلامتی زنان را پس از بیست و پنج سال بررسی کردند و متوجه شدند وجود تنها یک سیب در رژیم غذایی روزانه چه تاثیر شگرفی در سلامتی دارد. محققان خاطر نشان کردند:

وجود «پلی فنولها» و «فلاونوئیدها» در این میوه که روندهای اکسیداتیو را در سلولها منظم میکنند، مهمترین عاملی است که موجب تاثیر جوانی و سلامتی بخشی آن میشود. این آنتی اکسیدانها موجب بهبود فعالیت قلب، کبد و لوزالمعده و نیز عادی سازی فعالیت روده و دفع سموم میشود و مسلماً سلامتی داخلی، بر چهره انسان تاثیر میگذارد.

محققان که به اثر معجزه بخش سیب بر سلامتی و زیبایی زنان اطمینان دارند به همه توصیه میکنند این آزمایش مفید را انجام دهند تا در خصوص نتیجه مثبت آن متقاعد شوند.

چرا برخی غذاها باعث بروز میگرن می شوند؟

افرادی که از میگرن رنج می بردند اغلب می گویند خوردن بعضی خوراکیها سردردهایی را در آنها ایجاد می کند، اما پژوهشی نشان می دهد شاید خوراک به تنهایی این ناراحتی را ایجاد نکند، بلکه باکتری های درون دهان هم شاید نقشی در این موضوع داشته باشند.

این تحقیق نشان می دهد در دهان افراد مبتلا به میگرن در مقایسه با دیگران، باکتری های بیشتری پرورش می یابد. این باکتری ها می توانند موادی شیمیایی به نام نیترات را تغییر دهند. بعضی از خوراکیها که میگرن ایجاد می کنند، محتوی نیترات هستند. این غذاها شامل گوشت ها، سبزیجات سبز برگ دار و همچنین برخی داروهای خاص می شود.

محققان حدس می زنند اگر میزان باکتری هایی که نیترات را تغییر می دهند، در دهان زیاد باشد، می تواند در بعضی افراد منجر به سردرد شود. این باکتری ها نیترات را به «نیتریک اکسید» تبدیل می کنند. نیتریک اکسید یک ماده شیمیایی است که در سردرد تاثیر دارد.

محققان در مقاله پژوهشی شان نوشته اند: «باکتری موجود در حفره دهان می تواند میزان نیتریک اکسید را افزایش دهد. این ماده هم به نوبه ی خود در ایجاد میگرن نقش دارد.»

با این حال، این پژوهش صرفاً رابطه ای بین این باکتری ها و میگرن نشان داده و نمی تواند ثابت کند که باکتری ها میگرن ایجاد می کنند «آنتونیو گنزالز»، از نویسندگان این مقاله می گوید اگر حدس می زنید که نیترات باعث بروز میگرن می شود، بهتر است که از خوراکیهای حاوی نیترات دوری کنید.

ارتباط سردرد میگرنی با بهداشت دهان چیست؟

بینایی اتان تار میشود و نور چشمک زن می بینید؛ دردی کوبنده و آشنا در سرتان پدیدار شده و قویتر میشود. این صدای آشنای میگرن است، اما مطالعات نشان داده که منشأ این سردرد میتواند در دهان شما باشد.

بگزارش خبرگزاری «سی ان ان»، حدود ۱۲ درصد آمریکاییها از سردردهای میگرنی رنج میبرند و تحقیقات اخیر نشان داده که عامل آن میتواند باکتریهایی باشد که در دهان شما رخنه کرده اند.

بنا به نتایج تحقیقاتی که در ژورنال «انجمن ماکروبیولوژی آمریکا» منتشر شده، افرادی که دچار سردرد میگرنی می شوند، باکتریهای زیادی در دهان خود دارند که ترکیباتی چون نیترات را به اکسید نیتریک تبدیل میکنند.

از سوی دیگر، مطالعاتی صورت گرفته نشان داده افزایش اکسید نیتریک در جریان خون با سردردهای میگرنی مرتبط است.

بنا به مطالعه منتشر شده در این ژورنال، خوراکیهای فرآوری شده از جمله منابع ترکیبات نیتراتی هستند که میتواند تحریک کننده سردردهای میگرنی باشد.

نیترات و نیتريت از مواد نگهدارنده غذا هستند که در غذاهای فرآوری شده از آنها استفاده میشود.

روند تأثیر گذاری سیگار در پیر شدن بافت‌های بدن

رنگ پریدگی پوست- سیگارها حاوی ترکیبات و مواد شیمیایی مضر هستند. این مواد مخرب و در عین حال اعتیادآور می‌توانند سطح اکسیژن و ریز مغذی را در بدن کاهش داده و در نهایت سلولها را از مولکولهای سالم محروم کنند.

بروز چین و چروکهای پوستی- چروکهای پوستی دائمی از پیامدهای مهم سیگار کشیدن هستند. نیکوتین عروق خونی را تنگ میکند و در نتیجه مانع از رسیدن ذخیره اکسیژنی به پوست میشود.

هرچند بروز چین و چروکهای پوستی در دوران سالخوردگی اجتناب ناپذیر است، اما سیگار باعث میشود این چروکها زودتر و در سنین پایین‌تر روی پوست نمایان شوند.

سیاهی و کبودی زیر چشم- بهمین ترتیب تأثیر مواد شیمیایی سیگار در تنگی عروق، مانع از رسیدن اکسیژن به عروق پوستی اطراف چشم میشود و پوست را تیره و کدر میکند.

چروکیدگی دور لب- همانطور که اخم زیاد موجب چین خوردگی روی پیشانی می‌شود، عضلات اطراف لب نیز که در اثر پُک زدن دائم جمع و کشیده شده، موجب چروکیدگی پوست اطراف لب می‌شوند که به مرور زمان و تداوم سیگار کشیدن این چروکها دائمی خواهند شد.

تخریب دندانها- محصولات دخانی قاتل دندانها هستند و کشیدن یا جویدن آنها بیک اندازه در تخریب دندانها نقش دارند.

ریزش مو- سیگار کشیدن سرعت ریزش موها را افزایش می‌دهد. مواد مضر سیگار ابتدا موجب نازک شدن تارهای مو شده و در نهایت به‌علت نرسیدن اکسیژن و مواد مغذی لازم به سلولهای پوست، موجب تسریع ریزش مو میشود.

بوی بد دهان- از عوارض مهم استعمال دخانیات تنفس نامطبوع و بروز بوی بد دهان است.

ناشنوایی- از دست دادن قدرت شنوایی که در سالمندان شایع است معمولاً در افراد سیگاری زودتر و در سنین میانسالی بروز می‌کند. سیگار حتی بیشتر از هدفون و شنیدن صدای بلند موسیقی در بروز ناشنوایی موثر است.

کمردرد- هرچند هنوز علت آن معلوم نیست، اما متخصصان تأکید دارند استعمال سیگار موجب بروز کمردرد می‌شود. برخی از کارشناسان معتقدند علت این ارتباط می‌تواند کم شدن آب بدن، عدم گردش خون مناسب در بدن و نیز رسوبات شیمیایی حاصل از سیگار در عروق باشد.

افتادگی و شل شدن پوست- مواد شیمیایی موجود در سیگار میتواند منجر به تخریب کلاژن و حالت انعطاف پذیری پوست شود. افراد سیگاری اغلب زودتر دچار افتادگی پوست در قسمت داخلی بازوها و در زنان در ناحیه سینه‌ها میشوند.



از همین امروز سیگار کشیدن را ترک کنید

اینکار سخت است، ولی غیرممکن نیست

آمار و ارقام وحشتناک موجود درباره افرادی که سیگار میکشند و تأثیرات خطرناک سیگار، ما را به فکر وامیدارد که چرا سیگار میکشیم؟ زمان آن فرارسیده تا بطور جدی با خودمان روبرو شویم.

پژوهشگران علوم پزشکی میگویند بدلیل اینکه اکثر سیگاریها از سنین نوجوانی شروع به سیگار کشیدن میکنند، اثرات بیماری‌زایی این ماده مضر را بر روی بدن و سلامتی‌اشان احساس نمی‌کنند، اما شوربختانه زمانی فرد سیگاری نخستین علائم مضر و مشکلات جسمی ناشی از استعمال سیگار را تجربه میکند که دیگر سیگار کشیدن به‌یک عادت کهنه تبدیل شده و ترک آن، کار بسیار دشواری برای او می‌باشد.

بگزارش خبرنگار سایت پزشکان بدون مرز، سیگار کشیدن مداوم موجب تسریع روند پیری بدن میشود بطوریکه روی تمام بافتها و اعضای حیاتی و مهم شامل پوست، مو، قلب و عروق و ریه‌ها و دستگاه هاضمه تأثیر سوء می‌گذارد.

هواره بخاطر داشته باشیم، تمامی پیامدهای سیگار کشیدن موجب تسریع روند پیری زودرس میگردد.



خانم گلنار جهانبانی

برگزار کننده با شکوهترین مراسم عقد و عروسی
هماهنگ با فرهنگ و باورهای متفاوت و قومی

Ms. Golnar Djahanbani
specializes in the creation of
unique wedding ceremonies.

با خاطری آسوده،

تمامی طرحها و نحوه اجرایی

برنامه های پیوند خجسته خود را

به دستان توانای خانم گلنار جهانبانی بسپارید

ایمیل و تلفن تماس

9305 - 924 - (310)

golnardjahanbani@gmail.com

همچنین نتایج تحقیقات ثابت کرده است که سیگار با تخریب حافظه و قدرت یادگیری و استدلال، مغز را تحلیل می‌برد. مطالعات نشان داد گرچه افزایش فشار خون و اضافه وزن روی مغز تاثیر مخرب دارند، اما اثرات سوء آنها به مراتب کمتر از سیگار است.

مردم باید آگاه شوند الگوی زندگی غلط و ناسالم نه تنها به جسم، بلکه به ذهن و مغز نیز آسیب وارد می‌کند.

متخصصان کالج «کینگ» به بررسی ارتباط بین احتمال سکنه قلبی و مغزی و وضعیت مغز پرداختند.

در ابتدا اطلاعات مربوط به آزمایشات مغزی این افراد جمع‌آوری و بررسی شد و سپس در چهار سال و هشت سال آینده تمام آزمایشات دوباره تکرار شد.

نتایج این بررسیها نشان داد که افزایش خطر سکنه قلبی و مغزی بطور کلی ارتباط مستقیم با کاهش توان ذهنی دارد. علاوه بر این معلوم شد که بین سیگار کشیدن و کاهش توان ذهنی و تحلیل رفتن مغز ارتباط آشکار و دائم وجود دارد.

افراد سیگاری به بدترین نوع سرطان مثانه مبتلا میشوند

دکتر ناصر سیم‌فروش در گفت‌وگو با ایسنا، گفت:

در طب بومی و سنتی ما، ابن‌سینا که از نوایغ عالم پزشکی است، بیشترین توجه را به برخورداری از سبک زندگی سالم داشته است.

وی ادامه داد: امروز با توجه به پیشرفت‌های بشر در امر گسترش تکنولوژی، پیشگیری و روش‌های سلامت محور و سبک زندگی سالم دچار انحراف هستیم. به عنوان مثال می‌توان به رایج شدن سیگار و قلیان اشاره کرد که متأسفانه از جمله پیامدهای آن گسترش سرطان مثانه در جامعه است. مطابق تحقیقاتی که انجام داده‌ایم، افرادی که مبتلا به انواع دخانیات از سیگار تا تریاک هستند، بدترین نوع سرطان مثانه را می‌گیرند که به هیچ وجه نمی‌توان آن را مهار کرد. در واقع دخانیات قاتل مثانه است. رئیس قطب اورولوژی کشور با بیان این که نوع تغذیه افراد نیز در میزان سلامت آن‌ها موثر است، گفت: غذاهای سنتی ما بسیار سالم‌تر بودند، اما امروز متأسفانه غذاهای آماده که با چربی‌های فراوان و مواد غذایی ناسالم تهیه می‌شوند، می‌توانند آسیب‌زا باشند. بهمین خاطر است که شما امروز شاهد سکنه‌های قلبی در سن ۴۰ سالگی هستید. وی افزود: امید است با توجه به توصیه‌های ابن‌سینا مبنی بر این که تغذیه سالم و تحرک بدنی ملاک یک زندگی سالم و جلوگیری از بیماری‌ها هستند، بتوانیم روش‌های سبک زندگی سالم را در جامعه پیاده کنیم.

استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با اشاره به این که اکنون متأسفانه بیماری قند بسیار شایع شده است، گفت: بیماری قند باعث نارسایی کلیه، قطع عضو، کاهش دید و ... می‌شود و بیماری بسیار خطرناکی است که با تغذیه صحیح قابل پیشگیری است. پیشگیری همواره بهتر از درمان است.

گفته‌مان دو دوست...؟

دوستی می‌گفت:

ما ایرانیان، مثل عرب‌ها نفت داریم! مثل اروپایی‌ها مالیات می‌دهیم! ولی مثل آفریقایی‌ها زندگی می‌کنیم!

دوست دیگری در جواب او چنین گفت:

جمله‌ی اول و دوم را قبول دارم، ولی جمله‌ی سوم را قبول ندارم! به‌هزار و یک دلیل، ما ایرانی‌ها بسیار بدتر از آفریقایی‌ها زندگی می‌کنیم!

◆ در کدام کشور آفریقایی یک زن را به‌خاطر نداشتن روسری به ۱۶ سال زندان محکوم می‌کنند؟

◆ در کدام کشور آفریقایی یک کارمند را به‌خاطر رقصیدن از کار اخراج می‌کنند؟

◆ در کدام کشور آفریقایی یک رهبر یا رئیس جمهوری دستور به‌ممنوعیت ورود واکسن کرونا داده است؟

◆ آمار اعدام در کدام کشور آفریقایی مانند ایران در صدر آمار کشورهای اعدام‌کننده‌ی جهان است؟

◆ در کدام کشور آفریقایی پول مردم را برای حوزه‌های علمیه، هاپولی می‌کنند؟

◆ پول کدام کشور آفریقایی مانند پول ایران بی‌ارزش شده است؟

◆ در کدام کشور آفریقایی یک رهبر و دولت خودخوانده به‌مدت چهل و سه سال خودشان را در زندگی و توی حلقوم مردم فرو کرده است؟

◆ کدام کشور آفریقایی را می‌شناسید که با تمام کشورهای جهان سر جنگ دارد؟

◆ در کدام کشور آفریقایی ۱۵۰۰ شهروند معترض را که حقوق حقه‌ی خودشان را طلب می‌کردند، در مدت سه روز به‌خاک و خون کشیده‌اند؟

◆ در کدام کشور آفریقایی، حاکم آن کشور پول را از گلوای مردمان خودش می‌گیرد و در حلقوم مردمان دیگر کشورها سرازیر می‌کند؟

◆ در کدام کشور آفریقایی مردم فقیر هزینه‌ی دو ارتش، دو نیروی زمینی، دو نیروی هوایی و دو نیروی دریایی را می‌پردازند؟

◆ در کدام کشور آفریقایی آمار اعتیاد به‌مواد مخدر به‌اندازه ایران یا حتی یک پنجم ایران است؟

◆ تلویزیون کدام کشور آفریقایی نیمی از سال برنامه‌های مذهبی، روضه‌خوانی سینه‌زنی، زنجیرزنی و عزاداری پخش می‌کند؟

◆ در کدام کشور آفریقایی زنان حق ورود به‌استادیوم‌ها و سالن‌های ورزشی را ندارند؟

باز هم بگوییم...؟



کشکول، کشکول، کشکول

مستی، بهترین دین!

روزی مولانا از کنار مسجدی رد می‌شد و دید عده‌ای دست به‌دعا برداشته‌اند و می‌گویند:

«خدایا کافران را بکش!» مولانا از آنجا گذشت تا به‌کلیسایی رسید و دید در آنجا هم عده‌ای دست به‌آسمان برداشته‌اند و می‌گویند: «خدایا کافران را بکش!»

مولانا به راهش ادامه داد تا به در میخانه‌ای رسید و دید در آنجا عده‌ای خُم‌های می را به‌هم می‌زنند و می‌گویند: «بسلا متی...!» سپس فرمود:

«من آنموقع بود فهمیدم که «دین مستی بهترین دین است که جز سلامتی دیگران آرزویی ندارد!» و همان لحظه سرود: پرستش به مستی‌ست در کیش مهر

برون‌اند زین حلقه هوشیارها

باورهای سرخپوستان

سرخ پوست‌ها هیچ پیغمبر، مذهب و دین نداشتند و تنها به‌وجودانشان رجوع می‌کردند. گوشه‌ای از اعتقادات آنان:

۱- ما جزئی از طبیعت هستیم نه رئیس آن.

۲- ما هیچگاه گیاهی را با ریشه از خاک نمی‌کنیم.

۳- ما موقع ساختن خانه، خاک را زیاد جابه‌جا نمی‌کنیم.

۴- ما فصل بهار آرام روی زمین قدم بر میداریم، چون مادر طبیعت باردار است.

۵- ما هر گز به‌درختان آسیب نمی‌رسانیم. ما فقط درختان و خشک را قطع و قبل از آن برای آرامش روحش دعا می‌کنیم.

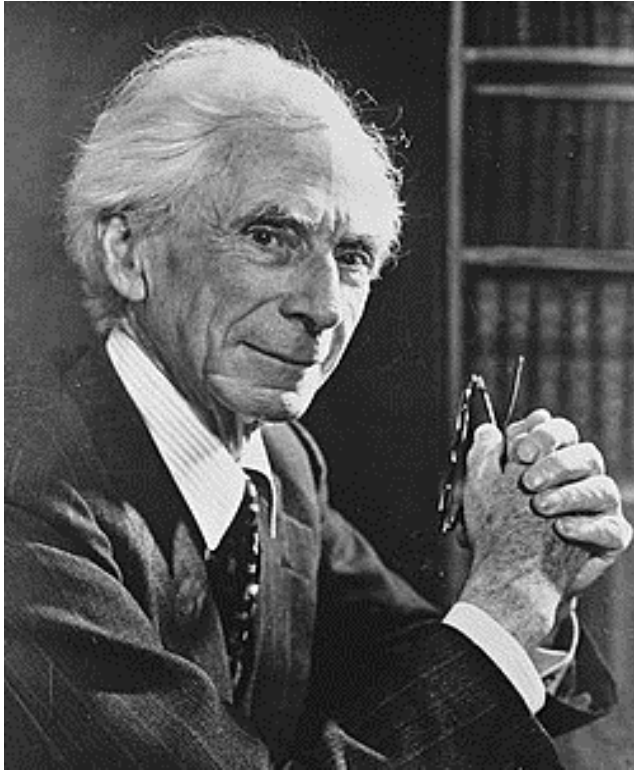
۶- ما حتی برای حیواناتیکه می‌تواند غذا را بخورد، در حد نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیز با اجازه و دعا برای آرامش روحشان آنها را از چرخه هستی جدا می‌کنیم و باندازه‌ی مصرف‌امان شکار می‌کنیم.

۷- ما هرگز هیزم‌ها را اسراف نمی‌کنیم؛ حتی اگر یک درخت جوان و سبز را قطع کنیم، درختان دیگر جنگل اشک میریزند و اشک آنها در دل ما نفوذ می‌کند، وجودمان را جریحه دار و قلبمان آرام آرام تاریک می‌شود.

۸- خاک، مادر ما و آسمان، پدر ما است.

۹- باران عاشقانه‌ترین سرود هستی است.

۱۰- طبیعت روح دارد و مهربانی را می‌فهمد.



عوامل اساسی خوشبختی از دیدگاه «برت اندر اسل»

سؤال- به عقیده شما عوامل اساسی خوشبختی چیست؟
 جواب- به عقیده من عوامل اصلی خوشبختی چهار چیز است: عامل اول تندرستی، عامل دوم داشتن وسایل لازم برای رفح حوائج زندگی، عامل سوم داشتن روابط حسنه با دیگران و عامل چهارم موفقیت در کار.

سؤال- آیا شما معتقدید عقیده و هدفی که انسان برای آن یا بهوسیله‌ی آن زندگی می‌کند می‌تواند در خوشبختی انسان مؤثر باشد؟

جواب- بله، هر چه انسان به‌امور اجتماعی و غیرشخصی بیشتر توجه نماید، از زندگی محدود داخلی یا فراتر گذاشته و در نتیجه، نسبت به‌آینده، دلواپسی و ناراحتی کمتری احساس می‌کند؛ آن وقت انسان کمتر درباره‌ی این زندگی زودگذر می‌اندیشد.

ریشه‌ی عبارت «نوش جان» از کجاست؟

اکثراً فکر می‌کنند نوش جان به‌معنای «گوارای وجود» است، ولی چنین نیست!

«نوش جان» از دو کلمه «نوش» و «جان» تشکیل شده است. معنی «جان» مشخص است؛ «جان» به‌معنای «روح و روان و زندگی‌کردن» است، ولی واژه «نوش» از کجا آمده است؟ «نوش» از ریشه‌ی «انوشه» هست. «انوشه» یعنی «جاویدان و پایدار». همین کلمه در اسم شاه ساسانی انوشیروان آمده و در اسامی ایرانی مثل مهرنوش و نوش‌آفرین قابل مشاهده می‌باشد. بنابراین «نوش جان» یعنی:

«جان شما پایدار» یا «زندگی شما جاویدان»

فردوسی، سعدی، حافظ و مولانا

یک پروفیسور فرانسوی در جشن بازنشستگی‌اش در دانشگاه سوربن فرانسه چنین گفت:

من عمرم را وقف ادبیات فارسی ایرانی کردم و برای اینکه به شما اساتید و روشنفکران جهان توضیح دهم که این ادبیات عجیب چیست، چاره‌ای ندارم جز اینکه به‌مقایسه بپردازم و بگویم که ادبیات فارسی بر چهار ستون اصلی استوار است: فردوسی، سعدی، حافظ و مولانا.

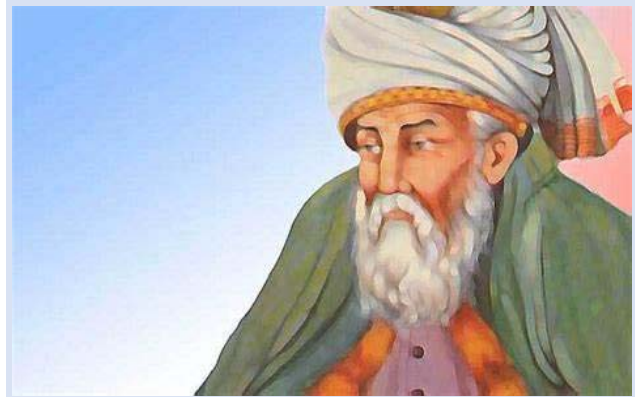
فردوسی، هم‌سنگ و همتای هومر یونانی است و برتر از او، سعدی، «آناطول فرانس» فیلسوف را به‌یاد ما می‌آورد و دانتر از او.

حافظ با «گوته‌ی» آلمانی قابل قیاس است که او خود را، شاگرد حافظ و زنده به‌نسیمی که از جهان او به‌مشامش رسیده، می‌شمارد.

اما مولانا، در جهان هیچ چهره‌ای را نیافتم که بتوانم مولانا را به او تشبیه کنم؛ او یگانه است و یگانه باقی خواهد ماند. او فقط شاعر نیست، بلکه بیشتر جامعه‌شناس است و روانشناسی کامل که ذات بشر و خداوند را دقیق می‌شناسد؛ قدر او را بدانید و به‌وسیله‌ی او، خود و خدا را بشناسید.

من اگر تا پایان عمرم دیگر حرفی نزنم، همین شعر برای همیشه کافی است:

باران که شدی مپرس، این خانه کیست
 سقفِ حرم و مسجد و میخانه یکیست
 باران که شدی، پیاله‌ها را نشمار
 جام و قدح و کاسه و پیمانہ یکیست
 باران! تو که از پیش خدا می‌آیی!
 توضیح بده عاقل و فرزانه یکیست
 بر درگه او چونکه بیفتند به‌خاک
 شیر و شتر و پلنگ و پروانه یکیست
 با سوره‌ی دل، اگر خدا را خواندی
 حمد و فلق و نعره‌ی مستانه یکیست
 از قدرت حق، هر چه گرفتند به‌کار
 در خلقت حق، رستم و موریانه یکیست
 گر درک کنی، خودت خدا را بینی
 درکش نکنی، کعبه و بتخانه یکیست



صادق هدایت از سیزده درد مشترک ایرانیان چنین می‌نویسد:

- ۱- اکثر ما ایرانی‌ها تخیل را به‌تفکر ترجیح می‌دهیم.
- ۲- منافع شخصی را به‌منافع ملی ترجیح می‌دهیم.
- ۳- با طناب مفت حاضریم خود را دار به‌زنیم.
- ۴- به بدبینی بیش از خوش‌بینی تمایل داریم.
- ۵- نواقص را می‌بینیم، اما در رفع آن‌ها اقدام نمی‌کنیم.
- ۶- در هرکاری اظهار فضل می‌کنیم، اما از گفتن «نمی‌دانم» شرم داریم.
- ۷- کلمه «من» را بیش از «ما» به‌کار می‌بریم.
- ۸- مهارت را به‌دانش ترجیح می‌دهیم.
- ۹- بیشتر در گذشته به‌سر می‌بریم.
- ۱۰- از دوراندیشی و برنامه‌ریزی عاجزیم.
- ۱۱- عقب‌افتادگی‌مان را به‌گردن دیگران و توطئه‌ی دشمن می‌اندازیم.
- ۱۲- دائماً دیگران را نصیحت می‌کنیم، اما خودمان عمل نمی‌کنیم.
- ۱۳- همیشه آخرین تصمیم را در دقیقه آخر می‌گیریم.

نامه ملکه فوزیه به‌محمدرضا شاه پهلوی برای جدایی

همسر عزیزم؛
از عالیجناب سفیر مصر در ایران شنیدم که شما مایل هستید مستقیماً از طرف من بشنوید که مایل به‌پایان دادن به‌زندگی زناشویی خود هستم... در حقیقت من چنین تصمیمی را گرفته‌ام و به‌سفیر شما در مصر اطلاع داده‌ام و این یادداشت تأکیدی است بر این تصمیم نهایی من...
ازدواج ما، برای اعلیحضرت و من، آن سعادت را که حق هر دوی ماست، به‌ارمغان نیاورد و بعد از تفکر زیاد به‌این نتیجه رسیدم که تنها طلاق است که می‌تواند سعادت ما را به‌صورت جداگانه تأمین کند. از شما درخواست می‌کنم موافقت کنید نقطه پایانی را به‌این وضع که ادامه بیشتر آن امکان ندارد، بگذاریم. من می‌دانم که طلاق برای هر دوی ما دردآور است، ولی ما باید در راه کشورهای خود فداکاری کنیم.
محمدرضا پهلوی می‌توانند همیشه در انتظار دوستی صادقانه اینجانب باشند. از درگاه خداوند خواهان سعادت آن شاه و رفاه کشورتان هستم.
امضاء: فوزیه احمد فواد

ملکه فوزیه و شاهنشاه ایران



چهار چیز را هرگز فراموش نکن:

- ۱- به‌همه نمی‌توانی کمک کنی،
 - ۲- همه چیز را نمی‌توانی عوض کنی،
 - ۳- همه تو را دوست نخواهند داشت،
 - ۴- همه را نمی‌توانی راضی نگه‌داری،
- پس آنطور که خودت دوست داری زندگی کن.

اما نشد

آمدم تا مست و مدهوشت کنم، اما نشد
عاشقانه تکیه بر دوشت کنم، اما نشد
آمدم تا از سر دلتنگی‌ام
گریه‌ی تلخی در آغوشت کنم، اما نشد
نازنینم یاد تو هرگز نرفت از خاطر
سعی کردم فراموشت کنم، اما نشد

نشان هفت‌پیکر

نشان «هفت‌پیکر» در سال ۱۹۵۷ میلادی تأسیس و جایگزین نشان آفتاب که نشان بانوان قاجاری بود، شد. این نشان به‌افتخار ملکه ثریا پهلوی (اسفندیاری) و فرمان شاهنشاه ایجاد شد.
در واقع نام این نشان به‌نام ملکه ثریا پهلوی، همسر دوم اعلیحضرت محمدرضا شاه اشاره دارد، زیرا «ثریا» نام دیگری برای «خوشه پروین»، یا هفت‌پیکر است.



نشان «هفت پیکر»

حماسه‌ی امیر کبیر

سفیر انگلیس، قتل «قائم مقام فراهانی» را در کتاب "حقوق‌بگیران انگلیس در ایران" چنین تعریف میکند: «قائم‌مقام فراهانی تنها ایرانی وطن‌پرستی بود که نتوانسته بودیم او را بخریم؛ هر رشوه‌ای که به او می‌دادیم، میگرفت، اما آنرا به شاه میداد...

سرانجام نامه‌ای به دولت عالی‌ه انگلیس نوشتم و برای کشتن او درخواست پول کردم...

پس از این که پول فرستاده شد، شبانه به‌خانه امام جمعه تهران رفتم و مقداری برای خودش و مقداری را هم جهت عواملش به او دادم و گفتم: باید که وی [امیرکبیر] را تکفیر کنند...

فردا در همه مساجد تهران، روحانیون بر منبر رفته و بانگ بر آوردند: «ای مسلمانان از دست این کافر فریاد فریاد او دولت اسلام را بر زمین زده است و...»

سر و صدا که بالا گرفت شاه ابتدا او را عزل کرد و پس از یک هفته، فرمان قتل تنها ایرانی وطن‌پرست را امضاء کرد! پس از قتل آن بزرگ‌مرد، سوار بر اسب شدم تا واکنش مردم را در شهر ببینم. دیدم این مردم ابله فرومایه بسان شب عید یکدیگر را در آغوش کشیده و کشته شدن این کافر ملحد! را به هم تبریک می‌گویند...؟!

من شرمسارانه، یاد شورش ۵۷ و فریادهای مرگ بر شاه در خیابانها تهران و دیگر شهرستانهای ایران افتادم و دیدم که چطور ملت ساده لوح ما این چنین با فریب و نیرنگ بیگانگان علیه مهین‌دوستانی مانند امیرکبیر در دیروز و محمد رضاشاه در آن روز که قصد خدمت به مردم را داشتند، می‌شورند!

زمان قاجار و امیرکبیر را تجسم کنید و دوران محمدرضا شاه پهلوی را هم؛ و ببینید چطور مردم زمان قاجار، ناصرالدین شاه و زمان پهلوی، محمدرضا شاه هیچ فرقی نکرده بودند.

اینهمه مدرسه و دانشکاه و تحصیل در خارج از کشور، گویا اندک تغییری هم در خصلت مردم ما بوجود نیاورده بود؛ تاجائی که تحصیل‌کرده‌های اعزامی رضا شاه مانند بازرگان و سنجابی و غیره هم همگام با آخوندهای وارداتی از هند و لبنان و غیره، خلاف مصلحت کشورمان در برنامه‌ی دشمنان ایران مشارکت و تیشه به ریشه‌ی مملکت ما زدند!! آرزو کنیم روزی که مردم از این خواب غفلت بیدار شوند! آرزو کنیم که بیش از این بازیچه‌ی دست این کشور و آن کشور نشویم.



تاریخ کشورمان را بهتر بدانیم...

شاید بسیاری از ایرانیان دلیل ایمان نیاوردن خسرو پرویز، پادشاه ایران را به اسلام و بعد حمله اعراب به کشورمان به‌دلیل اینکه نامه‌ای را که پیامبر مسلمانان با اسم وی آغاز نه‌کرده و او نامه را پاره کرده است را می‌دانید. در حقیقت این یک توجیه تاریخی بیش نیست، اما حقیقت اینچنین است:

پیکی از اسلام به‌ایران آمد و خسرو پرویز او را به‌حضور پذیرفت و از وی در باره اسلام پرسید.

پیک گفت: در دین ما پرستش خدا مهم‌ترین مورد است.

خسرو پرویز گفت: ما ۱۰۰ سال است که خدا پرستیم.

پیک گفت: در اسلام زنده به‌گور کردن دختران کار حرامی است!

خسرو پرویز پرسید: مگر شما این کار را انجام می‌دادید؟ ننگ بر شما! دختران ما الهه هستند.

پیک گفت: برده‌داری در اسلام حرام است!

خسرو پرویز گفت: ما از زمان کوروش بزرگ برده‌داری نه‌کرده‌ایم.

پیک گفت: در اسلام همه با هم برابرند!

خسرو پرویز گفت: در ایران من که شاه هستم اگر اشتباه کنم به‌دادگاه می‌روم.

و تا آنجا بحث طول کشید که اسلام چیز جدیدی برای ایرانیان نداشت. سپس خسرو پرویز نامه را پاره کرد و به‌پیک گفت:

اگر شما الان می‌خواهید راه انسانیت را پیدا کنید، ما ۱۱۰۰

سال پیش آنرا پیدا کرده‌ایم!؟



واژه «دست مریزاد» از کجا آمده؟

در روزگار قدیم که زبان فارسی فقط قلمرو شاعران و ادیبان بود و مثل امروز نبود که همه و همه از صبح تا پاسی از شب به نوشتن انواع پیام‌ها بر در و دیوار، سایت‌ها و شبکه‌ها، موبایل‌ها و تبلت‌هایشان مشغول باشند، بعضی فعل‌ها را به‌صورت دعایی می‌نوشتند. مثلاً حافظ می‌نوشت:

ساقیا آمدن عید مبارک بادت

وان مواعید که کردی مرواد از یادت

یعنی یک «الف» دعایی وسط فعل می‌کاشتند تا معنای امید و دعا بگیرد و به‌شود فعل دعایی.

حافظ برای این‌که بگوید «امیدوارم وعده‌هایت را فراموش نکنی»، به جای «مرواد» می‌نویسد «مرواد»؛ یا مثلاً فعل «مکناد» مولانا در دیوان شمس:

تبریز از او چو آسمان شد

دل گم مکناد نردبان را

برای ما هم حتماً پیش آمده که گاهی هنگام تشکر، به‌شوخی گفته‌ایم: «دست شما درد نکند.» می‌بینید که چیز غریبی نیست. ولی یکی دو فعل دعایی هست که هنوز بر زبان ما جاری است و همی ما بسیار از آن‌ها استفاده می‌کنیم. یکی از آن‌ها «دست مریزاد» است. «مریزاد» صورت دعایی فعل «مریزد» به معنای مجازی «نلرزد» است و «دست مریزاد» جمله‌ای است که در معنای «آفرین» برای تحسین دیگران به‌کار می‌بریم، اما برخی به‌اشتباه آن را «مریضاد» می‌نویسیم. «مریضاد» یک غلط املائی شایع است که هیچ معنایی ندارد.

ارزش زندگی

یک روز سگی از کنار شیر خفته‌ای رد می‌شد. وقتی سگ دید شیر خوابیده، طنابی آورد و شیر را محکم به درختی بست! زمانیکه شیر بیدار شد، متوجه وضعیتش شد و سعی کرد تا طناب را باز کند، اما نتوانست.

در همان هنگام خری در حال گذر بود؛ شیر به‌خبر گفت:

ای خر اگر مرا از این بند برهانی، نیمی از جنگل را به‌تو میدهم.

خر ابتدا تردید کرد، ولی بعد طناب را از دور دستان و پاهای شیر باز کرد.

وقتی شیر رها شد و خود را از خاک و گردو غبار خوب تکاند، رو به خر کرد و گفت:

من به تو نیمی از جنگل را نمیدهم.

خر با تعجب گفت: ولی تو قول دادی؟!!

شیر گفت: من به‌تو تمام جنگل را می‌دهم، زیرا در جنگلی که سگان دیگران را به‌بند کشند و خران برهاند دیگر ارزش زندگی کردن ندارد؟! "کلیله و دمنه"

یک واقعیت

چرچیل:

چیزی که مردم در جهان سوم باید نجات دهند وطنشان نیست، بلکه اول بایستی خودشان را نجات دهند، چون بیشتر آنها در اعماق ناآگاهی، توهم دانایی دارند؟!!

خوردن خوراک به حساب نوه‌هایمان

یک رستوران بر سر در ورودی‌اش با خط درشت نوشته بود: «شما در این مکان غذا میل به‌فرمایید، ما پول آنرا از نوهی شما دریافت خواهیم کرد!»

راننده‌ای با خواندن این تابلو، اتومبیلش را فوراً پارک کرد و وارد رستوران شد و ناهار مفصلی را سفارش داد و نوش جان کرد. بعد از خوردن غذا، سرش را پایین انداخت که بیرون برود، ولی پیش‌خدمت با صورت حسابی بلند و بالا جلویش سبز شده است...

راننده با تعجب پرسید: «مگر شما ننوشته‌اید پول غذا را از نوهی من خواهید گرفت؟»

پیش‌خدمت با خنده جواب داد: «چرا قربان، ما پول غذای امروز شما را از نوه‌اتان خواهیم گرفت، ولی این صورت حساب مربوط به‌پدر بزرگ مرحوم شماست!»

نتیجه اخلاقی:

این داستان حقیقتی را در قالب طنز بیان می‌کند که کاملاً مصداق دارد. ممکن است ما کارهایی را انجام دهیم که آیندگان مجبور به‌پرداخت بهای آن باشند. ما امروز صورت‌حساب سال ۵۷ والدین خود را می‌پردازیم؟!!

دو لطفه‌ی کوتاه!

* - تخصص ملایان: شنا در بیت المال ... سوارکاری بر ملت ... پرش از مالیات ... صیغهنوردی ... پرتاب فتوا ... دوی صدمتر بین مساجد ... فیگور روی منبر ... خوردن لوبیا و نگهداشتن وضو ... آخیش منو کشته!

* - کاش انتخاب "همسر" هم مثل انتخابات ریاست جمهوری بود. چند نامزد به وسیله‌ی خانواده تأیید صلاحیت میشدن، میومدن از برنامه‌هاشون میگفتن؛ بعدش منم سرفرصت با بصیرت و آگاهی همسر انتخاب می‌کردم و هر چهار سال یکبار تجدید فراش کرده و حماسه دیگری می‌آفریدم!





وصیت نامه ملکه ثریا اسفندیاری

ملکه ثریا اسفندیاری، دومین همسر محمدرضا شاه پهلوی پادشاه ایران که به علت بارداری نشدن مجبور به جدایی از شاه شد، وصیتنامه‌ای از خود بجا گذاشت که یک دنیا سخن در آن نهفته بود. هر چند ممکن است این نوشتار منتسب به ایشان نباشد، ولی حال و احوال ما ایرانیان را بخوبی بیان می‌کند.

بعد از مرگ تمام ثروتم را به‌گرمی پاریس می‌بخشم! می‌دانم مردم ایران در فقر و بدبختی هستند ولی راضی نیستم یک ریال از این پول که حق خودشان هم هست به‌آنها برسد! چون چشم و رو ندارند؛ چشم و روی گربه‌ها از این مردم بیشتر است.

مرحوم رضا شاه برایشان دانشگاه ساخت، جاده و بیمارستان و نظمی ساخت، کاری کرد اگر یک زن با طبق طلا از این سر کشور به‌آن سر کشور برود کسی معترضش نشود، برای زنها حق زندگی آورد و سعی کرد آنها را از زیر سلطه مردها بیرون بکشد و حق و حقوقشان را بشناسد، خواست چادر سیاه اسارت را از سرشان باز کند و طعم آزادی را بهشان بچشاند، به مردهای شال و قبا و کهنه پوش، کت و شلوار و کلاه پوشاند و بچه‌هایشان را با خرج دولت فرستاد به فرنگ تا سواد یاد بگیرند و ببینند ایران را بسازند، اما مردم چه کردند؟ با وعده بهشت ملاها بیرونش کردند!

محمدرضا شاه کاری کرد سنگاپوری‌ها و چشم‌تنگها ببینند برای ایرانی‌ها خدمتکاری کنند؛ عربها التماس کنند که یک شب بتوانند در کابارهای ایران، خوش بگذرانند؛ در چاه‌های نفت را بست تا انگلیس دستش از مملکت کوتاه شود؛

با برپایی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی عظمت ایران را به‌رخ دنیا کشید.

برای دخترها مدرسه رقص فولکوریک باز کرد؛ دلار را ۷ تومان تصویب کرد تا اهل فن و تفکر و علم راحت بتوانند بروند مملکت فرنگ؛ کاری کرد کارمند و کارگر قادر باشند جلوی مهمانش گوسفند قربانی کنند او برای عظمت ایران هزار طرح و برنامه داشت و حتی می‌خواست سنگاپور را بعنوان منطقه آزاد و تفرجگاه ایرانیان بخرد (حالا سنگاپور شده جز کشورهای برتر جهان) ولی مردم ایران برای رفتن به‌بهشت وعده‌ای ملاها بیرونش کردند؟! حالا هم همین مردم منتظر باشند ملاها بیرندشان بهشت ... و در این آخرین روزها آرزو می‌کنم همانطور که اشک همسر (اگر چه همسر پیشینم بود ولی چنان عظمت و بزرگی داشت که مصر با اینکه او داماد سابقشان بود و فوزیه دختر ملک فاروقشان را طلاق داده بود، ولی برای مراسم تشییع‌اش قیامت کردند) را در آورند، روزی هزار بار اشکشان در بیاید!

بروید مردم ایران به‌امید همان بهشتی باشید که قرار است ملاهای انگلیسی شما را ببرند؛ شما لیاقت عظمت و بزرگی را ندارید؛ شما باید پایمال شوید تا درد پایمال شدن را بفهمید ... بروید، چشم و روی گربه‌ها از شما بیشتر است.

بعد از خواندن متن وصیتنامه ملکه ثریا به‌یادم آمد که:

وقتی دنیا به‌فکر تسخیر فضا بود، ما به‌این می‌اندیشیدیم که انگشتر عقیق در کدام انگشت، ثواب بیشتری دارد...

این جغرافیا نیست که جهان سومی بودن را تعیین میکند! آدمها هستند که آن را می‌سازند!

جهان سوم جا نیست، شخص است.

جهان سوم منم، جهان سوم تویی، جهان سوم طرز تفکر ماست، نه آن مرزهایی که داخلش زندگی میکنیم!

جهان سوم جایی است که درآمد یک دعانویس از یک برنامه نویس بیشتر است.

جهان سوم جایی است که مردمش جهان سومی فکر می‌کنند! جایکه میزان خرید یکسال کتاب برابر با یک روز لوازم آرایش است.

جهان سوم جاییست که در آن مردم به‌ظاهر خود بیشتر از شعور اهمیت می‌دهند.

جهان سوم جایی است که بسیاری از مردمانش با یک "استخاره" هدف و آینده تعیین میکنند! و با یک "عطسه" از هدف خود دست میکشند!

اینجا ایران است... ملتی طلسم شده!

مغز بر باد رفته که تا کربلا پای پیاده راه می‌روند! اما از روی پل عابر پیاده رد نمی‌شوند!؟

ایرانیان بر مرده‌های اعراب ۱۴۰۰ سال پیش می‌گریند و میلیارد میلیارد ثروت این مملکت را صرف طلاکاری و توسعه حرم در کشوری می‌کنند که کشورشان را با جنگی هشت ساله به‌نابودی کشاند در حالی‌که در خیابانهای کشورشان کودکان گرسنه و زنانی که تن‌فروشی می‌کنند تا شکم فرزندانشان را سیر کنند، موج می‌زند.



بیاد استاد بزرگوار احسان یار شاعر

این مرد عاشق کیست که تمامی خود و هستی‌اش را در راه اعتلای فرهنگ سرزمین‌اش هزینه کرد؟ آیا می‌دانید آن عاشق یکی از بزرگترین زبان‌شناسان دوران‌های باستان است؟ بزرگ اندیشمندی که چندین مجلد کتاب در زمینه فرهنگ و تاریخ نگاشته و از جایگاه والای دانشگاهی جهان شناخته شده است؛ نامش «احسان یار شاعر» متولد چهاردهم فروردین ۱۲۹۹ در همدان است.

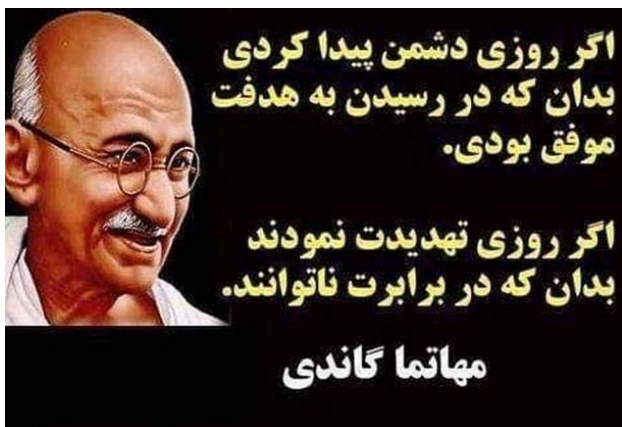
احسان یار شاعر و «دانشنامه ایرانیکا»

دانشنامه ایرانیکا را می‌توان بزرگترین و جامع‌ترین پروژه ایران‌شناسی دانست. ایرانیکا دانشنامه‌ای است درباره تاریخ، فرهنگ، هنر و جامعه ایران و به‌همت و مدیریت پروفیسور احسان یار شاطر تاسیس و اکنون به‌وسیله بخش پژوهش‌های ایرانی دانشگاه کلمبیا در نیویورک چاپ می‌شود. کار تدوین این دانشنامه به سال ۱۳۴۷ برمی‌گردد که به‌پیشنهاد احسان یار شاطر و با بودجه‌ای دو میلیون دلاری شکل گرفت. احسان یار شاطر در نیویورک مرکز «ایران‌شناسی» را بنیاد گذاشت و پس از خریدن کتابخانه شخصی، مرحوم استاد سعید نفیسی آنرا به این بنیاد اهدا کرد. کار بر روی دانشنامه ایرانیکا از کارهای بزرگ احسان یار شاطر بود و پس از شورش اسلامی در ایران، این کار برای مدتی به‌دلیل قطع بودجه، متوقف شد.

او در این زمان ناچار شد برای تامین مخارج انتشار دانشنامه، موزه شخصی هنرهای اسلامی خود را بفروشد که بعضی از این آثار اکنون در موزه «متروپولیتن» نیویورک موجود است. احسان یار شاطر بنیانگذار مرکز مطالعات ایران‌شناسی و استاد بازنشسته مطالعات ایرانی در دانشگاه کلمبیا نیویورک است. وی نخستین ایرانی است که پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا به‌مرتب استادی رسید. احسان یار شاطر همچنین بنیان‌گذار و سرپرستار دانشنامه ایرانیکا محسوب می‌شود که در دانشگاه کلمبیا و در شهر نیویورک مستقر است و از ابتدای دهه‌ی ۱۹۷۰ نزدیک به ۴۰ ویراستار و ۳۰۰ نویسنده از سراسر آمریکا، اروپا و آسیا با آن همکاری داشته‌اند.

دکتر یار شاطر ویراستاری سه مجلد از تاریخ ایران کمبریج را هم به‌عهده داشته و نویسنده شانزده جلد کتاب تاریخ ادبیات ایران است. ابراهیم پورداوود، از استادان و از مشوقین وی برای مطالعه‌ی ادبیات و زبان باستانی ایران بود. وی توسط بورسی از شورای فرهنگی بریتانیا در ایران به‌لندن رفت تا در زمینه‌ی تعلیم و تربیت ادامه تحصیل بدهد. او پس از رسیدن به لندن نزد «والتر هنینگ» استاد زبان‌های باستانی ایران رفت و نزد «والتر هنینگ» و «مری بویس» زبان پهلوی را فراگرفت. دکتر یار شاطر در سال ۱۳۳۲ فوق‌لیسانس خود را تمام کرده و موضوع رساله دکترایش بسیار جالب و بدیع بود که زبان مردم آذربایجان، نه ترکی بلکه زبانی بنام زبان «تاتی» ایران بوده‌است. زبان «تاتی» مربوط به منطقه‌ای در قزوین و در کمیجان استان مرکزی است. دکتر یار شاطر در بازگشت به‌ایران به تدریس زبان‌های باستانی ایران پرداخت.

در همین ایام دانشگاه «کلمبیا نیویورک» از او دعوت به تدریس کرد. بعد از بازگشت از کلمبیا به تهران، جای استاد محبوبش ابراهیم پورداوود به تدریس پرداخت. وی در کارنامه خود تاسیس بنگاه ترجمه و نشر کتاب برای ترجمه آثار معتبر ادبی جهانی و انتشار فصلنامه راهنمای کتاب را دارد. دکتر یار شاطر دانش‌آموخته دوره دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران و دانش‌آموخته دوره دکترای زبان‌شناسی ایران در مدرسه مطالعات مشرق‌زمین و آفریقا دانشگاه لندن است و از شاگردان دو نویسنده و تاریخدان شهیر «والتر هنینگ» و «مری بویس» محسوب می‌شود. گردآوری و نگارش: بهی





از هالو

مرض دکتری!؟

با پوزش از دکترهای واقعی

خاک ایران یکسر از دکتر پُر است
هر که دکتر نیست، ناننش اُجر است
ملک ایران سرزمین دکتران
اینقدر دکتر نباشد در جهان
شهر دکتر، کوچه دکتر، باغ دکتر
کبک دکتر، فنچ دکتر، زاغ دکتر
عابران هر خیابان دکترند
دانه های برف و باران دکترند
هم وزیران، هم مدیران دکترند
بیشتر از نصف امیران دکترند
هر که را پستی است در ایران، دکتر است
دیپلم ردی ست، اما دکتر است
هر که شد محبوب از ما بهتران
هر که شد منصوب بالا، دکتر است
آنکه مثل آفتاب نیمه شب
سر زد از صندوق آرا، دکتر است
شاد باش ای دکتر آرای ما
دکترای جمله دانشهای ما
ای تو افلاطون و جالینوس ما
دکترایت نخوت و ناموس ما
در جهانی که پُر است از نابغه
دکتری چندان ندارد سابقه
بی سبب افسرده‌ای غم میخوری
سرزمین ماست مهد دکتری
گرچه باشد قصه‌ها پشت سرش
لیک باشد این و آن دور و برش
وحشی و اهلی و غیره دکترند
تاجر و دهقان و کاسب دکترند
دکترها دارند همه همسایه‌ها
جای کرسی، می‌خرند چار پایه‌ها
بهترین سرگرمی ما دکتری است
گرچه بحث جعل مدرک نان‌بری است
عده ای مشغول دکتر سازی‌اند
عده‌ای سرگرم دکتر بازی‌اند

دکترهای قلبی شهر ما

فریب دکترهای قلبی و خالی بند را نخورید

این روزها هر وقت تلویزیون را روشن میکنید که آهنگی بشنوید تا کمی آرامش بگیرید و یا از رویدادهای روز با خبر شوید، چهره خانم یا آقای را می‌بینید که فیلسوفانه مشغول درمان فیزیکی و یا روانی مردم میباشد؛ یکی خود را دکتر تغذیه مینامد، درحالی‌که قیافه و سوادش بیشتر به آب‌میوه فروشان میدان فوزیه (امام حسین فعلی) شباهت دارد.

دیگری ادعای دارا بودن دکترای روانشناسی دارد و برای مردم موعظه میکند، ولی بنظر نمی‌رسد سوادش بیشتر از ششم متوسطه یا در حد فوق دیپلم باشد.

سومی برای مردم نسخه مینویسد که بایستی از گیاهان پیشنهادی وی برای پاک کردن بدن استفاده شود و مدعی است که از دانشگاه انگلستان فارغ التحصیل شده است، اما وقتی تحقیق میکنید متوجه میشوید که چنین دانشگاهی اصلاً وجود خارجی نداشته و حتی این خانم دانشنامه لیسانس هم ندارد، چه رسد به مدرک دکتر!

دیگر مشاغل هم از این قاعده مستثنا نیستند، مثلاً آقای که ماشین فروش است یا رستورانی را اداره میکند، خود را مهندس یا دکتر خطاب میکند.

دنیای غریبی است برادر! این روزها با هر کسی که در شهر برخورد میکنید، دارای تحصیلات عالی است، ضمن آنکه حتی یک جمله انگلیسی را نمی‌تواند بیان کند و صد البته از بدی روزگار با مدارک عالی تحصیلی؟! آب میوه و یا قرصهای تقویت جنسی و کاهش وزن می‌فروشد.

با توجه به توضیحات بالا اگر کسی ادعا کرد که دارای دانشنامه دکتر است و شما خواستید مچ‌گیری کنید، تنها کافی است از او بخواهید به چند سؤال شما پاسخ دهد:

یکم- از کدام دانشگاه و چه سالی فارغ التحصیل شده است؟
دوم- آیا دانشگاه مزبور معتبر بوده و مورد قبول و تأیید مؤسسات آموزش عالی ایالات متحده آمریکا میباشد؟

سوم- موضوع و عنوان رساله‌اش (البته اگر معنی رساله را بدانند) چیست و چه نتایجی از تحقیقات وی بدست آمده است؟
شما میتوانید با در دست داشتن اطلاعات بالا خیلی زود به ماهیت و درستی مدرک ادعائی اقا و یا خانم دکتر پی ببرید.

البته مطمئن باشید که اکثر این آقایان و خانمها دروغ گفته‌اند و به اصطلاح عامیانه "خالی بسته اند"، زیرا اکثر مؤسساتی که آنان ادعا میکنند از آنجا فارغ التحصیل شده‌اند وجود خارجی نداشته و تمامی دانشگاههای ادعائی آنها تشکیل شده است از یک تلفن مجهز به پیام گیر! نه دانشگاهی، نه کلاسی درسی، نه استادی و نه دانشجویی!؟

پیام گیر از شما میخواد شماره خودتان را بگذارید؛ دو سه ساعت بعد، کسی که خود را دکتر.... خطاب میکند به شما زنگ میزند و لطفاً خودتان پیگیری و امتحان کنید.

سپس در کنار خرش اشک ریخت
 تو گویی که جان از دو چشمش گریخت
 ز فریاد و بیداد و آه و فغان
 رسیدند بر او بسی مردمان
 ازین رویداد غم انگیز مرد
 دل مردم شهر آمد به درد
 بر او سکه بسیار انداختند
 به دلداری مرد پرداختند
 بسی پیسه دادند بر آدمک
 شود بلکه تا خرج دفن خرک
 به خود گفت مردک، دکان ساختم
 درآمد ز باد هوا یافتم
 چو پیسه برآمد ز دیوار و در
 فغان و عزا هم شدی بیشتر
 برای الاغش در آن جایگاه
 بنا کرد درگاه و آرامگاه
 دعا خانه هم کم کمک شد بنا
 که مردم بگیرند از او شفا
 کمی پس بپا شد نماز و اذان
 امام زاده نامیده شد این دکان
 چنین شد نخستین ره کسب و کار
 که صد ها امامزاده آمد به بار آنر



ماجرای «خر»، امامزاده و مردم خردباخته!

خری سالخورده به ویرانه‌ای
 که دیوار و در داشت چون خانه‌ای
 به همراه یک پیرمرد فقیر
 درین خانه میزیست از بازدیر
 دم هر سحر پیرمرد و الاغ
 به جنگل، به دشت و گهی هم به‌باغ
 پی هیزم خشک هر سو روان
 که بلکه فروشند بر مردمان
 همه دار و نادار این مرد پیر
 جز این خر نبودی به بالا و زیر
 بسی روز کار از خرش میکشید
 شبانگه کنار خرک می‌لمید
 به گِرد الاغش چو پروانه بود
 که او آب و نان‌آور خانه بود
 بسی روزگاران بدین سان گذشت
 کماکم خر پیر بیمار گشت
 نه کاری ز خر بر میامد نه زور
 تو گویی که عمرش رسیدی به گور
 یکی روز تا پشت خانه رسید
 خر افتاد و زو جان شیرین رمید
 دل صاحب خر ازین غم شکست
 کنار خر خود به زانو نشست
 بسی آه و فریاد و داد و خروش
 برآمد ازین پیر هیزم فروش
 که دارو ندارم به یک باد رفت
 خدا را خدایی هم از یاد رفت
 برین خر چه امیدها کاشتم
 فنا شد هر آنچه کزو داشتم



برای بردن فضاوردان به مریخ است، ولی محتمل‌ترین گزینه، احتمالاً سفری است که رفت و برگشت از آن حداقل سه سال طول خواهد کشید.

فضانوردانی که در مریخ فرود می‌آیند،

با چه چالش‌های دیگری مواجه خواهند شد؟

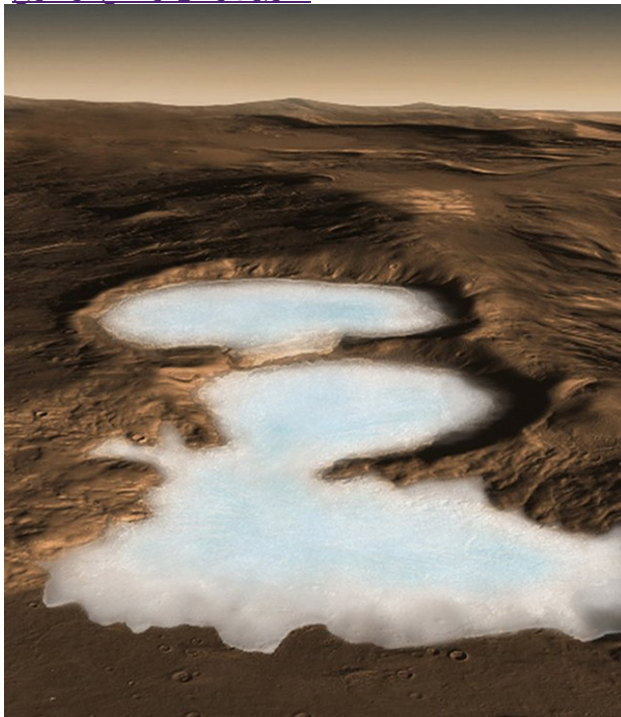
سلامت فضاوردانی که به مریخ می‌روند به چند دلیل، یکی از چالش‌های اصلی برای دانشمندان و محققان است. به‌گفته «دوریت دانویل»، دبیر موسسه تحقیقات تطبیقی برای سلامت در فضا، اولین دلیل، طول مدت این سفر است.

از آنجا که فضاوردان برای سه سال در سفر خواهند بود، باید بتوان هر مشکل بهداشتی را که پیش می‌آید، در خارج از زمین رفع کرد. همین باعث می‌شود حتی کوچکترین بیماری‌ها مایه نگرانی شود. دانویل گفت: «برای مثال داشتن یک سنگ کلیه ساده در فضا می‌تواند زندگی فرد را به‌مخاطره اندازد. علاوه بر دغدغه‌های معمول که برای چنین ماموریتی وجود دارد، ما با محیط‌شدید متخاصم فضا و فضای شدید داخل خود سفینه مواجه هستیم. بنابراین، فضاوردان باید بتوانند نیازهای بهداشتی و پزشکی خود را رفع کنند.»

محققان همچنین باید تأثیرات روانی چنین سفری را در نظر بگیرند، چرا که فضاوردان برای مدتی طولانی در فضاهایی کوچک کنار یکدیگر باقی خواهند ماند.

وقتی هم به این سیاره برسند، هنوز در لباس‌های فضاوردی خود محدود خواهند ماند چرا که نوسان دمای مریخ بسیار شدید است و در یک روز می‌تواند ۱۷۰ درجه تغییر کند. علاوه بر دمایی که معمولاً به‌طور میانگین زیر صفر درجه است، هوای این سیاره هم عمدتاً از «دی‌اکسیدکربن» تشکیل شده است.

تصویری واقعی از سطح کره مریخ



فرتوری از مریخ در کمترین فاصله با کره زمین

چقدر طول می‌کشد تا به مریخ برسیم؟

از زمان پیدایش بشر، فضا محلی برای کنجکاو و ماجراجویی بوده است. رازهای منظومه شمسی با درک کامل ما فاصله‌های بسیار دارند و هنوز در این راه بر چالش‌های بسیاری غلبه نشده است.

بشر از زمانی که به ماه رسید، هدف بعدی خود را مریخ تعیین کرد. اگرچه انسان هنوز روی این سیاره سرخ فرود نیامده، اما ناسا بعد از مسافرتی ۳۰۰ میلیون مایلی (۴۸۵ میلیون کیلومتری) توانسته است جدیدترین کاوشگر رباتیک خود با نام «استقامت» را با موفقیت روی مریخ فرود آورد. این ربات که نهمین فضایی‌نشین بر سطح مریخ است، نقطه عطفی در شروع ماموریتی جدید برای جست‌وجو درباره نشانه‌های زندگی در گذشته این سیاره به‌شمار میرود. در ادامه، تمام آنچه را باید درباره فاصله تا مریخ و اینکه چرا هنوز به این سیاره سرخ راه نیافته‌ایم بدانید، می‌خوانید.

چقدر طول می‌کشد تا به مریخ برسیم؟

علی‌رغم تلاش ادامه‌دار ناسا، فرستادن انسان به مریخ تا همین اواخر کاری غیرممکن به نظر می‌رسید؛ اما به‌گفته این آژانس فضایی، اکنون می‌توانیم طی دو دهه آینده، انسان را در مریخ فرود آوریم.

رسیدن به این سیاره به نوبه خود دستاوردی بی‌سابقه است، چرا که مریخ، بسته به مدار چرخش آن به دور خورشید، حدود ۵۵ تا ۴۰۰ میلیون کیلومتر از زمین فاصله دارد. به گفته ناسا، فاصله زمین تا مریخ به‌طور میانگین ۲۲۵ میلیون کیلومتر است.

بنا بر وبسایت مرکز پرواز فضایی گودارد ناسا، اگر بخواهیم با سرعت فعلی فضایی‌ماها به مریخ برسیم، این سفر حدود ۹ ماه طول خواهد کشید. فضایی‌ماهای بدون سرنشین اعزامی به مریخ هم چیزی بین ۱۲۸ تا ۳۳۳ روز طول کشید تا به این سیاره سرخ برسند.

به‌گفته «کرگ پتن»، استاد فیزیک دانشگاه کالیفرنیا در شهر سن دیه‌گو، سفر به مریخ می‌تواند با مصرف سوخت بیشتر کوتاه‌تر شود ولی چنین کاری اقدامی عاقلانه نیست.

درحال حاضر «ناسا» مشغول پیگیری طرحی پنج مرحله‌ای



فلسفه بُردن سر

- ۱- بریدن سر حسین ابن علی و بردن آن نزد عبیدالله ابن زیاد...
- ۲- بریدن سر عبیدالله ابن زیاد و بردن آن نزد مختار ثقفی...
- ۳- بریده شدن سر مختار ثقفی و بردن آن نزد عبدالله ابن زبیر...
- ۴- بریده شدن سر عبدالله ابن زبیر و بردن آن نزد عبدالملک مروان...

در آن زمان، نه رژیم اسرائیل وجود داشت، نه آمریکا، نه القاعده و نه داعش؛ فقط اسلام بود و قلمرو مسلمانان؟! بطور کلی این سر بریدن رسم بوده و فرقی هم نمی‌کرده مظلوم باشی یا ظالم، اگر شکست می‌خوردی سرت بالای نیزه بود!

داعش امروز هم ریشه از فرهنگ آن زمان دارد، نه آمریکا و اسرائیل؛ ممکن است آنها از حماقت اینها استفاده کنند، ولی مشکل از فرهنگ بدوی آدم‌های این مناطق است!؟

داستان عاشورا از دو جهت قابل بررسی است:

اول - اعراب صدر اسلام وقتی با نوه پیامبر و پسر عموی خودشان اینگونه رفتار می‌کردند، به‌بینید با ایرانیان مغلوب در جنگ چه کرده‌اند. اجداد بی‌گناه من و تو که به‌جرم مسلمان نبودن و یا نهایتاً دفاع از وطن و ناموسشان، بی‌رحمانه تر از کشتگان کربلا شهید شدند!

اگر اسرای کربلا پس از مدتی محترمانه آزاد شدند و به قوم و قبیله خود برگشتند، زنان و دختران و طفلان بی‌گناه سرزمین ما مظلومانه‌تر از اسرای کربلا در بازارهای مکه و مدینه گمنام فروخته شدند و فریادرس و تاریخ‌نگاری از آنان دفاع نکرد و حتی هموطنان و فرزندان‌شان هم آنها را از یاد برده و تاریخ عرب را جایگزین سند پرافتخار کشور خود کردند!؟

دوم - اینکه کاش فقط یکروز در سال و فقط یک شمع بخاطر همه هموطنان دلیرمان که بخاطر دفاع از کیان ایرانی به‌شکلی وحشیانه توسط اعراب تکه تکه و شهید شدند مانند بابک خرمین، مازیار، افشین، طاهر، یعقوب لیث و... روشن می‌کردیم!

فقط یک روز و فقط یک شمع...

نه میلیون‌ها پرس غذا... نه یک دهه... و نه با کتل و علامت!

صلاح الدین ایوبی و مرد ثروتمند

روزی صلاح‌الدین ایوبی، فرمانده مسلمانان در جنگهای صلیبی، به‌خاطر کمبود بودجه نظامی نزد شخص ثروتمندی رفت تا شاید بتواند پولی برای ادامه جنگ‌هایش از او بگیرد. آن تاجر مبلغ مورد نیاز را به‌او پرداخت کرد.

موقعی که صلاح‌الدین خواست از خانه بیرون برود رو به آن مرد نمود و پرسید به‌نظر شما بین سه دین کلیمی، مسیحی و اسلام که با هم در جنگ هستند حق با کدامیک است. آن تاجر بزرگ گفت بنشین تا یک داستان برایت بگویم و بعد خودت نتیجه‌گیری کن؛ و بعد چنین ادامه داد:

در روزگاران قدیم مرد دهقانی صاحب یک انگشتر بود و همه می‌گفتند این انگشتر نزد هر کس باشد به‌کمال انسانیت می‌رسد. خداوند به‌مرد دهقان سه پسر داد و وقتی پسران بزرگ شدند، پدر آنها از روی آن انگشتر دو تای دیگر دقیقاً شبیه اولی درست کرد و به‌هر کدام از پسرانش یکی از انگشترها را داد. از این به‌بعد هر کدام از پسرها می‌گفتند که انگشتر اصلی پیش اوست و همیشه بر سر اینکه انگشتر اصلی نزد کدام یک از آنهاست با هم دعوا داشتند تا بالاخره تصمیم گرفتند برای مشخص شدن انگشتر اصلی پیش قاضی بروند.

وقتی شرح ماجرا را برای قاضی گفتند، قاضی گفت احتمالاً انگشتر اصلی گم شده است، چون قرار بر این بوده که آن انگشتر پیش هر کس باشد، دارنده بایستی دارای کمالات انسانی باشد، اما شما سه نفر که هیچ فرقی با هم ندارید و مدام مشغول دعوا و ناسزاگویی به‌یکدیگر هستید!؟!



چه معنا دارد زن درس بخواند؟

فضل‌الله نوری (پدر بزرگ نورالدین کیانوری):

چه معنا دارد زن درس بخواند؟ این عین اشاعه فاحشه‌خانه‌ها است و صرف وجوه متبرکه روضه‌خوانی و وجوه زیارات برای افتتاح مدارس تربیت نسوان و دبستان دوشیزگان مخالف اسلام است.

رضاشاه بزرگ با این اهریمنان سر و کار داشت.



اولین خط راه آهن و ماشین دودی

اولین خط راه آهن به طول ۸۷۰۰ متر بین تهران و شهرری کشیده شد و ماشین دودی نامی بود که مردم تهران به آن دادند؛ علت این نامگذاری بخاری بود که از دودکش موتور قطار خارج می‌شد.

این راه آهن در سال ۱۲۶۱ خورشیدی (۱۸۸۳ میلادی) ساخته احداث و امتیاز آن را یک مهندس فرانسوی به نام «مسیو بوتال» به نمایندگی یک شرکت بلژیکی از ناصرالدین شاه دریافت کرده بود. ماشین دودی را می‌توان در اصل نخستین خط تراموای تهران دانست.

ماشین دودی دو ایستگاه داشت؛ نقطه آغاز این خط نزدیک خیابان دروازه خراسان (میدان قیام و پارک کوثر فعلی) و نقطه پایانی جلوی در شاه عبدالعظیم در شهرری بود.

در آن زمان مردم تهران با تعجب و اشتیاق برای تماشا به ایستگاه‌های ماشین دودی که «گار» نامیده می‌شد و یک واژه فرانسوی است، میرفتند!

در آغاز هر بار به هنگام راه افتادن قطار، بچه‌ها سنگ و خس و خاشاک زیادی به ماشین دودی می‌زدند، چون این وسیله جدید مورد پذیرش مردم تهران واقع نشده بود و در نتیجه در مدت کوتاهی با ورشکست شدن این شرکت بلژیکی، تراموا در تهران به‌بایگانی تاریخ سپرده شد.

در شروع کار ماشین دودی مردم کنجاو تهران برای آشنایی با پدیده جدیدی که به شهرشان آمده بود به محل «گار» ماشین که در واقع ایستگاه ماشین دودی بود می‌رفتند؛ ولی هیچ‌کس جرئت و تمایل سوار شدن بر آن را نداشت، تا اینکه ناصرالدین شاه برای اولین بار با گروه زیادی از مقامات مملکتی با ماشین دودی به شهرری مسافرت کرد و همین مسئله باعث ریختن ترس مردم و تشویق آنها به استفاده از ماشین دودی گردید. این راه آهن در سال‌های دهه ۱۳۴۱ خورشیدی برای همیشه تعطیل شد.

بعدها در اسفند ماه ۱۳۹۷ در پی انجام عملیات عمرانی شهرداری، در پیاده‌رو خیابانی در نزدیکی امامزاده عبدالله شهرری، پایه‌های ریل ماشین دودی دوره قاجار به طول حدود ۴۰ متر کشف شد.

چرا از سمت چپ سوار هواپیما می‌شویم؟

آیا تابحال این پرسش را از خودتان کرده‌اید که چرا مسافران همیشه از سمت چپ سوار هواپیما می‌شوند؟ دلایل آن چه می‌تواند باشد؛ آیا این سنت است یا قانون؟

میلیون‌ها نفر هر سال سوار هواپیما می‌شوند و فرقی نمی‌کند که این مسافر گردشگر، تاجر و یا رئیس جمهوری آمریکا است که می‌خواهد سوار هواپیمای مشهور "ایرفورس وان" شود؛ تقریباً همه آنها باید همیشه از سمت چپ وارد هواپیما شوند. حال فرقی نمی‌کند که هواپیمایی که سوار می‌شوند، بوئینگ است یا ایرباس و یا "رایان ایر Ryanair" است یا "ایرفرانس" یا "ایران ایر".

اما دلیل این که از سمت چپ سوار هواپیما می‌شویم چیست؟

اول از همه حفظ ایمنی. تقریباً همه کارها از قبیل تعمیر، بارگیری و قسمت چمدان مسافران در سمت راست هواپیما قرار گرفته‌اند و تصور کنید اگر ورودی هواپیما هم در این سمت باشد چه اتفاقی می‌افتد؟

اداره هواپیمایی بریتانیا در پاسخ به پرسشی از سوی روزنامه "دیلی میل" گفته است، وسایل نقلیه زیادی برای بارگیری در سمت راست هواپیما در حال حرکت و تردد هستند و می‌تواند در کارها تداخل ایجاد کند.

برای سوار شدن از سمت چپ هواپیما می‌توان یک دلیل تاریخی را هم بیان کرد. این موضوع برمی‌گردد به زمانی که بیشترین سفرها با کشتی‌ها انجام می‌گرفته است. در آن زمان کشتی‌ها به دلیل محدودیت‌های فنی، همیشه قاعده بود که از سمت چپ پهلو بگیرند. این سنت از آن زمان باقی مانده و به هواپیما میراث رسیده است.

البته سوار شدن مسافران از سمت چپ برای خلبان هواپیما هم مزیت‌هایی دارد. از آنجا که صندلی خلبان (کاپیتان) هم در سمت چپ کابین واقع شده، به هنگام نزدیک شدن به موقعیت پارکینگ او می‌تواند موانع احتمالی را تحت کنترل داشته باشد و هواپیما را بهتر به سمت ترمینال هدایت کند.

اما ورود و خروج از سمت چپ هواپیما یک سنت است و نه یک قانون ثابت. مثلاً ورودی برخی هواپیمای کوچک‌تر مثل «Mooney M20» بطور استثنای در سمت راست قرار دارد.

احتمالاً برای بیشتر مسافران این موضوع اهمیتی ندارد که از کدام سمت سوار هواپیما شوند، نکته اصلی و مهم این است که هواپیما شما را راحت، سریع و سالم به مقصد برساند، چون به هر حال می‌توان از چپ و یا راست پیاده شد.





گفته‌ها، نکته‌ها و لطیفه‌ها

سقراط و همسرش

وقتی موعد اعدام سقراط رسید، زنش گریه می‌کرد؛ نزدیکش شد و پرسید: چه چیزی باعث گریهات شده؟ زن درحالیکه گریه می‌کرد گفت: ظالمانه کشته خواهی شد. سقراط او را در آغوش گرفت، بوشید و گفت: یعنی اگر عادلانه کشته می‌شدم گریه نمی‌کردی؟ زن گفت: منظورم این است که بی‌گناه کشته می‌شوی. سقراط گفت: یعنی دوست داشتی گناهکار باشم؟ زن خود را از آغوش او رها کرد و گفت: الهی زیر گل بری که موقع مُردن هم دست از فلسفه و منطق برنمی‌داری؟!

روز زن

از مردی میپرسن پارسال روز زن برای زنت چیکار کردی؟ میگه: بردمش کوه... میگن: آفرین، امسال می‌خوای چی کار کنی؟! میگه: می‌خوام برم بیمارمش!!

تقدیم به خانمها

خدا گفت: زمین سرد است، چه کسی می‌تواند زمین را گرم کند؟ زن گفت: من می‌توانم، خدا شعله به او داد. زن شعله را در قلبش گذاشت، قلبش آتش گرفت! خداوند لبخند زد، زن پر از نور شد، زن زیبا شد! خدا گفت: زن شعله را خرج کن. زن عاشق شد، زن مادر شد، زن مهر شد، زن ماه شد.... در تمام این سالها خدا سوختن زن را تماشا کرد! خدا گفت: اگر زن نبود، زمین من همیشه سرد بود...!؟

وصیتنامه و یادداشتهای قلی

* - من از شب اول قبر میترسم منو شب دوم خاک کنید!
* - بهجای کافور حشره‌کش بزنید تامورچه‌ها منو نخورند!
* - به کفن دست دوم تتم کنید تا فکر کنند از من سؤال کرده‌اند!
* - بهیارانه هام دست نزنید برمی‌گردم!
* - یه گدایی دم ترمینال هست چهار ساله می‌بینمش، همیشه میگه کرایه نداره بره تا شهرش! بهش پول ندین! بیشعور پیاده هم میرفت الان مرزو رد کرده بود!
* - پدرم موقع مناظره گفت: اگه کنترل مملکت دست من بود، ایران رو گلستان میکردم. ..
منم گفتم: والا یه کنترل کولر دسته اینجارو جهنم کردی؛ بقیشو دیگه خوردم به دیوار نتونستم بگم!
* - اما خدا به هیچکس مثل اصحاب کهف حال نداد. ساعت ۵ بعد از ظهر ایمان آوردن، تا ۹ رسیدن تو غار گرفتن خوابیدن، ۳۰۰ سال بعد پا شدن یه صبحونه سبک خوردن و مُردن و رفتن بهشت...
* - خدایا... مارو به‌خاطر تمام نماز جماعت‌هایی که تو مدرسه میخوندیم، ببخش... چون هم وضو نداشتیم... هم اجباری بود... هم الکی پیس پیس می‌کردیم.
* - مامانم رفته واسه تولد بابام یه سری ظرف پیرکس خریده؛ انصافاً بابام کلی تشکر کرد...
حالا دیشب تولد مامانم بود، بابام هم رفته چهار حلقه لاستیک خریده؛ حالا نمی‌دونم مامانم چرا قهر کرده؛ شاید از رنگ لاستیکا خوشش نیومده؟!
* - خدایا... همیشه این آقای شیطان رو ببخشی و باهات آشتی کنی که دست از سر ما برداره؟ تو که همه رو می‌بخشی.. اینم اشتباه کرد به ما سجده نکرد.. ما بخشیدیم تو هم ببخش... داره اذیت میکنه... پیشنهادهای خوب میده...نمیشه رد کرد؟!
* - صبح اومدم دو کلمه درس بخونم.. تا الان خواب بودم... میترسم دو ورق دیگه بخونم برم تو کما؟!
* - یارو اومده میگه کارمو راه بنداز ایشالا گذرت پیش ما افتاد جبران میکنم!
گفتم کارت چیه؟
میگه مرده شورم!
* - امروز رفتم سر قبر یکی از بستگان، دختره اومد کنار قبر بغلی نشست بعد برگشت به من گفت: فوت کردن؟ گفتم: نه شبا میاد اینجا می‌خوابه اومدم بیدارش کنم بریم خونه...؟ دنبال شوهر میگردن، نمیدونن چجوری سر صحبتو باز کنن!؟

هیچ وقت زنی که رأی می‌دهد را درک نمی‌کنم!!

کسی که حق دوچرخه سواری ندارد، کسی که حق انتخاب نوع پوشش خود را ندارد، کسی که در صورت طلاق گرفتن تنها تا ۷ سال می‌تواند از فرزندش نگهداری کند، زنی که حق ورود به‌استادیوم و سالنهای ورزشی را ندارد، زنی که توسط گشت ارشاد توقیف و جریمه می‌شود، زنی که جنس دوم نامیده می‌شود و هر روزه در خیابان‌ها مورد خشونت و آزار قرار می‌گیرد، خیلی خنده دار است که حق رأی دادن دارد!؟

یک خاطره

در یک سمینار پزشکی، آخوندی هم دعوت شده بود. طبق برنامه پشت تریبون رفت و شروع کرد به سخنرانی! پس از خواندن چند آیه و حدیث، گفت: «اگر دو نوزاد از شیر یک مادر بخورند، قطعاً چهره‌ی آن‌ها شبیه یکدیگر خواهد شد! بعد از او نوبت سخنرانی به یک طبیب رسید. ایشان کلامش را این‌گونه آغاز کرد: حضار گرامی، هنگامیکه نوزاد بودم شیر مادرم کفاف سیر کردنم را نمی‌داد و مجبور شدم بهمن شیر بز بدهم. آیا اکنون من شباهتی به بز دارم؟! پس از خنده‌ی طولانی و ممتد حضار، ایشان رو به‌آخوند حاضر در سمینار کرد و گفت: همان‌طور که ما پزشکان در کار دین و فقه و حلال و حرام دخالتی نمی‌کنیم، از شما نیز خواهشمندیم به امور پزشکی و طبابت ورود نهنمایید.

اسلام دین ربا و تزویر.....؟!

در اسلام چیزی بنام آزادی وجود ندارد

اسلام = تسلیم شدن

مسلمانی = بندگی و حماقت بی قید و شرط

تقیه = دروغ گفتن حلال

جهاد = قتل و عام حلال

سهم امام = رشوه شرعی و حلال

سهم امام = رشوه حلال

خمس و ذکات = دزدی حلال

صیغه = تن فروشی حلال

تارزان یا وارطان

بنده خدایی که مسلمان بود از دنیا میره، همسایه اش که ارمنی بود تو تشیع جنازه اش شرکت میکنه ؛ وقتی که میت را در قبر میذارن آخوندی شروع میکنه به تلقین دادن میت. ارمنی از یکی میپرسه این آقا به میت چی میگه؟ به او میگن داره به میت تلقین میخونه!

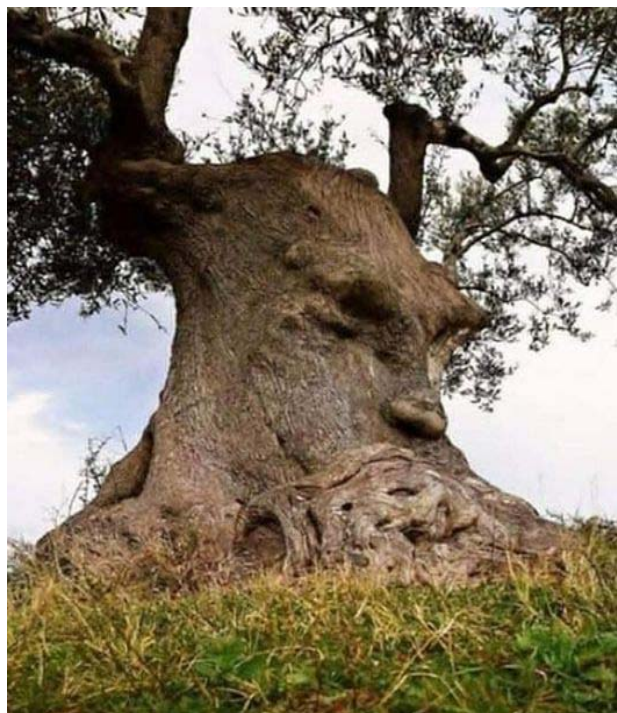
ارمنی می پرسه تلقین چیه؟

میگن داره بهش اسم خدا، پیامبر و دوازده امام رو یادآوری میکنه که اون دنیا وقتی ازش پرسیدن بتونه جواب بده!

ارمنی میگه این مرد وقتی زنده بود چهل سال همسایه من بود اسم من «وارتان بود» همش می‌گفت «تارزان»! اونوقت الان که مرده، چطور در چند دقیقه می‌تونه این همه اسمو حفظ کنه؟



حتی اگر گاو هم باشی، چنانچه در جای درست قرار بگیری، کسانی پیدا می‌شوند تا ترا بهیرسندند. برتراند راسل



درخت اندیشمند

درخت زیتون ۷۰۰ ساله در ایتالیا که بهدرخت اندیشمند معروف است

مرد رماتیک

زن نصف شب از خواب بیدار شد و دید که شوهرش نیست! به دنبال او گشت، شوهرش را درحالی‌که توی آشپزخانه نشسته و به دیوار زل زده بود و اشک‌هایش را پاک می‌کرد و فنجانی قهوه می‌نوشید پیدا کرد...

زن در حالی که داخل آشپزخانه می‌شد پرسید: چی شده عزیزم این موقع شب چرا اینجا نشستی؟!

شوهرش نگاهش را از دیوار برداشت و گفت: هیچی فقط اون وقتها رو بهیاد میارم، ۲۰ سال پیش که تازه همدیگرو ملاقات کرده بودیم،..... یادته؟!

زن که حسایی تحت تاثیر قرار گرفته بود، چشم‌هایش پر از اشک شد و گفت: آره عزیزم یادمه...

شوهرش ادامه داد: یادته پدرت ما دوتا رو توی پارک محمولون غافلگیر کرد؟

زن درحالی‌که روی صندلی کنار شوهرش می‌نشست گفت: آره یادمه، انگار همین دیروز بود...؟

مرد بغضش را قورت داد و ادامه داد: یادته پدرت هفت تیرش رو به سمت من نشونه گرفت و گفت: یا با دختر من ازدواج میکنی یا ۲۰ سال می‌فرستمت زندان آب خنک بخوری؟

زن گفت: آره عزیزم اون هم یادمه و بعدش هم یادمه که رفتیم محضر و...

مرد نتوانست جلوی گریه‌اش را بگیرد و گفت: اگه رفته بودم زندان، امروز سی سال تمام می‌شد و آزاد می‌شدم!؟



بهترین دین...؟

از پدر پرسید روزی یک پسر
بهترین دین‌ها کدام است ای پدر؟
گفت من با دین ندارم هیچ کار
پیش من دین‌ها ندارند اعتبار
چونکه آوردیم هر دین جدید
اختلاف بیشتر آمد پدید
کینه‌ها و دشمنی بسیار شد
جنگ‌های مذهبی تکرار شد
خون مردم ریخت بر روی زمین
بارها و بارها با نام دین
نه مسلمانم نه ترسا نه جهود
سر به حکم عقل می‌آرم فرود
عقل می‌گوید که عیش دیگران
هست در همزیستی با دیگران!
دین ولی گوید که خون کافران
گر بریزی اجر داری بیکران!
دیگران‌دیشان هم آخر آمدند
دین چرا گوید که مهدور الدم اند؟
من بدین علت ندارم دین و کیش
تا نریزم خون هم‌نوعان خویش
تو هم ای فرزند تنها از «خرد»
پیروی کن تا به می‌نویت برد
با تمام مردم روی زمین
دوستی کن بهترین دین است این



دزدیده شدن واژه «عجیب»

اولین باری که دلار ناگهانی دو برابر شد عجیب بود. الان
دیگه عجیب نیست!
اولین بی‌گناهی را که کشتند عجیب بود، الان دیگه عجیب
نیست!
اختلاس چند میلیاردی بار اولی که اتفاق افتاد عجیب بود،
الان دیگه عجیب نیست!
اولین داوری که پول گرفت، اولین ورزشکاری که پناهنده
شد، اولین قاضی که رشوه گرفت، اولین طرفدار سیستم که
جاسوس موساد از کار درآمد، اولین.....! ... اولین.....!
همه اینا یه وقتی عجیب بود، ولی الان دیگه عجیب نیست!
متأسفانه کلمه «عجیب» را هم از ما زدند، چون دیگه
هیچ چیز عجیب نیست! آیا این «عجیب نیست؟!»

جواب قانع کننده

در زمان استالین، مردی در میدان سرخ مسکو کتاب پخش
می‌کرد، سازمان «ک، گ، ب» او را دستگیر کرد؛ بعد از
بازرسی کتاب‌ها، دیدند تمام صفحات کتاب‌هایی که او پخش
کرده سفید است!
از او پرسیدند: این‌ها چیست؟ چرا کتاب‌های سفید و بدون
هیچ نوشته‌ای را پخش می‌کنی؟
جواب داد: چیزی برای نوشتن مانده است، همه چیز مثل
روز برای همه روشن است!

سرزمین پاریسیان

با شهر عرب بحر عرب کار نداریم
با سال قمر ماه رجب کار نداریم
ما گردش سال از خط خورشید گرفتیم
با ظلمت و تاریکی شب کار نداریم
شیر شتر و روی عرب چند توان دید
با چهره منحوس عرب کار نداریم
هر چند که ما در پی گمگشته خویشیم
با بصره و بغداد و حلب کار نداریم
ما طالب صلحیم و طرفدار حقیقت
با جنگ فلسطین جلب کار نداریم
ما طبق سند ریشه در این خاک دو اندیم
با آدم بی اصل و نسب کار نداریم
هر جا که نبود شعر و ادب رو ننماییم
با مجلس عاری ز ادب کار نداریم
تاج سر ما سایه اربابِ ریا نیست
با هیچ به جز مهر وطن کار نداریم

سیگار فروش مبتکر

یک سیگار فروش روی جعبه سیگار فروشی اش با خطی

درشت و خوانا نوشته بود:

بهمن تمام شد،

آزادی نداریم،

تیر موجود است

یه کشتی ای هست...

یه کشتی ای هست وسط بهدریای طوفانی. یه عده دارن از تو کشتی رو سوراخ میکنن، یه عده از بیرون. یه عده دارن سعی میکنن جلوی آمدن آب تو کشتی را بگیرن؛ ملوانهای کشتی به جای کمک، با چوب افتادن بهجون اونایی که میخوان جلوی غرق شدن کشتی را بگیرن! یه عده تو عرشهی کشتی مست کردن دارن قهقهه میزنن. یه عده غرق شدن، یه عده دارن غرق میشن، یه عده دارن تو آب دست و پا میزنن، یه عده شنا بلدن، یه عده شنا بلد نیستن، یه عده دنبال جلیقه‌ی نجات میگردن، یه عده خیلی وقته با آخرین قایق‌های نجات کشتی را ترک کردن، یه عده از تو قایق‌های نجات دارن به کشتی نگاه میکنن و اشک میریزن، یه عده بیرون کشتی‌ان ولی دلشون تو کشتی جا مونده، یه عده هرچی داد میزنن صداشون به جایی نمیرسه. اون کشتی ایرانیه، اون آدم‌ها ماییم، همه نگران، همه چشم به راه ساحل..

کوهنوردی

از یک مرد میپرسن روز زن واسه خانومت چیکار کردی؟ میگه بردمش کوه!!.. میگن آفرین... سال دیگه میخوای چیکار کنی؟ میگه میخوام برم بیارمش خونه!!

وای اگر.....؟

وای اگر مرد گدا یک شبه سلطان بشود مثل اینست که گرگی سگ چوپان بشود هر کجا هُدهُد دانا برود گنج قفس جغد ویرانه‌نشین مرشد مرغان بشود سرزمینی که در آن قحط شود آزادی گرچه دیوار ندارد خود زندان بشود باغبانی که بهنجار دهد باغش را فصل‌هایش همه هم‌رنگ زمستان بشود ناخدا دلخوش این آبی آرام نباش وای از آن لحظه که هنگامه‌ی طوفان بشود

مرد خوش اشتها!!

مردی آمد نزد پیش‌نماز مسجد محل و گفت: یا شیخ من زن میخوام! شیخ رو کرد به زنهایی که پشت پرده بودند و گفت: کی حاضره زن این مرد بشه؟ یک زن گفت یا شیخ من حاضرم زنش بشم و یک باغ هم دارم میدم بهش! زن دوم گفت: یا شیخ من زنش میشم و یک اسب دارم اون را هدیه میدم بهش! زن سوم گفت: یا شیخ من زنش میشم و یک گاو دارم هدیه میدم بهش! شیخ رو کرد به آن مرد و گفت: کدامشان را می‌خواهی؟ مرد گفت: یا شیخ اگه اجازه بدی سوار اسب بشم، افسار گاو را بگیرم و برم توی باغم!؟

معشوق همینجاست....

ای قوم به حج رفته کجا بید کجا بید معشوق همین جاست بیایید بیایید معشوق تو همسایه و دیوار به دیوار در بادیه سرگشته شما در چه هوایید گر صورت بی‌صورت معشوق ببینید هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شما بید ده بار از آن راه بدان خانه برفتید یک بار از این خانه بر این بام برآید آن خانه لطیف‌ست نشان‌هاش بگفتید از خواجه آن خانه نشانی بنمایید یک دسته گل کو اگر آن باغ بدیدید یک گوهر جان کو اگر از بحر خدایید با این همه آن رنج شما گنج شما باد افسوس که بر گنج شما پرده شما بید «مولانا»



پُرسودترین شغل در دنیا تجارت دین است، تجارتی که سرمایه‌اش دروغ و ریا، و مشتری‌اش نادان و عقب افتاده است. "عزیز نسین"

معشوق همینجاست....

ای قوم به حج رفته کجایید کجایید
معشوق همین جاست بیایید بیایید
معشوق تو همسایه و دیوار به دیوار
در بادیه سرگشته شما در چه هوایید
گر صورت بی صورت معشوق ببینید
هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شما
ده بار از آن راه بدان خانه برفتنید
یک بار از این خانه بر این بام برآید
آن خانه لطیفست نشان هاش بگفتید
از خواجه آن خانه نشانی بنمایید
یک دسته گل کو اگر آن باغ بدیدید
یک گوهر جان کو اگر از بحر خدایید
با این همه آن رنج شما گنج شما باد
افسوس که بر گنج شما پرده شما ببید

مولانا

دوست من هرگز نترسی

جواب می‌دهم چه توقعی داری که راست بگویند؟!
وقتی مدام می‌شنوند که باید از سنشان خجالت بکشند!
خجالت بکشند و رنگ شاد نباشند، خجالت بکشند از سنشان و
عاشق نشوند! خجالت بکشند از سنشان و نرقصند، با صدای
بلند نخندند، خجالت بکشند چون از آنها گذشته است!...
نترس دوست من، هرگز برای هیچ چیز از تو نگذشته است...
اگر به عشق نیاز داری عاشق شو، برقص... با صدای بلند
قهقهه بزن، رنگهای شاد بپوش... و شاد باش.
تا وقتی زنده‌ای، هیچ چیز از تو نگذشته است؛ زندگی کن و از
عدد داخل شناسنامه‌ات هرگز خجالت نکش دوست من.



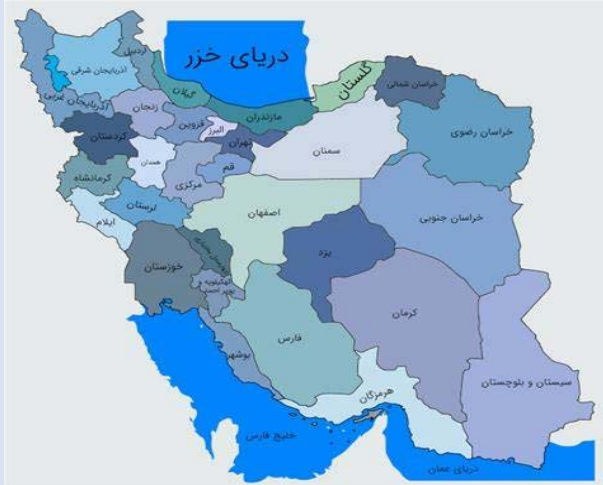
arya5@aol.com

هموطنان محترم:

در صورتیکه مقبولیت مجله پژوهش مورد تأیید شما است،

لطفاً آنرا به اشتراک گذاشته و با ارسال ایمیل و شماره

تلفن مجله، خواندن آنرا به دوستان خود توصیه نمایید



به وطن جاودانه‌ام ایران بزرگ تقدیم است

من فدای وطنم، غیر وطن هیچ مگو
بجز ایران، سخنی در بر من، هیچ مگو
آشنا نیست مرا، غیر سرود بلبل
با من از همه‌می زاغ و زغن، هیچ مگو
هم ز چین بگذر و هم نافه‌ی آهوی ختن
عشق را بنگر و از چین و ختن هیچ مگو
بوی عشق آید از این خطه‌ی شیرین‌پرور
از غم و کینه در این دشت و دمن، هیچ مگو
خیز و از پاکی سهراب و سیاوش برخوان
جز فریدون و بجز پور پیشن، هیچ مگو
دل من نیست سرای غم موهوم عرب
بگذر از تازی و از رنج و محن، هیچ مگو
«دل سراپرده‌ی عشق است» بخوان با حافظ
غم باطل شده را نوحه مزن، هیچ مگو
افتخار است اگر خاک وطن شد کفنم
با من از تلخی زندان و کفن، هیچ مگو
شاعرا، شعر وطن گوی و به یاران پیوند
اینک از عشق بت سیم بدن، هیچ مگو
شعر خورشید بخوان، شادی مام میهن
جز حماسه، به کمینگاه سخن، هیچ مگو
تاج بر سر تو بنه بانوی ایرانی را
بجز آوای سرافرازی زن، هیچ مگو
من و امواج خلیجی به توانمندی پارس
قصه جز جلوه‌ی این چین و شکن، هیچ مگو
آرشا، جان چو نهادی تو در آن تیر و کمان
دیگر از درد مگو، قصه‌ی تن، هیچ مگو
من و فردوسی و شهنامه، بهشت ایران
به من از حوری و از باغ عدن، هیچ مگو
شعر «آزادی ایران» به لب جان من است
با من از شیخ پُر از مکر و فتن، هیچ مگو
ما همانیم که بودیم و به شادی هستیم
سخن از سستی امید وطن، هیچ مگو

یک شیر ژبیان و سر کش، یک عاشق پاکباز، یک دوست واقعی و یک پیر نمونه، بی عشق نمی‌تواند زندگی کند. دل او از آئینه پاکتر و روشن‌تر است، اما خشم او هم توفانی هم سهمگین خواهد بود. اغلب آدمهای کارآمدی هستند بنحویکه اغلب کارهای منزل را شخصا و با مهارت تمام انجام می‌دهند. متولدین این ماه عموماً دارای طبعی گرم و خشک بوده و خوشرو و مهربان هستند. گاه زود خشمگین می‌شوند، ولی زود آرام می‌گیرند.

اینان افرادی خوشگذران هستند؛ گاه مورد تهمت قرار می‌گیرند، اما چون با گذشت هستند، از آن می‌گذرند. اینان معمولاً در زندگی راه راست در پیش می‌گیرند و کمتر به‌انحراف کشیده می‌شوند.

اغلب افرادی با عزت و دارای طبعی بلند هستند. بعضاً به‌مقامات بالا می‌رسند. اغلب والدینشان را زود از دست می‌دهند. در زندگی زناشویی اغلب در اختلاف هستند، اما از فرزند خیر و نفع می‌بینند.

عموماً در سن هفت و نوزده سالگی با خطر مرگ مواجه می‌شوند و اگر از آن بگذرند، بیش از هفتاد سال عمر خواهند کرد.

شراکت برای آنان سازگار نیست؛ با هر کس شراکت کنند، زیان خواهند دید. روزهای یکشنبه، روز خوبی برای آنان است. در ضمن انگشتر عمیق با آنها سازگار است.

زن متولد مرداد ماه

باهوش، گرم و جذاب، شیک پوش، با شخصیت، خواهان تجمل، ریاست طلب، دوستدار تعریف و تمجید و کدبانو. در دوستان تاثیر بسیار مطلوب برجای می‌گذارد. مادری مهربان و صمیمی که می‌کوشد فرزندان خود را مستقل و دارای اعتماد به‌نفس بار بیاورد.

متولدین زن این ماه طالع بلندی دارند. اینان ذاتاً خوش بیان، خوش طبع، بلند بالا و اغلب لاغر می‌باشند.

اینان در اوایل زندگی با مشکلات و رنج مواجه می‌گردند، اما هر چه جلوتر می‌روند به‌آرامش و آسایش دست می‌یابند؛ به‌خصوص پس از ازدواج، اغلب زندگی خوبی خواهند داشت و همواره در رفاه و آرامش بسر خواهند برد.

این زنان اگر چه فرزندان کمتری نسبت به‌زنان متولد ماههای دیگر خواهند داشت، اما لازم است آنان را از قسَم دروغ برحذر دارند و همچنین از بدست آوردن مال حرام.

عیب این زنان این است که اغلب زود به‌جوش می‌آیند و خویشتن‌داری خود را از دست می‌دهند.

در ضمن یک خطر بزرگ اغلب این زنان را تهدید می‌کند که بادرایت و بردباری، برطرف خواهد شد. لباسهای سفید و سبز و همچنین انگشتر فیروزه با آنان سازگار است.



متولدین امرداد ماه

متولد: جوان طبیعت

سمبل: شیر

شعار: من اراده میکنم

ستاره حاکم: خورشید

عنصر وجود: آتش

شخصیت: ثابت

فلز وجود: طلا

سنگ خوش یمن: یاقوت زرد

رنگ محبوب: رنگهای غروب خورشید

عدد خوش یمن: ۱

گل محبوب: آفتابگردان

روز مبارک: یکشنبه

مشخصات کلی متولدین مرداد ماه

پر محبت، منتفر از دروغ، واقعاً قدرتمند، ثابت قدم، عاشق شهرت، بسیار مغرور، سر حال و بشاش، خودخواه و جاه‌طلب، بد پيله، خود بزرگبین، مقتدر، مؤدب، فعال و کوشا، با ثبات و پایدار، قوی و با اراده، اهل معنویات، خودنما، عاشق تعریف و تمجید، با جرأت و شهامت، رهبر و فرمانروا، زود گول می‌خورد، پر انرژی، بلندنظر، صدیق و مهربان، سخاوتمند، وفادار، شجاع، علاقه‌مند به زندگی تجملی، لجوج، حساس، پر توقع، پرتحمل، دوست واقعی، یک پیر نمونه، بی ریا، رام شونده، دارای خشمی طوفانی، مدافع و پشتیبان اطرافیان، علاقه‌مند به موسیقی، باید مورد ستایش قرار گیرد، کمی حسود، کار آمد، دست و دلباز و تا حدودی ولخرج، با گذشت ولی خودخواه، بدون کینه، فاقد بدذاتی، خون گرم، ظریف‌کار، سریع الانتقال، خوش سیما و شکیل، همیشه تمیز، یک دفعه و ناگهانی عصبانی می‌شود، بسیار مؤدب و مورد احترام مردم.

هزینه نپذیرفتن دستور حذف تصویر علی کریمی؛

کریم باقری اخراج شد!!

با اعلام «رضا درویش» مدیر عامل باشگاه پرسپولیس، «کریم باقری» در فصل آینده جایی در ترکیب پرسپولیس نداشته و فقط «جلال حسینی» به عنوان مربی در کنار «یحیی گل محمدی» حضور خواهد داشت.

پیش از این خبرهایی مبنی بر دستور نهادهای امنیتی و وزارت ورزش و جوانان، برای حذف شدن تصویر «علی کریمی» از صفحه اینستاگرام کریم باقری منتشر شده بود. همچنین وزارت ورزش و جوانان پیش از این شرط بازگشت جواد نکونام به فوتبال ایران و سرمربیگری استقلال را «انفالو کردن» علی کریمی و حذف تصویر مشترکش با او دانست. علی کریمی پس از آغاز اعتراضات سراسری نسبت به رفتارهای جمهوری اسلامی در قبال معترضین، واکنش نشان داد. او و خانواده‌اش در ماه‌های اخیر بارها مورد آزار نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

درخشی قهرمانان ایران، در دو و میدانی قهرمانی آسیا

در مسابقات قهرمانی آسیا (بانکوک- ۲۰۲۳) فرزانه فصیحی به مدال نقره و حسن تفتیان به مدال برنز دو ۱۰۰ متر در بخش بانوان و آقایان دست یافتند.

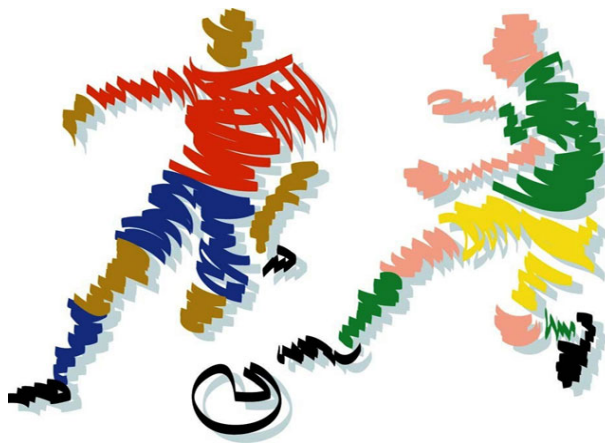
فرزانه فصیحی (پرافتخارترین ورزشکار بانوی دو و میدانی کشورمان) و حمیده اسماعیل‌نژاد دو نماینده ایران در بخش زنان ماده ۱۰۰ بودند که رقابت خود را آغاز کردند.

در پایان فصیحی با ثبت زمان ۱۱/۳۹ ثانیه در جایگاه دوم قرار گرفت و به مدال نقره رسید.

فرزانه فصیحی چند ماه پیش موفق شده بود در دو ۶۰ متر داخل سالن قهرمانی آسیا هم به مدال طلا دست یابد.

خانم حمیده اسماعیل‌نژاد با وجود اینکه در دور مقدماتی زمان ۱۱/۳۳ ثانیه را ثبت و رکورد ملی ایران را شکست و همچنین در نیمه‌نهایی با زمان ۱۱/۳۵ ثانیه فینالیست شد، نتوانست در فینال رکوردی بهتر از ۱۱/۴۶ ثانیه را ثبت کند. او با این نتیجه چهارم شد.

در بخش مردان هم حسن تفتیان در فینال ماده ۱۰۰ متر زمان رکورد ۱۰/۲۳ ثانیه را ثبت کرد و پس از ورزشکارانی از ژاپن و عربستان، به مدال برنز رسید.



ورزش در پژوهش

تیم والیبال زیر بیست و یک سال ایران

قهرمان مسابقات جوانان جهان شد

تیم والیبال جوانان کشورمان موفق شد در یک دیدار نزدیک و نفس‌گیر و با نتیجه ۲-۳ تیم قدرتمند جوانان ایتالیا را شکست دهد و برای دومین بار در تاریخ این مسابقات به این مقام ارزشمند دست یابد.

تیم‌های ایتالیا، بلغارستان و آرژانتین به ترتیب عنوان‌های دوم تا چهارم را از آن خود کردند.

بازیکنان ایران در این مسابقات عبارت بودند از:

عرفان نوروزی، عرشیا بهمنزاده، سجاد جلوداریان، شایان سپهری‌فرد، مبین نصری، یونس جوان، پندار مومنی مقدم، امیرمحمد گلزاده، علی حق‌پرست، پوریا حسین خانزاده و مهدی بیاتی.

کادر فنی:

سر مربی: غلامرضا مومنی مقدم

مدیر فنی: پیمان اکبری

سرپرست: حسینی

کمک مربیان و آنالیزور: زارع، منصور، شاکری، جدیدالاسلام، حسن‌زاده و عزیزی.

همچنین کمیته فنی مسابقات، برترین بازیکنان دوره ۲۲ را معرفی را بشرح زیر معرفی کرد:

ارزشمندترین بازیکن: امیر محمد گلزاده (ایران) متولد اردیبهشت ماه ۱۳۸۲ داران - اصفهان بلند قامت ترین بازیکن ایران با ۲۰۵ سانتی متر.

بهترین مدافعان میانی: لازار بوچکوو (بلغارستان)، فیلیپو بارتولوچی (ایتالیا)

بهترین مهاجمان قدرتی: مبین نصری (ایران)، اوریلی ماتیا (ایتالیا)

بهترین لیبرو: گابریل لارنزانو (ایتالیا)

بهترین پاسور: عرشیا بهمنزاده (ایران)

بهترین قطر پاسور: امیر محمد گلزاده (ایران)



قهرمان قهرمانان

علی برات زاده، سنگنورد ملی پوش ایران

و خودداری از اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی!

در مسابقات جهانی فرانسه درحالیکه تمامی پرچمداران کشورهای شرکت کننده در این رقابت ها پرچم کشور خود را بلند کرده و تکان می دادند، «علی برات زاده»، قهرمان سنگنوردی ۳۸ ساله اهل شهرستان نیشابور ایران پرچم جمهوری اسلامی را بر زمین گذاشته بود.

در این رابطه، فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی با انتشار بیانیهای اعلام کرد:

«.....، نامبرده تا اطلاع ثانوی از کلیه رویدادهای داخلی و بین المللی محروم و در اسرع وقت با تشکیل کمیته انضباطی به این عمل وی رسیدگی خواهد شد.» ۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰

بیوگرافی علی برات زاده:

علی برات زاده متولد ۱۳۶۴ نیشابور با ۲۴ سال سابقه سنگنوردی یکی از پر افتخارترین سنگنوردان مسابقه دهنده سالنی کشور می باشد. ۱۸ سال عضویت مداوم در تیم ملی و کسب مقام های متعدد داخلی و خارجی از او یک سنگنورد توانمند و پرافتخار ساخته است.

عناوینی که وی تاکنون در عرصه مسابقات سنگنوردی داخلی و خارجی به دست آورده است به شرح زیر است:

- * - قهرمان آسیا در بولدر و سرطناب سال ۲۰۱۳
- * - قهرمان مسابقات مستر کاپ نانچینگ ۲۰۱۶
- * - قهرمان مسابقات نانچینگ مستر کاپ ۲۰۱۶
- * - ۴۸ مقام رسمی کشوری
- * - قهرمان هفتم جهان در سال ۱۳۹۴
- * - همچنین نام «علی برات زاده» به عنوان اولین ایرانی که مسیر بولدر a8 و +a8 در راک تریپ اتریش صعود کرده، به ثبت رسیده است.

آرزوی بهبودی و سلامتی برای دروازه بان سابق تیم ملی فوتبال

فرامرز ظلی (مشهور به عموظلی) دروازه بان سابق تیم های باشگاه های تهران، نیروهای مسلح شاهنشاهی و تیم ملی ایران در دهه ۴۰ شمسی، پس از فوت همسر و ابتلا به بیماری پارکینسون متأسفانه روزهای سختی را در تنهایی می گذراند.

وی نیز به مثابه زنده نام همایون بهزادی علاوه بر آنکه در زمین فوتبال افتخارآمیز بود، در کلام و استعاره و شعر ید طولایی داشت.

فرامرز ظلی در مصاحبهایی با رسانه ها اعلام کرد پانزده بار به فدراسیون فوتبال مراجعه کرده، ولی مهدی تاج و محمد نبی از پذیرفتن وی خودداری کردند!؟

بیوگرافی کوتاه فرامرز ظلی

متولد سال ۱۳۲۱ شمسی در محله باغشاه تهران

عضویت در تیم ملی از سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۴۹

شرکت در جام ملت های آسیا ۱۹۶۸ تهران

حضور در بازیهای المپیک ۱۹۶۴ توکیو

مدال نقره بازی های آسیایی ۱۹۶۶ بانکوک

مقام سوم مسابقات ارتش های جهان «سیزم» ۱۹۶۹ یونان

باشگاه هاییکه فرامرز ظلی در آنها عضویت داشته است:

۱۳۳۷-۱۳۳۹ شرق

۱۳۴۰-۱۳۴۱ کیان

۱۳۴۲-۱۳۴۸ پاس

۱۳۴۹- تاج

۱۳۵۰-۱۳۵۱ پاس

۱۳۵۱-۱۳۵۳ عقاب

برای فرامرز ظلی، پیشکسوت فوتبال کشورمان آرزوی بهبودی و سلامتی کامل داریم.



تیم فوتبال نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران در امجدیه

ایستاده از چپ: منوچهر حبیبی، محمود یآوری، محمدعلی مالکیان، حشمت الله مهاجرانی، همایون شاهرخی، شرفی و

فرامرز ظلی

نشسته از چپ: مصطفی عرب، پرویز قلیچخانی، فریبرز

اسماعیلی، علی جباری و مهدی مناجاتی

پاینده ایران

درخشش شیر دختران ایران

نایب قهرمانی تیم ملی بسکتبال دختران زیر ۱۶ سال ایران برای اولین بار در آسیا

تیم ملی بسکتبال دختران زیر ۱۶ سال ایران در مسابقات کاپ آسیا در اردن را با شکست در دیدار نهایی مقابل فیلیپین به پایان بردند تا برای اولین بار در تاریخ بسکتبال بانوان کشورمان در آسیا، نایب قهرمان شوند.

تیم ملی بسکتبال دختران زیر ۱۶ سال ایران رقابت‌های کاپ آسیا «دیویژن B» را با چهار پیروزی در مراحل مقدماتی و نیمه نهایی پشت سر گذاشت و با شکست ۶۰ - ۸۳ در برابر فیلیپین در دیدار نهایی، نایب قهرمان آسیا شد.

تیم ملی بسکتبال دختران زیر ۱۶ سال ایران برای اولین بار به‌عنوان یک تیم بانوان ایرانی در رقابت‌های آسیایی در این رشته عنوان نایب قهرمانی را به ارمغان آورد.

این تیم با شایستگی تیمهای مالزی، سنگاپور و گوام را در مرحله گروهی شکست داد و در نیمه نهایی برابر هنگ کنگ به پیروزی رسید و در دیدار پایانی، نتیجه را به فیلیپین واگذار کرد.

ترکیب تیم ملی بسکتبال دختران زیر ۱۶ سال ایران را در این رقابت‌ها بازیکنان زیر تشکیل دادند:

غزل زمانی، غزل جعفری، زهرا بازوبندی، زهرا زارعی، زهرا یزدانی، مبینا رحیمی، فاطمه جعفری، هانیه حسینی، هلیا هودنه، مانده مریدی، فاطمه دریسای زاده و عسل فائز. اعضای فنی تیم عبارت بودند از: سروه ضرغامیان (سر مربی)، نیکا بیک لیک لی (مدیر فنی)، شیوا خرماشاهی (سرپرست)، ملک مهاجر کرمانی (مربی) و آرمن انشوریدیان مشاور فنی به عنوان اعضای کادر فنی حضور داشتند.



شیران بیشه ما نیز جنگالهای آهنین دارند



حسن کُرد،

بازیکن و کاپیتان تیم ملی والیبال ایران

حسن کُرد کاپیتان اسبق تیم ملی والیبال ایران متولد ۱۴ خرداد ماه ۱۳۲۰ در تهران است.

او والیبال را از هنرستان صنعتی تهران شروع کرد و اواخر دهه ۳۰ به تیم بوستان راه یافت.

حسن کُرد والیبال حرفه‌ای را در باشگاه بوستان زیر نظر زنده‌یاد حسین جبارزادگان شروع کرد و بعد از آن در سال ۱۳۴۰ در اولین حضورش در تیم ملی والیبال ایران به‌عنوان کاپیتان تیم انتخاب شد.

حسن کُرد در بازی‌های آسیایی ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ کاپیتان تیم ملی والیبال ایران بود که در بازی‌های ۱۹۶۶ بانکوک با تیم ایران مدال برنز این مسابقات را کسب کرد؛ عنوانیکه سال‌ها برای والیبال ایران تکرار نشده.

حسن کُرد ۱۳ سال کاپیتان تیم ملی ایران بود و از این حیث رکورددار کاپیتانی تیم ملی والیبال ایران است. او ۱۲ بار با تیم تهران قهرمان والیبال ایران شد و بعد از حضور در تیم بوستان و تهران جوان، در سال ۱۳۴۰ به تیم دخیانیات رفت و تمام دوران باقیمانده ورزشی‌اش را در این تیم گذراند.

حسن کُرد در اولین حضور تیم ملی والیبال ایران در رقابت‌های قهرمانی جهان که در سال ۱۹۷۰ در «صوفیه» (پایتخت بلغارستان) برگزار شد، کاپیتان و بهترین بازیکن تیم ملی والیبال ایران بود.

حسن کُرد در سال ۱۳۴۲ با خانم مهری خرازی که وی نیز از بهترین والیبالیست تیم ملی والیبال بانوان ایران بود ازدواج کرد که حاصل این ازدواج پسری است به‌نام رامین کُرد که در رده باشگاهی والیبال را دنبال کرد.

حسن کُرد و همسرش خانم مهری خرازی، دو والیبالیست مطرح کشورمان بعد از شورش سال پنجاه و هفت کمتر در میداين و مجامع عمومی حضور یافتند، تاجاییکه از حسن کُرد به‌عنوان آقای خاص والیبال ایران نام بردند.



Eight facts about the Shah of Iran

The heart of the Middle East antiquity, the First Persian (Iranian) Empire was founded by Cyrus the Great in 550 after he took Babylon from the Babylonians. Since then, Iran's long and turbulent history had many rulers, kings, and emperors. We refer to them as "Shah of Iran."

Is Iran the same as Persia?

The term Persia is an exonym: it is an external name for the country given by people speaking a different language. Iranians never really referred to Iran by that name: they knew it as Iran or Iranshahr, which is the name of the country in Persian.

In 1935 the ruler of Iran asked foreign delegates to use the term Iran. Since then, the word "Iran" has become more common in the Western World. Also, the usage of the terms for Iranian nationality changed, and the usual adjective for citizens of Iran went from "Persian" to "Iranian." In 1959, the government of Iran announced that both "Persia" and "Iran" could officially be used interchangeably.

What does the word Shah mean?

Persian Empire, which included many kingdoms and nations, had many various names for its rulers: Calif, Emir, Sultan, Amir, Bey, Khan. In the 15th century, "Shah" (pronounced [ʃɒːh]), meaning "King of a specific kingdom," became the continuously used term. Some regional monarchs were even recorded in history by a contraction of the kingdom's name with "shah" such as Khwarezmshah or the Shirvanshah.

Curious inventions by the Shahs of the Iran Empire?

Darius the Great created the first taxation system as a way to generate revenue for his infrastructure

projects. The Royal Road of Persia, he constructed, was used to create the world's first postal service.

Persians invented trousers, and the word "pajama" is their creation: while the rest of the ancient world was running around in long flowing robes and togas, the Persians were sitting comfortably in pants!

They also gave us paradise, or at least the word: it is derived from the Avestan word "paridaiza," meaning enclosed garden.

Is There a Shah in Iran in the 21st century?

Mohammad Reza Pahlavi, Shahanshah of Iran, was the last ruler to hold the title of Shah from 1941 to 1979.

His exile in 1979 ended 2,500 years of monarchy in Iran, replaced by an Islamic system that is still in charge today.

The life of the last Shah certainly wasn't ordinary or boring! Born in 1919 and educated in Switzerland, Pahlavi was just 22 when he ascended to the throne.

The previous Shah ruled in Iran for almost three decades during the most turbulent time in the 20th century. He is still one of the most disputed figures in contemporary Middle Eastern history.

What were the family members of a Shah called?

The first wife of the Emperor was called Shahbanu, Empress. A prince or princess was called Shahzada: the term derived from Shah using the Persian patronymic suffix -zādeh or -zāda, "born from" or a "descendant of."



Who is the most famous fictional Shah in the world?

Arabian Nights, or 1000 and 1 nights of Scheherazade, is the most well-known collection of the Middle East tales and folklore. Shahryar of the Arabian Nights is the fictional Persian Shah, who is told stories by his wife for 1001 nights.

What does Shah have to do with chess?

Checkmate is the ultimate sign of victory in contemporary society, but its roots come from the Persians. The phrase "Shah Mat" meant "the King is dead," or "the King is helpless," and was used by the Persians in their game "chatrang", the ancestor to chess. When the Moors conquered the Iberian Peninsula, the chess was brought to Europe and the endgame declaration was transliterated to "checkmate."

Is there a message from the Shah of Iran on the Moon?

In 1969, the last Shah of Iran, Mohammad Reza, sent one of 73 Apollo 11 Goodwill Messages to NASA for the first lunar landing. The message still rests on the lunar surface today. He stated: "we pray the Almighty God to guide mankind towards ever-increasing success in the establishment of culture, knowledge and human civilization."



Wedding Ceremonies

Ms. Golnar Djahanbani

specializes in the creation of unique wedding ceremonies.

Golnar designs a ceremony that fits the couple's cultural and spiritual backgrounds

Golnar does not do a cookie cutter approach to wedding ceremonies, she creates a ceremony that embodies and conveys the couple authentic unity

*Multi-Cultural Weddings
Non-Denominational Ceremony
Personalized Ceremony
Pre-Marital Counseling*

Anything you want!
Do you have your own wedding ideas?

Contact Information:
(310) - 924 - 9305
golnardjahanbani@gmail.com



Unexpected Signs, That You Have a Unique Body

11. The ability to touch your elbow with your tongue

It is believed that no more than 1% of people in the world have this ability. To perform the trick, you need to have a particularly short forearm and a long tongue. But, even with these features, you'll still need good flexibility and very strong motivation!

10. Movable ears

Approximately 22% of people on the planet are capable of wiggling one ear, while no more than 18% can do it with both ears. But this was not always so: our distant ancestors used to be true virtuosos at making all sorts of movements with these body parts. The fact is that the muscle responsible for ear movement was once well developed in humans but became redundant in the course of evolution.

9. The ability to wiggle individual toes

No matter how you try, you won't be able to wiggle each of your toes in turn. That's because only the big toe and the little toe are fitted with individual muscles, while the rest are controlled en masse by just one set of muscles. Most people in the world can easily move their big toes, but only a minority can do it with little toes.

8. Flexible tongue

When it comes to the "flexible tongue" skill, certain tongue length and muscle tone are a must.

In addition to genetics, the environment can also be a factor in this trait's formation. For example, Indians are particularly likely to have flexible tongues. Scientists believe that this has to do with the peculiarities of their language.

7. Diastema

Diastema is a gap between the front teeth, occurring in about 20% of humans. From the viewpoint of dentists, it's an anomaly that requires medical intervention. But many people, including celebrities, think that this feature adds uniqueness to their image!

6. The ability to raise one eyebrow

The ability to raise only one eyebrow depends on how well you can control your facial muscles. Interestingly, people born with this feature often possess the skill to move their ears as well. Scientists believe that early humans were able to wiggle their eyebrows separately — the way certain present-day species of monkeys do at the sight of danger.

5. Dimples on the cheeks

Possessed by approximately 25% of the world's population, dimples are a defect in the structure of the zygomatic muscle, which is responsible for smiling. In people with this physiological feature, a small bundle of the muscle gets attached to the bone. As a result, when a person smiles, a portion of the cheek is drawn inward. Dimples are particularly noticeable with chubby cheeks because fat makes the indentations more pronounced.

4. Holes above the ears

Approximately 5% of people on the planet are born with a small hole above one or both ears. Interestingly, in the USA, such people constitute less than 1% of the population, while in Asia this distinction is diagnosed in approximately 10% of newborns.

Scientists are yet to reach a conclusion about the causes of this feature's formation and the role it plays in the body, but some believe that the holes could be an evolutionary remnant of fish gills.

3. Hitchhiker's thumb

Hitchhiker's thumb is a physiological phenomenon in which the upper phalanx of the

thumb can bend 90 degrees in the direction opposite to the palm. This hyperextensibility is caused by the presence of a special gene, known as the "bendy thumb gene." Such a feature is inherited and occurs in about 25% of people.

2. Missing tendon

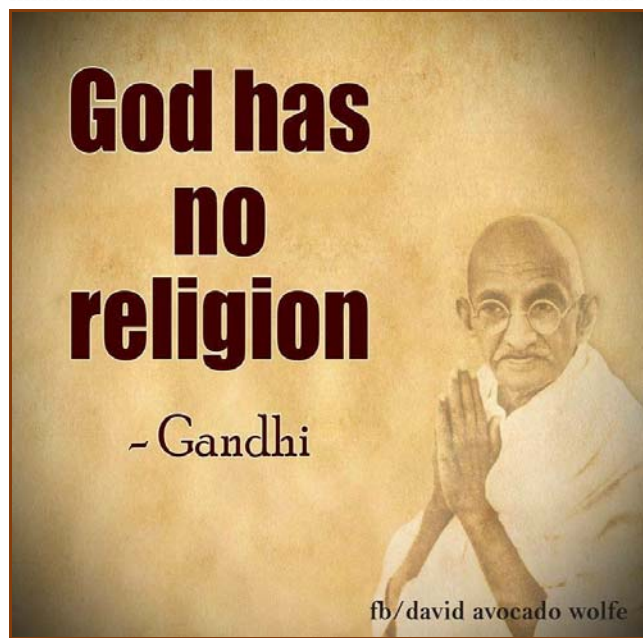
Gather all the fingers of one hand together, and tense your wrist. If the tendon on the inner side of the wrist doesn't become visible, you must be one of the 14% of people who don't have the long palmar muscle. This muscle belongs to the vestigial parts of the body — those whose necessity has disappeared in the course of evolution.

Experts say that the absence of the long palmar muscle does not affect the grip strength or any other functions assigned to the hands.

1. Darwin's tubercle

The protruding segment on the inside or outside of the ear is called the Darwin's tubercle. The famous scientist once suggested that this feature was the consequence of the fact that early people's ears used to be pointy.

It is believed that those who possess this distinction (no more than 10% of the world's population) are better at sensing voice tonality. Such people can also hear high-frequency sounds and clearly identify particular sounds, even in noisy places.



Lemon and Baking Soda: A Miraculous Combination That Saves Lives!

The combination of lemon and baking soda has 10,000 times stronger effect than chemotherapy! Citrus fruit can cure cancer. Recent studies have shown that consuming citrus fruits, specifically lemons have prevented and in some cases cured cancer. And by adding baking soda you will normalize the pH of the body which does not allow the cancer to continue to spread.

Lemon has a very strong antimicrobial effect with a very broad spectrum of activity against bacterial and fungal infections. It is effective against internal parasites and worms and regulates blood pressure. This fruit is a powerful antidepressant, reduces stress and nerve crises. Lemon destroys cancer cells in 12 cancer types. It prevents metastasis of cancer cells and it is 10,000 times stronger than drugs like Adriamycin, chemotherapy and narcotic products.

What is more interesting is the fact that the combination of lemon extract and baking soda destroys cancer cells only, without harming healthy cells and tissues. The experiments have shown that patients diagnosed with cancer should drink lemon juice and a teaspoon of baking soda. This treatment can not cure the disastrous side effects of chemotherapy.

The best way to be sure that lemons are organic without any chemicals used is to grow this fruit in your own garden or in a pot. Organic lemons are 100 times more efficient than lemons cultivated with chemical fertilizers and treated with chemicals.



12 Signs Showing You Are Dealing With An Evil Person

Evil is defined as the absence of good. Every person has different definitions of evil and goodness. However, in many cases true evil is very hard to recognize especially for people who always try to find something good in others.

We can not ignore that there are truly evil people around us and we need to learn how to notice the signals that show us when someone means nothing else but to harm us.

1. Reality denial

Regardless of how obvious the truth is these people will always deny it. Their truth is the only that matters even though it is complete opposite of the reality. Their truth is actually reflection of their wicked, unhealthy thoughts and ideas.

2. Fact twisting

These people are incredible manipulators. They are able to twist any fact that they do not want to accept. They possess ability to take things out of context and create a story that is in their favor.

3. Hiding information

All information that they believe can compromise their goals will be immediately withheld. By keeping this information a secret they believe that they are not doing anything wrong i.e. they do not consider this to be lying. However, if this silence harms others than, it is certainly lying. Moreover, they will blame you and make you feel guilty for lacking trust.

4. Misleading people

What they are very good at is misleading you by making you feel attacked, incompetent, vulnerable, afraid or hated. They achieve this by carefully choosing well-thought words.

5. Constant lies

Whatever they may be talking about they will always add” juicy “information because they feel satisfaction when they lie to other people.

6. No remorse

These people will never feel sorry for hurting people. They enjoy destroying relationships or anything that other people find meaningful. They find pleasure in other people’s sufferings. If they see something good, they will do all in their power to destroy it.

7. Avoid responsibility

Lack of moral is one of the key traits of these people. They never admit or apologize for their mistakes.

8. Manipulators

Masters of manipulation is their second name. They always have a plan and will do anything to realize it.

9. Fair-weather friends

They change like the weather. They will be your friends when you are happy and successful. However, as soon as you face hardships they will disappear. Do not expect support from them. They will be around you only if they can gain something.

10. Time thieves

They cannot stand other people being successful and they will do anything in their power to prevent them from realizing their plans. They hate when others are better than them.

11. Double lives

They have a different story for everyone. You can never truly get a clear picture of who these people are. They often lead double lives and no one really knows them well.

12. Control freaks

They look at other people as their toys and want to have complete control over them. This can be clearly seen when they lose control over them and their true intentions appear on the surface.

These traits can be found in many people but if you notice more of them in one person then it is time for you to distance from them and to eventually remove them from your life.

Always be careful when somebody appears to be perfect. Try to be more attentive and observant of this person’s interactions because you never know what truly lies beneath.



Effects of Smoking: What Cigarettes Do to Your Body?

It's no secret: Smoking is bad for you. Really, really bad for you. But what exactly happens to your body when you take a drag of a cigarette?

You already know this, but smoking affects all the organs in your body. That's because the chemicals of the cigarette have direct access to your lungs and airways, and your respiratory system has to deliver oxygen to all other parts of your body. Here are some of the worst ways smoking affects your body:

Smoking damages the mouth and throat by creating an abnormal thickening of the lining of the throat. This thickening is actually additional cells being multiplied uncontrollably, and these cells can form malignant tumors. The smoke also reaches the nose and sinuses. Smokers may notice a decrease in their senses of taste and smell due to the damage from the cigarette smoke.

Once cigarette smoke reaches the lungs, it may reduce the body's ability to fight off viruses, bacteria, and respiratory illnesses.

The airways develop a thick lining of mucus, which can cause chronic coughing and breathing problems. The airways will be more constricted, so the lungs will have to work much harder to take in the necessary amount of oxygen. The cigarette may also damage the air sacs of the lungs, which is where the body transfers oxygen to the blood. This is a lot of damage to the lungs; in fact, 87 percent of people who die from lung cancer are smokers.

*- The effects of smoking on the heart are also startling. The heart is already the hardest-working organ in the body, and a smoker's heart has to pound 36,000 more times a day than that of a non-smoker.

The cigarette smoke creates plaque buildup in the arteries, which narrows the arteries and inhibits the body from easily circulating blood to all parts of the body.

That puts a smoker at risk for hypertension, heart disease, and stroke. If the circulation problems are severe enough, the arteries may not be able to provide oxygen-rich blood to the extremities, and chances of amputation of the hands or feet increase.

*- Smoking even affects your bones. Studies have found a direct relationship between loss in bone density and smoking. Cigarette use may cause weak, brittle bones, which increases the smoker's chances for osteoporosis or fractures.

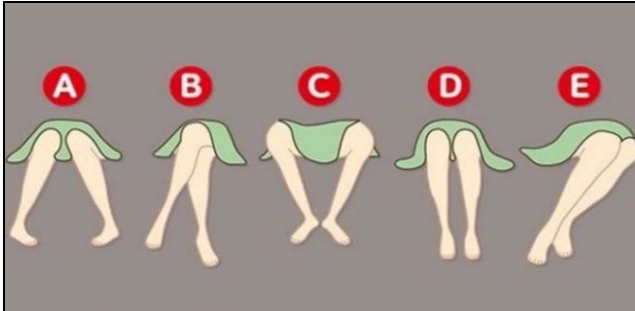
*- Cigarettes may take a toll on your sex life, too. Because the narrowed arteries cannot circulate blood effectively, men can experience difficulty getting an erection. Smoking may also cause lower sperm counts in men and lower fertility in women.

*- The effects of smoking on your appearance are obvious. They include wrinkly skin, stained teeth and nails, tooth decay, and thinning hair. The wrinkles are mostly caused by the lack of oxygen reaching the skin cells.

So, yeah: Smoking is toxic for your entire body. But the good news is that your body begins to repair itself almost instantly after you quit smoking.



What does your sitting posture tell you?



How do you keep your legs when you're sitting down? This is what your sitting posture says about your personality!

Body language; it often tells you much more than words could ever do. It's an incredibly important tool when it comes to establishing relationships, because most emotions are communicated non-verbally.

So, when we're in contact with other people, we say much more than we do with just our words. It's not about what we're saying exactly, but how we feel when we're saying it. It can be difficult to talk about our feelings, which is why we're often communicating our emotions through body language instead.

This can make it clear to other people whether there's an underlying meaning to what we're saying, and how we relate to them. That's why body language is important when making contact with all kinds of people. Body language can also tell us a lot about who we are and how we relate to our surroundings. What's your usual sitting posture? It can reveal a lot about your personality. Read about your sitting posture below:

Position A

People who sit like this are very creative and charismatic. They're spontaneous and don't think too long about the decisions they make. This can cause some trouble every now and then, but their natural charm will help them out of a sticky situation. These people view life as an adventure and are open to new experiences. They're also very popular and easily make new friends, although many of these relationships are fleeting.

Position B

People who sit in this position are true dreamers. They have a rich imagination and can completely lose themselves in a daydream. They're very empathetic and can easily make contact with other people, but they sometimes put themselves in the background because of this. They are very good listeners and are strongly in touch with their own feelings.

Position C

These are chaotic people who have a lot of trouble concentrating and sitting still. Their minds are always moving and they often speak before thinking about the impact of their words. They're easily bored and have a short attention span. They shine most in a fast environment with loads of stimuli. In relationships they can quickly become disinterested as well, and they need someone who can push back.

Position D

These are often very smart people who are good rational thinkers. They're punctual, neat and orderly. Their homes are often squeaky clean and neat, and everything has its own proper place. They're a little reserved and won't quickly reveal everything about themselves. Yet they are very honest and don't like to gossip. They remain calm in every situation and don't easily lose perspective.

Position E

These people are very goal-oriented and value their careers a lot. They place importance on setting ambitious goals for themselves and are not satisfied with less. On a personal level they also like to set goals, for example when it comes to health and love. They're very perfectionistic about everything, including their own appearance. This sometimes causes them to lose sight of what they already have because they're always aspiring for more.

